

«چگونه زندگی نامه بنویسیم؟» در گفت و گو با محسن سلیمانی

زندگی نامه نویسی باید بی طرف باشد



می توان این نکته را در کتاب های علمی نیز دید. شما باید در کتب علمی هم مسائل را بی طرفانه توضیح دهید. به این ترتیب، وقتی به توصیف کسی می پردازید، باید او را بی طرفانه تر وصف کنی.

کسی که می خواهد زندگی نامه بنویسد، باید عقاید شخصی اش را کنار بگذارد. یعنی او باید «خوش آمدن ها» و «بد آمدن هایش» را کنار بگذارد. گر چه ممکن است این کار خیلی سخت باشد. این مسأله باید در کتاب زندگی نامه نیز وجود داشته باشد، چنانچه

کتابخانه

شنبه ۲۱ آذر ۱۳۸۸
۲۲ ذیحجه ۱۴۳۰، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۹
شماره ۲۱۱، پیاپی ۸۶۲
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۴-۶۶۹۶۶۱۵۱
سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



شاهزاده مغلوب
در برابر
گاوباز وحشی

۲۱



اسطوره های
ایرانی را به پانتومیم
ترجمه کنیم

۱۵



سرودنم
از یک کابوس
شروع شد

۷

سرآغاز

قصه ها و زمستان ها

زمستان همیشه فصل قصه بوده است. سرما و داستان رانمی دانم چه پیوندی ست، اما می دانم شب های طولانی اش از قدیم فرصتی بوده برای ادبیات، از همه گونه آن، برای قصه گفتن و شنیدن یا برای کتاب یا کتابچه ای ورق زدن. چه قصه های کنار کرسی مادر بزرگ، چه داستان مرد های بیدار کنار آتش یا جمع شده در محلی با سقف کوتاه و یک نقال و چند استکان چای و چه حتی مدل امروزی اش؛ مطالعه رمان های آپارتمانی کنار شومینه های تزئینی که گاز شهری را جای هیزم می سوزانند.

شب های طولانی هفته های آخر پاییز و ماه های زمستان، حظ کتاب را مگر می شود نادیده گرفت. اگر فرصتی بود تا طلوع و تا بامداد و گر فرصتی نیست و باید اندکی خوابید تا صبح زیاد هم دیر به کار هایت نرسی، خوب چند صفحه ای که می شود جلورفت.

زمستان که دوباره برگشته، برف هم باریده. شب هم به قدر کافی طولانی است. نه انگار هیچ بهانه ای باقی نمانده. زمستان فصل خواندن است.

برنامه های چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر اعلام شد

کرد: «جشنواره شعر امسال به شکل متمرکز در دو بخش بزرگسال و جوان برگزار می شود و همه شاعران کشور می توانند با ارسال آثار خود به دبیرخانه مرکزی جشنواره، در این رقابت بزرگ ادبی شرکت کنند.»

وی با بیان این مطلب که بر اساس پیشنهاد شورای سیاست گذاری جشنواره، جوایز این دوره افزایش پیدا خواهد کرد گفت: «پس از تصویب میزان افزایش جوایز جشنواره شعر فجر، تعداد جوایز اهدایی اعلام خواهد شد.»

مدیر کل دفتر مطالعات فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین گفت: «مهلت ارسال اشعار به دبیرخانه تا پایان آذر امسال است و داوری ها نیز از اوایل دی ماه آغاز می شود.»

جشنواره امسال در دو بخش بزرگسال و جوان به شکل رقابتی و در سه رشته شعری «سنّتی»، «نو» اعم از نیمایی و سپید و «کودک و نوجوان» برگزار می شود. دبیر جشنواره شعر فجر علی موسوی گرمارودی، دبیر علمی جشنواره مرتضی امیری اسفندقه و دبیر اجرایی مصطفی امیدی هستند.

فراخوان چهارمین جشنواره بین المللی شعر فجر و فرم شرکت در این جشنواره در شماره گذشته کتاب هفته منتشر شده و در سایت خبرگزاری کتاب ایران به نشانی www.ibna.ir قابل مشاهده است.

مصطفی امیدی، دبیر اجرایی چهارمین دوره جشنواره شعر فجر، تازه ترین مصوبات و برنامه های شورای سیاست گذاری این جشنواره را تشریح کرد.

امیدی به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: «با توجه به اعلام آمادگی استان های مختلف و تشکل های شعری برای میزبانی آیین افتتاحیه این جشنواره، شورای سیاست گذاری جشنواره شعر فجر، استان بوشهر را به عنوان میزبان مراسم افتتاحیه برگزید.»

به گفته وی، آیین افتتاحیه جشنواره شعر فجر، از اول بهمن ماه سال جاری در بوشهر آغاز خواهد شد و به مدت یک ماه در سراسر کشور ادامه پیدا می کند.

همچنین مراسم اختتامیه جشنواره شعر فجر اول اسفند ماه امسال در تالار وحدت تهران با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می شود.

دبیر اجرایی چهارمین جشنواره شعر فجر افزود: «این جشنواره در استان های کشور به شکل همایش ها و شب های شعر برگزار می شود که در این جلسات شاعران ممتاز استان های مختلف علاوه بر شعر خوانی، از حضور شاعران برجسته معاصر در کارگاه های آموزشی و نقد شعر بهره خواهند برد و همچنین در این همایش ها جوایزی نیز به شاعران استانی اهدا می شود.»

امیدی با اشاره به غیر رقابتی بودن جشنواره در استان ها تصریح



۲
• راهیابی ۶۶ اثر
به مرحله نیمه نهایی

جایزه جهانی
کتاب سال

• کتاب «شعر
معاصر ایران»
منتشر می شود

۳
• هر تا مولر:
وحشت من را
نویسنده کرد

• آغاز داوری
مسابقه «ترجمه
داستان کوتاه»



چراغ راه

باید پدران و مادران، بچه‌ها را از اول با کتاب محشور و مأنوس بکنند. حتی باید بچه‌های کوچک با کتاب انس پیدا کنند.
بیانات مقام معظم رهبری در مصاحبه با خبرنگار صداوسیما، پس از بازدید از هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، ۷۴/۲/۲۶

پرفروش‌های کتاب از زبان کتابفروشان

فروش بالای «اشعار شور انگیز»

کتاب «گزیده اشعار شورانگیز» اثر «لرمانتوف» با ترجمه بابک دهقان آبکنار از انتشارات نخستین در فهرست آثار پرفروش هفته گذشته قرار داشت. این کتاب به گفته مترجم آن شامل دو منظومه با عنوان های ابلیس و میت سیری است که عنوان منظومه دوم ترجمه نشده و به زبان اصلی ذکر شده است. منظومه اول این کتاب درباره دختری به نام تامار است که نامزدش در مسیر رفتن به مراسم عروسی کشته می‌شود. منظومه دوم نیز برگرفته از زندگی نامه راهب پیری است که برای شاعر روایت می‌شود که البته شاعر، تغییراتی در مضمون داستان ایجاد کرده است. منظومه دوم همچنین به داستان پسر بچه شش ساله ای می‌پردازد که توسط یک ژنرال روس به روسیه برده می‌شود، اما در بین راه بیمار می‌شود و ژنرال او را در صومعه‌ای تنها رها می‌کند. دیگر آثار پرفروش انتشارات و کتابفروشی نخستین در هفته گذشته عبارت بودند از: «دختران سیلان» نوشته سهیلا عینی، «سرنوشت بلوط پیر» اثر باب گراهام با ترجمه ابوالقاسم سبطی، «گفت و گوهای سرنوشت ساز» اثر گری پاترسون با ترجمه روحیه فناپیان و «راه‌های ساده برای مدیریت استرس» اثر پرمدوترا با ترجمه مهدی چراچه داغی.

مسئول فروش کتابفروشی دانش پژوه نیز آثار پرفروش خود را در هفته گذشته به این ترتیب برشمرد: «اتاه دنیا» اثر سوگند دهکردنژاد از نشر پاسارگاد، «راز» اثر راندا برن با ترجمه نفیسه معتکف از نشر لوئیس، «چهار اثر» از فلورانس اسکاول شین با ترجمه گیتی خوشدل از نشر پیکان، «هزار توی بورخس» اثر خورخه لوئیس بورخس از نشر زمان، «کالیگولا» اثر آلبر کامو با ترجمه ابوالحسن نجفی از نشر زمان، «دا» اثر سیده‌زهره حسینی از انتشارات سوره مهر، «گلبرگ زندگی» مجموعه سخنان حسین دهنوی از انتشارات خادم‌الرضا و «هرج و مرج محض» اثر وودی آلن با ترجمه حسین یعقوبی از انتشارات نیلوفر.

نمایشگاه استانی کتاب ۲۴ آذر در گرگان

مردم گرگان از ۲۴ آذر به مدت یک هفته میزبان نمایشگاه استانی کتاب خواهند بود. این چهارمین نمایشگاه استانی در ماه آذر است. پس از برگزاری نمایشگاه‌های کتاب بیرجند، اراک و یاسوج که به ترتیب ۵، ۶ و ۱۶ آذر افتتاح شد و هر یک به مدت یک هفته جریان داشت، گرگان چهارمین شهری است که در آخرین ماه فصل پاییز (آذر) میزبان نمایشگاه استانی کتاب می‌شود. موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران پس از بازدید از امکانات استان‌ها و نیز شرایط آب و هوایی در ماه‌های مختلف سال، به برپایی نمایشگاه‌های کتاب در استان‌های مختلف اقدام می‌کند.

همچنین قرار بود این ماه نمایشگاهی در ساری برگزار شود که به دلیل نبود محل مناسب برای برپایی این نمایشگاه لغو و به جای آن نمایشگاهی در سمنان برپا می‌شود. در نمایشگاه‌های استانی ۴۰ درصد تخفیف از سوی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و ناشران به خریداران کتاب ارائه می‌شود.

قائم مقام دبیر هفدهمین جایزه جهانی کتاب سال خبر داد

راهیابی ۶۶ اثر به مرحله نیمه نهایی جایزه جهانی کتاب سال

اثر به عنوان برگزیده معرفی خواهند شد؛ گفت: ملاک انتخاب آثار، احراز امتیاز لازم است، بنابراین تعداد آثار برگزیده هم متغیر است. یعنی برای مثال اگر امسال تعداد آثار بیشتری توانسته باشند امتیاز حد نصاب را کسب کنند، بالطبع تعداد آثار برگزیده هم بیشتر می‌شود اما بر اساس آنچه تاکنون اتفاق افتاده تعداد آثار برگزیده معمولاً بین ۲۰ تا ۳۰ اثر بوده است.



وی همچنین درباره این که داوری آثار در بخش نیمه نهایی چه مدت زمان می‌برد؟ اظهار داشت: «کار داوری حداکثر تا دو یا سه هفته دیگر تمام می‌شود و ما برای دعوت از برندگان و حضورشان در ایران اقدام می‌کنیم اما اعلام نهایی اسامی برندگان طبق روال سال‌های قبل، بهمن و همزمان با برگزاری مراسم کتاب سال داخلی خواهد بود.»

قائم مقام دبیر هفدهمین جایزه جهانی کتاب سال درباره نحوه رصد کردن کتاب‌ها و انتخاب این آثار برای شرکت دادن در این جایزه تصریح کرد: «بخشی از کتاب‌ها از طریق نمایشگاه‌های داخلی کتاب در بخش ارزی، شناسایی، انتخاب و خریداری می‌شوند، بخشی از این آثار نیز از طریق ارتباط با رایزنان فرهنگی و نمایندگان سیاسی در خارج از کشور شناسایی و خریداری می‌شوند.»

قائم مقام دبیر هفدهمین جایزه جهانی کتاب سال از راهیابی ۶۶ اثر به مرحله نیمه نهایی جایزه جهانی کتاب سال خبر داد. علی‌علی‌پور در گفت و گو با کتاب هفته با اعلام این خبر، تعداد آثار راه یافته به مرحله نیمه نهایی جایزه جهانی کتاب سال را که شامل آثار مربوط به اسلام شناسی و ایران شناسی است در بخش کشورهای اروپایی ۴۸ عنوان و در بخش غیر لاتین و آسیایی را ۱۸ عنوان، ذکر کرد.

وی همچنین تعداد کل کتاب‌هایی که در این دوره از جایزه جهانی کتاب سال مورد ارزیابی قرار گرفتند را ۱۵۰۰ عنوان اعلام کرد و یادآور شد: در مرحله اول پس از ارزیابی، ۱۰۰۰ اثر از گردونه داوری خارج شدند و در مرحله دوم حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ اثر مورد ارزیابی و داوری قرار گرفتند که از این تعداد نیز در حال حاضر ۶۶ اثر به مرحله نیمه نهایی راه یافته‌اند. به گفته قائم مقام دبیر جایزه جهانی کتاب سال، آثار راه یافته به مرحله نیمه نهایی این دوره کتاب سال جهانی در بخش کشورهای اروپایی ۴۸ عنوان به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی و روسی و ۱۸ اثر بخش آسیایی نیز به زبان‌های عربی، چینی، اردو و ترکی‌اند. علی‌پور در پاسخ به این سوال که از این ۶۶ اثر راه یافته به مرحله نیمه نهایی چند

عیادت مدیرعامل خانه کتاب از محمود اکرامی فر



مدیرعامل موسسه خانه کتاب و مدیر روابط عمومی این موسسه، همراه مدیر کل دفتر مطالعات فرهنگی و ترویج کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به نمایندگی از سوی معاونت امور فرهنگی وزارت ارشاد، ظهر روز چهارشنبه هفته گذشته با حضور در بیمارستان طالقانی از محمود اکرامی فر، شاعر و نویسنده معاصر کشورمان عیادت کردند.

علی شجاعی صائین مدیرعامل خانه کتاب و مصطفی امیدی مدیرکل دفتر مطالعات فرهنگی و ترویج کتابخوانی وزارت ارشاد ضمن دیدار با این شاعر و پژوهشگر معاصر کشورمان در جریان درمان وی قرار گرفتند. اکرامی فر از روز پانزدهم آذرماه به دلیل عارضه قلبی در بیمارستان طالقانی بستری شده و به گفته پزشکان معالج، حال عمومی وی رضایت بخش است. محمود اکرامی فر، سال ۱۳۳۸ در یکی از روستاهای اسفراین متولد شد. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا سپری کرد و سپس برای گذراندن دوره متوسطه به اسفراین رفت و سپس وارد دانشگاه فردوسی مشهد و بعد دانشگاه تهران شد. «اصول ارتباطات جمعی»، «گریه کردن کم آرزویی نیست»، «اما با سلیقه مردم پیر می‌شویم»، «بهارانه‌ها»، «این کتاب اسم ندارد» و «مردم شناسی» از جمله آثار منتشر شده او هستند.

کتاب «شعر معاصر ایران» منتشر می‌شود

همزمان با برگزاری همایش «شاعران ایران و جهان» در هفته پایانی فروردین سال آینده، کتاب «شعر معاصر ایران» شامل زندگی‌نامه و اشعار ۲۳ شاعر معاصر ایرانی منتشر خواهد شد. این همایش در فاصله یک هفته‌ای سالروز گرامیداشت عطار نیشابوری (۲۵ فروردین) تا سالروز گرامیداشت سعدی (اول اردیبهشت) برگزار خواهد شد.

کتاب «شعر معاصر ایران» توسط دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و کتابخوانی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شود. این کتاب شامل زندگینامه و برخی از اشعار ۲۳ نفر از شاعران معاصر کشور است و همزمان با همایش

بزرگ‌ترین دایرةالمعارف قرآنی جهان اسلام به جلد هفدهم رسید

معاون گروه قرآن بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی از فعالیت این بخش برای انتشار جلد‌های مختلف بزرگ‌ترین دایرةالمعارف قرآنی جهان اسلام خبر داد و گفت: «جلدهای پانزدهم و شانزدهم این دایرةالمعارف در آینده نزدیک منتشر می‌شوند. ضمن این که جلد هفدهم نیز از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در دست انتشار است.»

محمدحسن مومن زاده در گفت و گو با خبرنگار کتاب ایران (ایبنا)، عنوان کرد: «بزرگ‌ترین دایرةالمعارف جهان اسلام با عنوان «المعجم فی فقه لغه القرآن و سربالباغ» در بیش از ۴۰ مجلد از سوی بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی منتشر می‌شود. وی با اشاره به این که این دایرةالمعارف به ترتیب حروف الفبا تألیف می‌شود، اظهار داشت: «بزرگ‌ترین دایرةالمعارف جهان اسلام به سرپرستی آیت‌الله محمد واعظ زاده خراسانی در حال تألیف است.»

مومن زاده با تأکید بر این که هر یک از جلد‌های این دایرةالمعارف بیش از ۹۰۰ صفحه دارد، یادآور شد: «این لغت‌نامه بر اساس ریشه لغوی مفردات قرآن تألیف شده و مشخصات مختلف آیات، نصوص، لغات و بخش‌های مختلف مفردات قرآنی و مشتقات نیز در آن جای گرفته است.»

معاون گروه قرآن بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی در پایان، ویژگی اساسی این دایرةالمعارف را گستردگی و وسعت آن دانست و اظهار داشت: «تألیف چنین دایرةالمعارفی در جهان اسلام تاکنون بی سابقه بوده و از لحاظ عمقی و تخصصی نیز فعالیت وسیعی برای تألیف آن انجام شده است اما زمان دقیق اتمام این دایرةالمعارف مشخص نیست.»

رییس جمهور یک کتاب تاریخی رونمایی کرد

دکتر محمود احمدی‌نژاد، رییس جمهور، سه شنبه ۱۷ آذر، از جلد نخست کتاب «تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» رونمایی کرد.

وی در مراسم رونمایی کتاب «تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» که با حضور اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در نهاد ریاست جمهوری برگزار شد، تصریح کرد: «کتاب «تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» از اقدامات پایه و مبنایی است که همه محققان و نسل‌های کشور را با برجستگان، دانشمندان و هویت تاریخ اسلام و ایران آشنا می‌کند.»

رییس جمهور همچنین از دست‌اندرکاران تألیف و تدوین کتاب تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران قدردانی کرد. پیش از سخنان احمدی‌نژاد، علی‌اکبر ولایتی در سخنانی گزارشی از مراحل تدوین و تألیف کتاب «تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» از ۲۵ سال پیش تاکنون ارائه کرد.

بزرگداشت محمود شاهرخی برگزار می‌شود

مراسم بزرگداشت محمود شاهرخی، شاعر فقید انقلاب، روز دوشنبه، ۲۳ آذر، در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار می‌شود.

این مراسم به یاد سال‌ها تلاش این شاعر در عرصه شعر و عرفان با همکاری حوزه هنری و شبکه رادیویی فرهنگ برپا خواهد شد. در این برنامه، جمعی از شخصیت‌های ادبی و فرهنگی به بیان ویژگی‌های شخصیتی و نیز بررسی آثار شاهرخی می‌پردازند. مراسم یادبود این شاعر ساعت ۱۴ تا ۱۶ روز یاد شده برگزار خواهد شد. محمود شاهرخی که به دلیل انسداد روده در بیمارستان عرفان تهران بستری بود، پس از دو عمل جراحی، به خاطر عارضه قلبی، هوشیاری خود را از دست داد و در سن ۸۲ سالگی دار فانی را وداع گفت. این شاعر متولد سال ۱۳۰۶ شهر بم کرمان است. او علاوه بر تحصیل مقدمات در حوزه‌های علمیه کرمان و یزد، دوره سطح را نیز در حوزه علمیه نجف اشرف گذرانده است.

«غبار کاروان»، «خلوتگاه عشق»، «آئینه آفتاب»، «آئینه عصمت»، «آئینه صبر»، «آئینه ایثار»، «آئینه رجا»، «آئینه عفت»، «سیمای پیامبر در ادب فارسی»، «درسی که از قرآن آموختیم» و «شعر جنگ» از جمله کتاب‌های شاهرخی‌اند. شاهرخی شاعری است که مقدمه دیوان حضرت امام(ره) را نیز تحریر کرده است.

هرتا مولر: وحشت من را نویسنده کرد

هرتا مولر، برنده آلمانی نوبل ادبیات، پنجشنبه گذشته طی مراسمی به طور رسمی این جایزه را دریافت کرد. وی چهار روز پیش از این مراسم در یک سخنرانی که سنت هر ساله آکادمی نوبل است، ترس و وحشت از کمونیسیم را الهام بخش نویسنده‌گی خود دانست. مولر در این سخنرانی که در استکهلم برگزار شد، از ترس و وحشتی که در زمان اقامتش در رومانی تجربه کرده سخن گفت و عامل این وحشت را رژیم کمونیستی وقت این کشور دانست و این وحشت را سرچشمه الهام خود برای نویسنده‌گی عنوان کرد. او گفت که ترس از مرگ در دوران دیکتاتوری رومانی موجب عطش برای زندگی و گرسنگی برای کلمات وی شده است.

این نویسنده آلمانی متولد رومانی در این سخنرانی گفت: «واکنش من به ترس مرگ بار، عطش برای زندگی بود و گرسنگی برای واژه‌ها؛ هیچ چیز جز واژه‌ها نمی‌توانست شرایط مرا درک کند.»

به گزارش فرانس پرس، او در ادامه اظهار کرد: «در دوران دیکتاتوری خیلی حرف می‌زدم و صحبت‌هایم عواقب‌بدی برایم داشتند. امانوئیل را در سکوت و بر روی پله‌ها آغاز کردم؛ جایی که بیشتر چیزهایی را که باید گفته می‌شد، روی کاغذ می‌آورد. آنچه داشت اتفاق می‌افتاد را دیگر نمی‌شد در صحبت بیان کرد.»

مولر ۱۷ آگوست ۱۹۵۳ در روستای نیشیدورف رومانی، دیده به جهان گشود. پدرش در ارتش نازی خدمت می‌کرد. مادرش توانسته بود بعد از جنگ جهانی دوم چندین سال را در اردوگاه‌های کارگری



نیروهای شوروی دوام بیاورد. مولر که به ادبیات علاقه‌مند بود، در دانشگاه تیمیسورا به تحصیل ادبیات رومانیایی و زبان‌های ژرمن پرداخت. سال ۱۹۷۶ به عنوان مترجم در یک کمپانی مهندسی مشغول به کار شد، اما سه سال بعد به علت سرپیچی از همکاری با ماموران امنیتی و نیروهای مخفی کمونیستی از آنجا اخراج شد. ابتدا سعی کرد با درس دادن به کودکان و تدریس خصوصی زبان آلمانی امرار معاش کند، اما خیلی موفق نبود. اولین کتابش (نادرسی) در رومانی به زبان آلمانی به چاپ رسید. خوانندگان این کتاب در سال انتشارش (۱۹۸۲) نتوانستند روایت اصلی این کتاب را بخوانند، چراکه

با نام «پس از عبور درناها»

مجموعه شعر جدیدی از واهه آرمن منتشر شد

واهه آرمن که به تازگی دومین مجموعه شعر فارسی‌اش را منتشر کرده، دو مجموعه شعر ارمنی را ترجمه و منتشر می‌کند. «پس از عبور درناها» نام دومین مجموعه شعر فارسی این شاعر ارمنی است که به تازگی از سوی نشر آهنگ دیگر منتشر شده است.

به گفته آرمن، این مجموعه که دربردارنده شعرهای سال ۸۴ تا ۸۷ است، مجوز انتشار دریافت کرده و به تازگی منتشر شده است. از سوی دیگر، ترجمه گزیده‌ای از شعرهای ادوارد حق وردیان با ترجمه این مترجم و شاعر منتشر خواهد شد.

«شعر کوتاه ارمنستان» مجموعه دیگری است که آرمن آن را ترجمه کرده؛ اما هنوز به چاپ نرسیده است. این مجموعه گزیده‌ای از شعرهای ۱۳ شاعر معاصر ارمنستان است.

مجموعه شعر فارسی «بال‌هایش را کنار شعرم جا گذاشت و رفت»، مجموعه‌های شعر ارمنی «به سوی آغاز» و «جیغ» و همچنین ترجمه مجموعه «کلید درم نور خورشید است» (منتخبی از شش شاعر معاصر ارمنستان) و «پاییزی کاملاً متفاوت» شامل شعرهای هووانس گریگوریان - شاعر اهل ارمنستان - از دیگر آثار آرمن هستند.

رمان‌هایی از کنراد و اتوود ترجمه شدند

سهیل سمی، مترجم آثار ادبی، از ترجمه رمانی دیگر از مارگارت اتوود، نویسنده کانادایی برنده جوایز معتبر ادبی مانند گیلر خبر داد و گفت: «عنوان این رمان «چشم گربه» است و جزو آثار متقدم اتوود است که آن را در سال ۱۹۸۹ چاپ کرده است.»

وی افزود: «راوی رمان «چشم گربه» نقل ماجرای یک نقاش است که از او برای حضور در نمایشگاهی از آثارش دعوت می‌شود. این نقاش هم که ۲۰ سال است از تورنتو (شهر محل برگزاری نمایشگاه مذکور) دور بوده در این نمایشگاه زندگی‌اش را مرور می‌کند.» سمی به زودی ترجمه این کتاب ۲۲۰ صفحه‌ای اتوود را برای انتشار به انتشارات نیلوفر خواهد سپرد.

بیدج: ترجمه درست ملاک انتخاب آثار است

آغاز داورى مسابقه «ترجمه داستان کوتاه»



موسی بیدج، دبیر مسابقه ترجمه داستان کوتاه از عربی به فارسی و فارسی به عربی از پایان یافتن مهلت ارسال آثار به دبیرخانه این جشنواره و آغاز بررسی آثار که حدود ۷۰ اثر ترجمه‌ای است خبر داد.

مسابقه ترجمه داستان کوتاه از عربی به فارسی و فارسی به عربی که برای نخستین بار توسط دفتر ادبیات ایران و عرب در مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری برگزار می‌شود، به گفته دبیر این مسابقه در گفت‌وگو با کتاب هفته اهدافی

نظیر تشویق علاقه‌مندان به کار در این حوزه و پرورش مترجمان خبره و چیره‌دست را دنبال می‌کند.

بیدج از برگزاری این مسابقه به صورت سراسری خبر داد و گفت: «ما فراخوان این مسابقه را به صورت سراسری اعلام کردیم و در حال حاضر آثاری از شهرهای تبریز، اصفهان، ساری و برخی از دیگر شهرهای کشورمان به دبیرخانه این مسابقه ارسال شده است.» مترجم و منتقد حوزه ادبیات عرب، در پاسخ به این سوال که شرکت‌کنندگان در این مسابقه باید چه شرایطی داشته باشند، اظهار داشت: «هر کسی که در زمینه ترجمه ادبیات ایران و عرب فعالیت دارد می‌تواند در این مسابقه شرکت کند اما آنچه بیشتر مدنظر ما بود، تشویق مترجمان و علاقه‌مندان جوان و دانشجویان در مراحل مختلف تحصیل بود.»

وی در ادامه درباره نحوه ارزیابی آثار توسط داوران یادآور شد: «آنچه مدنظر ماست فقط نوع ترجمه است و کاری به این نداریم که داستان از چه کسی است یا موضوع داستان چیست، اما محتوای ترجمه را بررسی می‌کنیم تا ببینیم آیا شان و حق مطلب ادا شده یا نه و آیا مترجم توانسته مطلب را چنان که باید درک و دریافت و به تبع آن درست ترجمه کند.»

به گفته بیدج، اوایل آذر آخرین مهلت ارسال آثار به دبیرخانه این مسابقه بوده و آثار در حال حاضر در دست بررسی اند و نتایج ارزیابی داوران حدود ۲۰ روز دیگر اعلام خواهد شد.

به گزارش مهر، این مترجم همچنین از ترجمه یکی از آثار جوزف کنراد نویسنده انگلیسی خبر داد و گفت: «عنوان این رمان «نوسترومو» است که کنراد آن را در اوایل قرن بیستم منتشر کرده است. حوادث آن در یک جمهوری خیالی در آمریکای لاتین می‌گذرد و کنراد در آن به معرفی چند شخصیت و بررسی دلایل بروز یک انقلاب و نقش استعمار و سرمایه‌داری در کشور مورد اشاره می‌پردازد. سمی قرارداد چاپ رمان «نوسترومو» را با نشر ققنوس امضا کرده است.

این مترجم آثار ادبی که پیش از این کتاب‌هایی تئوریک از جانان کالر را با عنوان‌های در باب طنز، در باب داستان و در باب داستان به فارسی ترجمه و منتشر کرده بود از ترجمه چهارمین مجلد از این مجموعه خبر داد و گفت: «از همین مجموعه کتاب «در باب ساختار شکنی» را ترجمه کرده‌ام که قرار است آن را انتشارات مینوی خرد چاپ کند.»

در «ایبنا» بخوانید

بما رجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

یادداشت‌هایی از اهل قلم

ستون یادداشت روز خبرگزاری کتاب که هر روز مقاله‌ها و نوشته‌هایی مرتبط با کتاب و ادبیات را منتشر می‌کند، هفته گذشته یادداشت‌هایی از اسماعیل امینی، شاعر، ساسان تیسیمی، نویسنده و مترجم، حمید ابریشمی، صحاف پیشکسوت صنعت نشر و چاپ، علیرضا حسینی، کارشناس کتابداری، مریم جعفری آذرمانی، شاعر و نجمه شمس خبرنگار منتشر کرد.

تیسیمی در یادداشت خود به ترجمه ادبی پرداخته و در بخشی از آن نوشته است: «مسئله فقط کیفیت ترجمه می‌تواند گویای ارزش واقعی کار باشد. چون همان‌طور که مطلع هستید، برگردان در وهله و نگاه اول، تنها یک فن محسوب می‌شد، ولی اگر ضمن ترجمه دستیابی به زبان و احساس و اندیشه واقعی نویسنده ممکن شود، می‌توان آن را هنر تلقی کرد.»

علیرضا حسینی یادداشتی با عنوان «قدمت نوشته‌ها با هنر صحافی ایران» در اختیار «ایبنا» گذاشته و در آن از هنر صحافی و تاریخ آن قلم زده است و اسماعیل امینی درباره مهرداد اوستا نوشته است. وی در قسمتی از یادداشت خود درباره این شاعر آورده است: «استاد مهرداد اوستا این درس بزرگ را برای نسل ما به یادگار گذاشت که شعر زیبا و نوشته ارجمند، تنها برآمده از جان‌های ارجمند و روح الوالی انسانی است که بیش از ویرایش زبانی به پیرایش نفسانی خویش پرداخته باشد.»

رومن‌گاری بر پرده نقره‌ای

تاکنون ۱۵ فیلم سینمایی بر اساس آثار رومن گاری، نویسنده فرانسوی ساخته شده است. خود این نویسنده نیز دو اثر سینمایی را کارگردانی کرده است. خبرنگار سینمایی «ایبنا»، به مناسبت دو بیست و نهمین سالگرد درگذشت رومن گاری، در گزارشی به این فیلم‌های سینمایی پرداخته است. گفت‌وگو با مژگان خالقی، کارگردان تئاتر، ۱۰ گزارشی از نمایشگاه چاپ آکو، نگاهی به کتاب «واقعۀ قرآنی غدیر» نوشته محمدباقر انصاری که به تازگی توسط انتشارات دلیل ما منتشر شده است و گزارش همایش «شهید سرلشکر نورعلی شوشتری» که به همت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس برگزار شد، از دیگر مطالبی اند که هفته گذشته توسط خبرگزاری کتاب ایران منتشر شده‌اند.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه‌های مختلف در ایران، مهم‌ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست‌های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه‌ترین کتاب‌های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیر ایرانی را به گوش جهان انگلیسی زبان رساند.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب‌ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب‌هایی که به زودی قدم به کتابفروشی‌ها می‌گذارند، گفت‌وگو‌هایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه‌ترین خبرها و گزارش‌ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل‌هایی بر کتاب‌های جدید، از دیگر مطالبی اند که می‌توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.



تکاندن غبار از کاغذهای خاک خورده

مطرح می شود، مشخص کنیم که این یک پژوهش محض است یا یک پژوهش کاربردی و عمومی و چه کسی و با چه هدفی این پژوهش را سفارش می دهد. همه این معیارها در شیوه پژوهش تاثیر گذارند و می توانند در تعیین این که یکی از رویکردهای ما انجام پژوهش و تبدیل آن به کتاب است موثر باشند در غیر این صورت به نوعی به بیراهه رفته ایم.»

او می افزاید: «این انتظار وجود ندارد که هر پژوهشی به کتاب تبدیل شود اما برای تبدیل شدن دریافت های یک کار پژوهشی به کتاب هم نخست باید روش ها را تعریف کرد. معمولاً کتاب های حوزه پژوهش به کتاب های مرجع برای پژوهش های بعدی تبدیل می شوند. اگر بنا را بر این ایده بگذاریم، هر کتابخانه ای باید یک نسخه از این پژوهش را در اختیار داشته باشد، یعنی شمارگان انتشار این پژوهش نامه هادر حد شمارگان معمول کتاب خواهد رسید! آیا بودجه های پژوهشی ما توان تدارک این را دارند؟ اگر اعتبارات پژوهشی صرف برگزاری همایش ها و جشنواره های بعضاً غیر ضرور نشود، شاید این گونه شود، اما وقتی ما بدون داشتن برنامه و طرح های پژوهشی مصوب در هر موسسه و پژوهشکده ای، بودجه ای را برای پژوهش کنار می گذاریم، در نهایت برای خرج کردن آن به ساده ترین شکل ممکن چاره ای جز برگزاری جشنواره و همایش نداریم.»

این قصه سر دراز دارد

تولید کتاب از پژوهش ها موضوعی است که فرایند آن و نیازها و ضرورت های آن ممکن است خود یک ایده پژوهشی دیگر باشد. بسیاری از پژوهش های دانشجویی که در قالب پایان نامه ها نوشته شده اند و سال ها در آرشیو کتابخانه های دانشگاه ها خاک خورده اند می توانند کتاب های موثری باشند. برای تولید کتاب های معتبر از طرح های پژوهش باید ساز و کارها را حتی در آموزش روش های تحقیق در مدارس و دانشگاه ها، تغییر نظام آموزش و پژوهش در مراکز آموزشی و... باز تعریف کرد.



عموم صاحب نظران بر این عقیده اند که ساز و کار درستی برای تخصیص بودجه های پژوهشی وجود ندارد و در زمینه تبدیل پژوهش ها به کتاب نیز همین معضل وجود دارد و حتی اختلاف نظرهایی نیز در ضرورت تبدیل دستاوردهای پژوهشی به کتاب موجود است.

پژوهش ها در دست تعریف نمی شوند

دکتر فخرالسادات حاجیان، استاد دانشگاه و پژوهشگر ادبی، معتقد است: «در کشورمان چندین پژوهشکده داریم، مانند پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و پژوهشکده علوم انسانی و... که هر یک با تشکیل کارگروه هایی از متخصصان روی موضوعات تعریف شده کار و گاهی هم نتایج این پژوهش ها را منتشر می کنند، اما پژوهش های موازی یکی از آفت های این پژوهشکده ها هستند که گاه نیمه تمام هم می مانند. از طرف دیگر به اعتقاد من ما باید پژوهش های محض در علوم را با پژوهش های کاربردی تفکیک کنیم و هر گاه که یک ایده پژوهشی

طرح سرمایه گذاری کند، نه هیچ دستگاه دولتی آن را با اولویت ها و سیاست گذاری های خود سازگار دانسته است. حتی بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران نام آشنا، پژوهش های به انجام رسیده ای دارند که توانایی انتشار آن را ندارند. تولید کتاب های پژوهشی هزینه بیشتری دارد، زیرا این کتاب ها اغلب با تصاویر و جداول و... همراهند و نمی توان آنها را به امید فروش در بازار عمومی کتاب عرضه کرد.

از سوی دیگر، نمی توان با پرداخت حق التالیف های معمول، هزینه های تولید آن را برای یک گروه پژوهشی یا پژوهشگری که سال ها عمر خودش را صرف تحقیق کرده است جبران کرد. به ویژه در پژوهش های فرهنگی و تاریخی، منابع در حال از بین رفتن اند و تاخیر در اجرای طرح های پژوهشی ممکن است با یک زیان کلان یعنی از دست دادن زمان و منابع تحقیق همراه باشد.

پژوهشگران تنها

دکتر حسن ذوالفقاری، استاد دانشگاه و عضو دفتر تالیف کتاب های درسی ادبیات فارسی، پژوهشگری است که سال ها با تاسیس یک موسسه خصوصی به جمع آوری و تدوین ضرب المثل های فارسی مشغول است.

او پیش تر نیز چند کتاب در حوزه فرهنگ بومی و ادبیات شفاهی منتشر کرده و معتقد است: «جذب حمایت های مالی برای چنین پژوهش هایی بسیار مشکل است، زیرا این یک فعالیت اقتصادی نیست که کسی را به خود ترغیب کند و کمک های اهالی فرهنگ نیز طرحی با این عظمت را پیش نخواهد برد. برای ما حتی مقدور نیست که بخشی از این پژوهش را منتشر کنیم تا شاید توجه نهادها و سازمان های مسوول را به خود جلب کند. نکته مهم این که بسیاری از این ضرب المثل ها، حامل دریافت های فرهنگی مادر طول تاریخ اند و فراموش کردن آنها یعنی از بین رفتن بخشی از این تاریخ و زمینه های فرهنگی آن. راپیان و حافظان این ضرب المثل ها کم از بین می روند و این گنجینه ها فراموش می شوند.»

ضیافت کتاب در دامنه های زاگرس

مرتضی قدیمی

هر جمعیتی و هر جامعه ای که بیشتر سراغ مطالعه کتاب و درک و اهمیت کتاب و کتابخوانی برود، به مراتب رشد و تکامل بیشتری نسبت به سایر جوامع دارد. در ادامه مراسم، معاون پشتیبانی و توسعه منابع انسانی استانداری هم اظهار داشت: «کتاب، هم تغذیه ای مناسب، مفید و تاثیر گذار برای رشد و تعالی فرد و جامعه است و هم دارویی شفابخش و ناشران و نویسندگان باید در این راستا نهایت دقت و ظرافت را در عرضه محصول فرهنگی خود به خرج دهند.» سید محمود موسوی افزود: «بدون شک ایجاد نمایشگاه کتاب از یک سو موجب ایجاد رقابت میان ناشران داخلی و از سوی دیگر فرصتی است تا علاقه مندان و پژوهشگران دانشگاهی و مراکز علمی و آموزشی از نزدیک با تازه های نشر آشنا شوند.»

پس از پایان سخنرانی، نمایشگاه کتاب با اجرای مراسمی افتتاح شد و با وجود بارانی بودن هوای یاسوج، اغلب سالن های نمایشگاه شلوغ بودند و این امیدواری برای اجرا کنندگان نمایشگاه و ناشران ایجاد شد که روزهای بعدی نمایشگاه شلوغ تر و پر مخاطب تر

به فضای موجود بالغ بر ۱۵۰ غرفه برای حضور بیش از ۲۰۰ ناشر فراهم شد. دهمین نمایشگاه کتاب استان کهگیلویه و بویر احمد از بعد از ظهر ۱۶ آذر با حضور برخی مسؤولان استان و علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی فعالیت خود را آغاز کرد. در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه قادر آشنا، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، با اشاره به مشخصات نمایشگاه و تعداد ناشران حاضر از همکاری تمامی کسانی که در شکل گیری این رویداد همکاری کرده بودند، تقدیر کرد و گفت: «برگزاری نمایشگاه کتاب به عنوان یکی از مهم ترین رویداد های فرهنگی استان است که نقش موثری در توسعه فرهنگ کتابخوانی دارد. در ادامه مراسم حجت الاسلام حسینی، امام جمعه یاسوج، به اهمیت کتاب و کتابخوانی در جوامع بشری و دین اسلام اشاره کرد و گفت: «کتاب بهترین مونس و همدم و در عین حال اندوخته، ذخیره و گنجینه ای گرانبها و ماندگار برای نسل های آینده است که باید به طور جدی ارزش و اهمیت عظیم آن در جامعه معرفی و استفاده از آن نهادینه شود.» وی افزود: «تاریخ ثابت کرده است

روز ملی پژوهش می تواند فرصتی باشد تا مثل نگاه رایج به مقولات فرهنگی به مناسبتی بازگردیم و کارنامه نشر را در این حوزه بررسی کنیم. ۲۵ آذر که قرار بود به نمادی برای توجه به مفهوم کار پژوهشی تبدیل شود، قدر خود را به بهانه ای برای گردهمایی ها و همایش های اغلب بی اثر، فروکاسته است. توجه به مقوله پژوهش به یک روز در تقویم و چند ساعت کاری محدود شده است و متأسفانه آنچه باید در ساختار جامعه نهادینه می شد، یعنی «فرهنگ پژوهش» فراموش شده است. این را می توان با استناد به آمار تولید کتاب های پژوهشی صدها موسسه دولتی و غیر دولتی که در کشور فعالند و هزاران پایان نامه علمی که در دانشگاه های کشور ارائه می شوند، گفت و از آن دفاع کرد.

هر وزارتخانه و دستگاه دولتی ده ها مرکز و موسسه تحقیقاتی در ساختار سازمانی خود دارد، اما بودجه های اختصاص یافته به امر پژوهش همواره به سال بعد منتقل می شود و با این حال همواره این گله از نظام بودجه نویسی وجود داشته است که اعتبارات پژوهشی کمتر از نیم و یک درصد نمی تواند نیاز پژوهش ها و اعتبارات لازم برای پروژه های تحقیقاتی را تامین کند.

این تناقض از آنجا به وجود می آید که فرهنگ کار پژوهشی و اعتبار قائل شدن به آن و درک ضرورت های آن هنوز در میان مدیران نهادینه نشده است و نگاهی به بازار کتاب نشان می دهد کتاب ها و پژوهش نامه های منتشره اغلب با هزینه شخصی پژوهشگران مستقل منتشر می شود و چون مستقل است، برخی مدیران اغلب خودشان را بی نیاز از آن می دانند، به آن بدبین اند یا حتی آن را خارج از اولویت های پژوهشی خود می دانند.

ایده های بی سرانجام

در میان دستنوشته ها و کارهای نیمه تمام نویسنده های بزرگ سرزمین خودمان به انبوهی از ایده های پژوهشی برمی خوریم که قدمی برای انجام آنها بر داشته نشده است، کارهایی که نیمه تمام مانده است، چراکه نه ناشری پذیرفته است تا روی آن

ناشران شرکت کننده در نمایشگاه های استانی کتاب، هفته گذشته به استان کهگیلویه و بویر احمد رفتند تا در هوایی بارانی و گاه برفی، یکصد و پنجاه و پنجمین نمایشگاه استانی کتاب را در شهر یاسوج برگزار کنند.

مردم یاسوج و علاقه مندان به کتاب و کتابخوانی در استان کهگیلویه و بویر احمد در حالی پذیرای بیش از ۲۰۰ ناشر شدند که پیش از این ۹ بار از حضور ناشران کشوری بهره گرفته بودند.

پنج نمایشگاه کتاب این استان طی سال های ۷۲ تا ۸۵ برگزار و نمایشگاه های بعدی به طور مرتب از سال های ۸۵ تا ۸۸ برپا شدند. جالب این که در سال ۸۵ و در دور جدید فعالیت موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، علاوه بر شکل گیری یک نمایشگاه در یاسوج، همان سال نمایشگاه دیگری در گچساران برگزار شد تا مجموع نمایشگاه های شکل گرفته در این استان طی مدت چهار سال اخیر به عدد پنج برسد و در مجموع ۱۰ نمایشگاه بزرگ استانی کتاب در این خطه از کشور شکل بگیرد اما دهمین نمایشگاه از دوشنبه هفته گذشته همزمان با ۱۶ آذر، روز دانشجو، فعالیت خود را آغاز کرد.

دهمین نمایشگاه کتاب استان کهگیلویه و بویر احمد مانند دیگر نمایشگاه های چند سال اخیر استان در محل مصلاهی شهر شکل گرفت که با توجه

خواهد شد. در نمایشگاه امسال استان کهگیلویه و بویر احمد مانند سال های قبل، اجرای برنامه های جنبی متعددی پیش بینی شده بود، ضمن آن که بنیاد ادبیات داستانی، کنگره شهدای استان و میراث فرهنگی استان نیز دارای غرفه هایی بودند تا ضمن معرفی عملکرد خودشان، برنامه هایی نیز در نمایشگاه داشته باشند.

در جریان برگزاری نمایشگاه، غرفه ای نیز با عنوان غرفه فعالیت های جنبی دایر شده بود و طی هفت روز برگزاری نمایشگاه، نشست های مختلفی در حوزه های شعر، داستان، نقد و معرفی کتاب با حضور نویسندگان استان و کشور برگزار شد. از دیگر نکات قابل توجه درباره دهمین نمایشگاه کتاب کهگیلویه و بویر احمد، فراهم آمدن امکان خرید کتاب توسط کارت های الکترونیکی خرید کتاب بود.

خرید کتاب با استفاده از کارت های الکترونیکی اگرچه دوسالی است در نمایشگاه های استانی کتاب انجام می شود، اما امسال برای نخستین بار چنین تجربه ای در نمایشگاه کتاب یاسوج صورت گرفت. فروش کتاب با تخفیف ۴۰ درصدی و پرز دحام بودن غرفه بانک، تبلیغات شهری درباره نمایشگاه، حضور گروهی دانش آموزان و دانشجویان در نمایشگاه، پایان ساخت و ساز مصلاهی یاسوج و تغییر چهره نمایشگاه امسال در مقایسه با نمایشگاه سال قبل، از دیگر ویژگی های نمایشگاه کتاب یاسوج بودند.



بررسی تأثیر تبلیغات رسانه‌ای بر تقویت فرهنگ مطالعه

تبلیغ؛ چون شمشیر تیز



آگاهی‌های زمینه‌ای درباره موضوعات را به علاقه‌مندان کتاب ارائه کنیم تا آنها با توجه به نیازهای خودشان برای تهیه و مطالعه کتاب گام بردارند.

مدرس حوزه علوم ارتباطات، توجه به این گونه تبلیغات را در سایر استان‌ها در صورتی موفق می‌داند که به شکل غیرمتمرکز انجام شود و کارشناسان و صاحب‌نظران، از آثار نویسندگانی که تالیفاتی محلی و در راستای غنی‌تر شدن فرهنگ آن منطقه داشته‌اند، تقدیر و آن آثار را نقد کنند. وی با ذکر این که «هر اسلوب خلاق رسانه‌ای می‌تواند در این طرح مورد استفاده قرار بگیرد» می‌گوید: «برخی از رسانه‌ها نظیر رادیو، قوه شنوایی را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهند و جذابیت بیشتری برای مخاطب دارند به همین دلیل اگر از مقتضیات و امکانات یک رسانه به درستی استفاده شود، آن رسانه می‌تواند پیام را به درستی انتقال دهد.»

مطالعه افراد را افزایش می‌دهد، اما برگزاری نشست‌های برای نقد و بررسی کتاب با حضور جمعی از کارشناسان، در انتقال مفاهیم و تولید محتوا از نکاتی است که در این تبلیغ باید با نگاه ویژه‌ای به آن نگریست.

سپنجی انتقال محتوا از طریق رسانه‌های عمومی را همراه با آسیب‌هایی می‌داند که یکی از آنها جهت‌گیری است و می‌افزاید: «اگر به سمتی برویم که رادیو و تلویزیون خصوصی داشته باشیم احتمالاً این موانع و آسیب‌ها کاهش می‌یابند.» کارشناس علوم ارتباطات، تبلیغات غیرمستقیم را در کنار این مطلب که تنها به فرهنگ دیداری وابسته نباشیم، تأیید می‌کند و می‌گوید: «زمانی که تبلیغات به ویژه از نوع مستقیم آن افزایش می‌یابد، به سطحی می‌رسد که دیگر به جای جاذبه، دافعه پیدا می‌کند. نباید تنها ترویج دهنده فرهنگ یا دیدگاه‌های خاصی باشیم. از آنجایی که ما جامعه تک‌صدایی نیستیم و با دیدگاه‌ها و اقلیت‌های گوناگونی مواجهیم برای حفظ حیات، پویایی و تقویت زیربنای فرهنگی جامعه باید به تمامی دیدگاه‌ها بها بدهیم و فرصتی برای بیان شدن ایجاد کنیم.» وی با تأکید بر ارزشمند بودن انتخاب و ارائه این فرصت به افراد جامعه معتقد است: «باید

باید کودکان را بخش اصلی جامعه مخاطب قرار دهیم تا در ساختن نگرش نسل‌های بعدی موفق باشیم. کودکان، کتابخوانان آینده‌اند و سرمایه‌گذاری در این زمینه بی‌تردید یکی از بهترین و نتیجه‌بخش‌ترین سرمایه‌گذاری‌هاست.» ناشر کتاب‌های علمی و کودک و نوجوان درباره تبلیغاتی که در زمینه معرفی کتاب‌های کمک‌درسی و آموزشی در صداوسیما صورت می‌گیرد می‌گوید: «به دلیل این که این کتاب‌ها در شمارگان و بهای بالایی منتشر می‌شوند و تهیه آنها برای دانش‌آموزان و محصلانی که سال‌های پایانی دبیرستان را طی می‌کنند، تاحدی به اجبار نزدیک شده است، موسسات و ناشران این آثار از عهده پرداخت هزینه‌های تبلیغاتی آنها درمی‌آیند، اما بازگشت سرمایه ناشران عمومی که شمارگان و بهای کتاب آنها پایین است، خیلی کمتر از هزینه‌های تبلیغات است و آنها توانایی پرداخت هزینه‌های تبلیغات آثارشان را ندارند.»

وی با بیان این که اکنون بیش از ۸۰۰ هزار کودک ایرانی در مقطع پیش‌دستانی و مهد‌های کودک‌اند بیان می‌کند: «این حوزه زمینه‌های فراوانی برای تالیف و برنامه‌ریزی دارد که با نگاهی ویژه و برپایی نمایشگاه‌های تخصصی کتاب می‌توانیم از ابتدای زندگی قدرت انتخاب و انگیزه‌های علاقه‌مندی به کتاب را در آنها ایجاد کنیم.»

در راستای تحقق این طرح سید سعید میرمحمد صادق، تهیه‌کننده صداوسیما و مصحح کتاب‌های تاریخی حوزه تاریخ تیموری، با اشاره به مسابقاتی که اکنون در ایجاد انگیزه‌های کتابخوانی در صداوسیما برگزار می‌شود می‌گوید: «شیوه‌های تبلیغ غیرمستقیم که به جای معرفی مستقیم کتاب، زمینه‌های موضوعی برای مطالعه را معرفی می‌کنند از بهترین شیوه‌هایی‌اند که در رسانه‌ها باید مورد توجه قرار گیرند.»

میرمحمد صادق با اشاره به این که حجم کتاب‌هایی که سالانه منتشر می‌شوند، بالاتر از میزانی است که امکان معرفی تمام آنها از طریق رسانه ملی میسر باشد اظهار می‌کند: «رسانه‌ها و سایت‌های تخصصی که در زمینه کتاب فعالیت ویژه‌ای دارند بهترین بستر برای معرفی تازه‌های نشر و کتاب‌های گوناگون‌اند.»

تهیه‌کننده صداوسیما جذابیت را از مهم‌ترین ویژگی تبلیغات عنوان می‌کند و می‌گوید: «ایجاد حس تشنگی و آگاهی از نیازهای مطالعه‌ای، از اصلی‌ترین اقداماتی‌اند که این حوزه نیازمند آن است. معرفی و تبلیغ کتاب در سایر برنامه‌های صداوسیما نظیر فیلم‌ها و سریال‌ها به این دلیل که مفاهیم گوناگونی را انتقال می‌دهند و به همه چیز توجه دارند، به خوبی میسر نخواهد شد مگر آن که اثری ویژه کتاب ساخته شود. در این زمینه انیمیشن‌هایی که در معرفی مفاخر ایرانی ساخته شده‌اند، به موفقیتهای خوبی در حوزه تأثیرگذاری بر مخاطبان دست یافته‌اند. در این عرصه متخصصان کتاب‌اند که باید به معرفی تخصصی آثار بپردازند.»

درباره این طرح، متخصصان حوزه علوم ارتباطات نظرات متفاوتی دارند. دکتر امیر عبدالرضا سپنجی از کتاب به عنوان محصول فرهنگی‌ای یاد می‌کند که می‌تواند در رسانه‌های گوناگون تبلیغ شود و می‌گوید: «جلب توجه عامه مردم میزان

فاصله زیاد میان کتاب و مخاطب، از مشکلات عمده‌ای است که اغلب نویسندگان و ناشران با آن مواجهند. آنها معتقدند زمانی آثار حوزه‌های گوناگون جایگاه اصلی‌شان را می‌یابند که با معرفی و تبلیغ صحیح به مخاطبان اصلی شناخته شوند. با وجود این که سالانه بیش از ۵۰ هزار جلد کتاب چاپ اول در کشور منتشر می‌شود، میزان شناخت و آگاهی ما از این آثار تا حدی محدود است که این آثار ناگزیر با حداکثر شمارگان ۵۰۰۰ نسخه چاپ می‌شوند. چگونگی ارتقای این سطح از شمارگان برای سرزمینی که بیش از ۷۰ میلیون جمعیت دارد، از مسائلی است که نیازمند بررسی است.

در این راستا، کارشناسان ایده‌های گوناگونی را مطرح می‌کنند که یکی از آنها معرفی و تبلیغ کتاب از طریق رسانه ملی یعنی صداوسیماست.

حجت‌الاسلام دکتر علی نصیری نویسنده آثار گوناگون حوزه‌های اندیشه، با بیان این که تبلیغ بخشی از فاصله کتاب و مخاطب را کاهش می‌دهد، اظهار می‌دارد: «دغدغه‌های عمده‌ای نظیر نداشتن زمان و توانایی مالی برای تهیه کتاب و مهم‌تر از همه، عدم آگاهی از نیازهای واقعی و پی‌بردن به ارزش و ضرورت خواندن کتاب و محصولات فرهنگی، از عوامل بازدارنده مطالعه‌اند.»

وی از معرفی کتاب در رسانه‌ها به ویژه رسانه ملی به عنوان طرحی موفق یاد می‌کند و می‌گوید: «البته این نگرانی همواره وجود دارد که هر جایی سخن از رسانه به میان می‌آید، احتمال ایجاد فضایی تک‌صدایی هم به وجود بیاید، چون رسانه به نحوی، دولتی به شمار می‌رود و از چارچوب‌هایی پیروی می‌کند که ناگزیر دست به‌گزینش و انتخاب می‌زند و افکار و شخصیت‌ها را برای معرفی برمی‌گزیند. از آنجایی که یک جامعه فکری - فرهنگی منتقد است، باید به سوی خصوصی سازی رسانه‌ها برویم و اجازه دهیم آنها از حصار دولت خارج شوند.» نویسنده مجموعه کتاب‌های «معرفت قرآنی» با سیاست دور بماند بیان می‌کند: «در معرفی کتاب، محدودیتی به عنوان پیش‌انگاره وجود دارد که کار تبلیغ در این عرصه را با دشواری‌هایی مواجه می‌سازد. در مواجهه با این مشکل باید از نگاه‌های تنگ‌نظرانه بپرهیزیم تا به مخاطب و هدف آسیبی وارد نشود چرا که عملکردهای بی‌طرفانه تأثیر بیشتری در موفقیت رسانه‌ها دارد.»

محمدرضا جاسبی مدیر انتشارات پیام آزادی و قائم مقام انجمن اسلامی ناشران کتاب کودک که یکی از پیشگامان گسترش همکاری با مسئولان رسانه‌های جمعی است، آشنایی تمامی ایرانیان با آثار فاخر را کاری ارزشمند می‌داند و می‌گوید: «یکی از راه‌های توسعه این طرح، برگزاری نشست‌های نقد و معرفی کتاب‌های گوناگون با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران بی‌طرف است. با توجه به این که برنامه‌های صداوسیما، زمان و جای توجه به کتاب را می‌گیرند، معرفی و تبلیغ کتاب می‌تواند در کاهش فاصله ایجاد شده میان کتاب و مخاطبان موثر باشد.»

عضو انجمن فرهنگی کتاب کودک، همچنین معرفی و خواندن بخشی از کتاب‌هایی که زمینه‌های اجرا در رادیو دارند را از دیگر راه‌های آشنایی با این یار مهربان می‌داند و بیان می‌کند: «در تمامی رسانه‌ها

فهرست کتب منتشر شده مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی (وابسته به وزارت نفت)

ردیف	عنوان	مؤلف/مترجم
۱	نحوه معاملات نفت خام در بازارهای واقعی	ابورضا کاهلی
۲	استراتژی‌های رشد و توسعه پایدار	محمد رضا مهدی زاده
۳	مجموعه گزارش‌های کنفرانس انرژی ژاپن	محمد مهدی رشیدی
۴	بررسی و ارزیابی سیاست‌های انرژی در جهان	اصغر عباس صدیقی - مهسا بیگ لری
۵	گاز طبیعی و جغرافیای سیاسی	مریم پاشنگ - جلال میناوند
۶	اقتصاد پروژه و تحلیل تصمیم‌گیری	علی سعیدوندی - بیگ جعفرزاده - رضا زرگر
۷	راه‌های مکتب‌توسعه پاک	اصغر عباس صدیقی - ریحانه رحیمی
۸	سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها	عزیز علیرزاده - وحید ویدی مطهر - امیر نظامی
۹	مکاندایرها - الزام راهبردی، آینده سازمانها	علی سیدنی دهکردی - مریم پاشنگ
۱۰	غروب نفت در صحرا	همایون نسیمی
۱۱	قواعد مدیریت	مهدی چمن زار - علی اصغر زارعی
۱۲	نگاهی به صنعت LNG در جهان	غلامعلی رحیمی
۱۳	چشم انداز جهانی نفت و انرژی	علی بهشتی دهکردی
۱۴	تحلیل تاریخی خطوط لوله نفت و گاز	عجید محمدی حسین آبادی - مریم پاشنگ
۱۵	چشم انداز جهانی انرژی	مهسا رازدان - غلامعلی رحیمی

نشانی ناشر: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، روبروی پارک ملت، خیابان سایه، شماره ۶۵ (۱۲ قدم) تلفن: ۰۲۱-۲۲۹۳۵۱-۶۰

نشانی نماینده فروش: خیابان انقلاب - بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه - پلاک ۱۳۳۸ - فروشگاه روز نو تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۰۵۲۰



سجاد صاحبان زند

جامعه فرهنگی ما در سال های اخیر توجهی خاص به زندگی نامه نویسی داشته و طبعاً موفقیت هایی نیز در این عرصه حاصل شده است. انتشار کتاب هایی همچون «دا» که علاوه بر موفقیت در جشنواره های ادبی، به چاپ نودم نیز رسیده اند، شهادتی بر این ماجراست. با این همه ما تاکنون کتابی مدون درباره زندگی نامه نداشته ایم. به تازگی کتاب «چگونه زندگی نامه بنویسیم؟» با ترجمه محسن سلیمانی توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده که بهانه ای است برای گفت و گویی که پیش روی شماست. سلیمانی متوسط ۱۳۳۸ تهران و فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات انگلیسی است. وی که در حوزه ترجمه و نقد ادبیات داستانی و داستان نویسی فعالیت دارد، کار نویسندگی را در حوزه اندیشه و هنر اسلامی از سال ۱۳۵۹ شروع کرد. وی تاکنون در زمینه نقد ادبی، اصول داستان نویسی و نیز داستان در حدود ۷۰ کتاب ترجمه و تالیف کرده است. از جمله کتاب های سلیمانی می توان «به سالیان دور» و «آشنای پنهان» (مجموعه داستان)، «تاملی دیگر در باب داستان»، «رمان چیست؟»، «درس هایی درباره داستان نویسی»، «فن داستان نویسی»، «شاهکارهای ادبیات جهان»، «۲۸ اشتباه نویسندگان» و «از روی دست رمان نویس» (ترجمه)، «چشم در چشم آینه» (مجموعه نقد و یک گفتار) و «واژگان ادبیات داستانی» (انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی) اشاره کرد. با او درباره آخرین اثری که ترجمه کرده است گفت و گو کرده ایم.

«چگونه زندگی نامه بنویسیم؟» در گفت و گو با محسن سلیمانی

زندگی نامه نویسی باید بی طرف باشد

دانش ویژه آن را داشت. در این کتاب، همه چیز به صورت پایه ای مطرح شده است. یا مثلاً درباره روش تحقیق، شما باید اطلاعات لازم را داشته باشید. ولی در این مورد هم مسائل ابتدایی و پایه ای در کتاب آمده است. اما اگر کسی می خواهد اطلاعات بیشتری داشته باشد، می تواند به کتاب های دیگر رجوع کند. به نظر من این کتاب می تواند شروع کار باشد.

ترجمه این کتاب چه دشواری هایی داشت؟

برخی از واژگانی که در کتاب آمده بسیار جدید است و مجبور بودم این واژگان را به فارسی ترجمه کنم. در ترجمه ای که اکنون درباره «طنز» در دست دارم نیز با همین مشکل مواجهم. شما باید در عین وفادار بودن به متن، اصطلاحات را به زبانی قابل درک ترجمه کنید. مشکل دیگری که در کتاب هایی از این دست وجود دارد این است که این کتاب های برای غربی ها نوشته شده و در نتیجه مباحث خیلی کلی مطرح می شوند. به همین دلیل مترجم گاه باید در نقش پژوهشگر ظاهر شود. یعنی اگر اسم کتابی آمده که در زبان فارسی مطرح نیست، اگر اشاره ای به روایتی تاریخی شده، مترجم باید آن را ببیند و بررسی کند. گاهی در این نوع از کتاب های آموزشی بد نیست که مترجم، مفهومی را وسعت دهد. ممکن است در متن به کتابی مثل «سفرهای گالیور» اشاره شده باشد و حتی دو خط هم در توضیح آمده باشد. خواننده غربی ممکن است اطلاعاتی درباره این کتاب داشته باشد، اما باید توضیحاتی به مخاطب ایرانی داد. البته کتابی مثل «سفرهای گالیور» مشهور است...

یعنی توضیحاتی در پاورقی داده شود...

بله. شما می توانید این مثال را وسعت دهید تا خواننده بیشتر در جریان قرار گیرد. یا نکته ای که درباره بومی سازی اطلاعات گفتیم؛ یعنی به جای ترجمه مطالب مربوط به کتابخانه ملی انگلستان، اطلاعات مرتبط به کتابخانه ملی ایران آمده است. این موارد سرعت ترجمه را کند می کند، اما صد درصد کمک حال مخاطب است. اگر مترجم می خواهد انتقال دهنده خوبی برای مخاطب ایرانی باشد، باید این ملاحظات را در نظر بگیرد. من سعی کرده ام این کتاب برای خواننده ایرانی مفید باشد.

گفتید که کتابی درباره طنز در دست ترجمه و تالیف دارید. کمی بیشتر در این باره بگویید.

اسم کتاب «اسرار و ابزار طنز نویسی» است. در کشور ما مطالبی پراکنده درباره طنز نویسی وجود دارد، ولی تاکنون کسی تکنیک هایی را به شکل کتاب ارائه نداده است. منابع ما در این مورد بسیار محدود است. برخی ترجمه ها نیز در این مورد انجام شده که چندان رسا نیست. من به دلیل علاقه ای که به طنز داشتم، این موضوع را پیگیری کردم. تاکنون ۵۰۰ صفحه از کتاب را نوشته ام و به نظر تکنیکی نیست که به آن نپرداخته باشم. بخشی از کتاب به مصاحبه با طنز نویسندگان آمریکایی و انگلیسی اختصاص یافته که تجاربشان را بیان کرده اند. چند گفت و گو هم با طنز نویسندگان ایرانی انجام داده ام. علاوه بر این، برخی از اصطلاحات طنز را معنی کرده ام و بسط داده ام. امیدوارم بتوانم این کتاب را هم هر چه زودتر به پایان برسانم.



در واقع کتاب به نوعی ترجمه و تالیف است؟

تا اندازه ای بله. در آن جاهایی که حس کرده ام مخاطب به چیزی فراتر از اطلاعات کتاب نیاز دارد، این کار را کرده ام. من گاهی خودم را مجبور می دیدم که این اطلاعات را در اختیار مخاطب بگذارم، چرا که نمی توانستم از او بخواهم برای برداشتن فیش از کتابخانه در مورد زندگی نامه نویسی، به متن انگلیسی رجوع کند. چون این کار اصلاً و ابداً به درد او نمی خورد. شما بهتر است به جای آن که یک دیکشنری غربی غیر قابل دسترس یا نامرتبط را معرفی کنید، دایره المعارف بزرگ اسلامی را به مخاطبان پیشنهاد کنید. فکر می کنم این اطلاعات تا چند سال دیگر به درد مخاطبان می خورد؛ تا زمانی که منابع جدید مطرح یا شیوه های تازه تری طرح شوند. کتابخانه ملی ایران اکنون بسیاری از اطلاعات خود را روی سایتش گذاشته است. امیدوارم روزی همه کتاب های قدیمی را روی اینترنت بگذارد، کتاب هایی که شامل مسائل کپی رایت و حقوق مصنف نمی شوند.

مسئله دیگری که در کتاب و در بخش مرتبط با جمع آوری اطلاعات می توان آن را دید، ارائه آموزش در مورد مسائل پایه ای از جمله انجام گفت و گو (مصاحبه) است. به نظر شما کسی که این کتاب را می خواند می تواند با کتفا به همین آموزش ها کار خود را شروع کند یا آن که باید کتاب های دیگری را هم درباره فن مصاحبه بخواند؟

یک سری مسائل پایه ای در کتاب مطرح شده که می تواند کمک زیادی باشد برای کسانی که به طور مثال می خواهند برای نوشتن زندگی نامه فردی با او گفت و گو کنند. به عنوان نمونه حتی پیشنهاد هایی درباره مکان گفت و گو، زمان و چگونگی آن طرح شده است. اما اگر شما بخواهی درباره این مسائل تخصصی تر به کار پردازای، به طور حتم باید به منابع آموزشی دیگری رجوع کنی؛ یعنی یک فرد برای انجام یک مصاحبه حرفه ای، باید اطلاعات دیگری هم داشته باشد، چرا که مصاحبه در رسانه های مختلف، کمی با هم متفاوت است. مثلاً برای گفت و گو برای مطبوعات، رادیو، تلویزیون و رسانه های آنلاین، باید

را وارد کار نکنند. اما شکل بهتر کار آن است که شما کسی را که دوست ندارید زندگی نامه اش را بنویسید، برای نوشتن انتخاب نکنی.

چطور شد این کتاب را برای ترجمه انتخاب کردید؟ آیا تنها کمبود منابع شما را وادار به ترجمه این کتاب کرد یا در میان کتاب هایی که شما دیده اید، بهترین منبع بود؟

همواره درباره داستان نویسی و مسائل پیرامون آن کار کرده ام. حالا علاوه بر کار روی تئوری های داستان نویسی، روی همسایه های آن نیز کار می کنم و چنانچه می دانیم، زندگی نامه نویسی یکی از همسایه های دیوار به دیوار داستان نویسی است، چنانچه طنز نیز یکی دیگر از همسایه های آن است. البته همین الان در حال ترجمه و تالیف کتابی درباره طنز نویسی هم هستم. در نتیجه به تحقیق و پژوهش در این مورد پرداختم و البته دریافتم که منبع مدونی در این باره نداریم. این بود که به مکاتبه با چند تن از استادان این رشته در اروپا و آمریکا پرداختم. آنها این دو کتاب را معرفی کردند. شاید تجربه به آنها اثبات کرده که این کتاب ها که حتی در کلاس های درسی به عنوان منبع به کار می روند، می توانند نقشی موثر و کارا داشته باشند.

البته کتاب ضعیف هایی نیز دارد. برخی از مطالبی که در کتاب مطرح شده، مبتنی بر مسائلی است که در کشورهای غربی مثل انگلیس و آمریکا مطرح است. من برخی از این مباحث را که نه تنها به فهم بهتر کتاب کمک نمی کرد که به ابهام آن می افزود حذف کردم. برخی از این مسائل به مواردی مرتبط اند که نگاهی بومی و اقلیمی دارند و طبعاً مخاطب فارسی زبان ممکن است آنها را در نیابد. مثلاً نویسنده کتاب در مورد جست و جو در کتابخانه ملی بریتانیا، مسائلی را عنوان کرده است. به طور حتم مخاطب فارسی زبانی که قرار است این ترجمه را بخواند، به این اطلاعات نیاز ندارد به همین دلیل من به خواننده اطلاعاتی درباره کتابخانه ملی ایران داده ام. یعنی رفته ام و اطلاعات لازم برای بهره برداری اطلاعات از کتابخانه ملی را جمع آوری کرده ام و آن را در کتاب آورده ام...

کسی که هیچ گونه تجربه ای در زندگی نامه نویسی ندارد، می تواند با خواندن این کتاب یک زندگی نامه مدون بنویسد؟ به عبارت دقیق تر این کتاب تا چه اندازه عملگراست؟

این کتاب می تواند نقشی موثر برای کسانی که با دست پر شروع به نوشتن می کنند، داشته باشد. اما همان طور که من در مقدمه نیز نوشته ام، زندگی نامه ژانری است که در میان تاریخ و داستان قرار می گیرد. اگر شما به تاریخ یا جنبه های مستند زندگی نامه ای نزدیک شوید، ممکن است متن شما جاذبه اش را برای کسانی که دنبال روایتی شیرین هستند از دست بدهد. در مقابل اگر شما به داستان نزدیک شوید، ممکن است که کارتان جنبه استنادی یا واقعی بودنش را از دست بدهد. از همین روست که تعادل میان این دو از اهمیت بسیاری برخوردار است. معتقدم کسانی که می خواهند زندگی نامه بنویسند، حتماً باید با داستان نویسی آشنا باشند. این افراد می توانند برای پرداخت جنبه های استنادی اش از این کتاب بهره بگیرند. مثلاً شما در این کتاب می آموزی که چگونه از منابع دست اول استفاده کنی، یا اگر فردی فوت کرده، چگونه از خانواده اش به کسب اطلاعات پردازای، شما همچنین می آموزی که اگر فرد مورد نظر شما زنده بود، چگونه با او به مصاحبه پردازای. در این کتاب حتی سوال هایی به شما پیشنهاد شده است. ولی قبل از هر چیز، هدف یک زندگی نامه نویسی دارای اهمیت است. او باید این نکته را برای خودش روشن کند که می خواهد کتابش جنبه مستند داشته باشد یا این که جنبه های داستانی اش پرنگ تر باشد. گرچه گفته اند که حتی تاریخ نیز یک داستان است، چرا که دارای جنبه های داستانی است...

چرا که از صافی ذهن نویسنده عبور می کند...

بله. نویسنده تاریخ شاید این الزام را برای خود نبیند که تاریخ را همان گونه که روی داده، روایت کند، به ویژه آن که پای جزئیات در میان باشد.

اما در کتاب به بی طرفی زندگی نامه نویسی اشاره شده، هر چند که این بی طرفی می تواند با نوعی نقد نیز همراه باشد...

درست است. کسی که می خواهد زندگی نامه بنویسد، باید عقاید شخصی اش را کنار بگذارد. یعنی او باید «خوش آمدن ها» و «بد آمدن هایش» را کنار بگذارد. گرچه ممکن است این کار خیلی سخت باشد. این مسئله باید در کتاب زندگی نامه نویسی وجود داشته باشد، چنانچه می توان این نکته را در کتاب های علمی نیز دید. شما باید در کتب علمی هم مسائل را بی طرفانه توضیح دهید. به این ترتیب، وقتی به توصیف کسی می پردازای، باید او را بی طرفانه تر وصف کنی.

یعنی همان طور که در کتاب و در فصل انتخاب سوژه آمده، اگر قرار است سلیقه شخصی دخالت داده شود، باید در همان ابتدا و در انتخاب کسی باشد که قرار است زندگی نامه اش را بنویسی...

بهبتر است اگر دوست نداری زندگی نامه شخصی را بنویسی، انتخاب نکنی. البته ممکن است برخی بر حسب سفارش زندگی نامه کسی را بنویسند. در این شرایط کسی که این سفارش را قبول می کند، باید به طور حرفه ای کارش را ادامه دهد و عقاید شخصی اش



افشین شاهرودی، عکاس و شاعر شناخته شده‌ای است که به تازگی آخرین مجموعه‌اش را تحت عنوان «افشین‌های شاهرودی» منتشر کرده است. او در این مجموعه نیز همچون مجموعه شعرهای پیشینش، قالبی را به کار برده که آن را تحت عنوان «شعر دیداری» می‌شناسیم. در این نوع شعر که در این گفت و گو نیز می‌توانید اطلاعاتی درباره‌اش کسب کنید، شاعر می‌کوشد با استفاده از تصویر در کنار متن، ابعاد تازه‌ای از کلام را پیش روی مخاطب بگذارد. این تصاویر گاه مدادی و خطی‌اند و گاه عکس‌هایی که شاهرودی پیش‌تر آنها را ثبت کرده است. او پیش از این آثاری چون «خاطرات من، ماه، چاه و باغچه»، «عکس‌ها»، «آرتور روتشتاین»، «از زمان جنون»، «پنجاه و پنج عکس»، «شینما»، «هپروت» و «از گذشته‌ها» را سروده، عکاسی و ترجمه کرده است.

«افشین‌های شاهرودی» در گفت و گو با شاعرش

سرودنم از یک کابوس شروع شد

در دنیای امروز که انسان برای هیچ کاری فرصت کافی در اختیار ندارد، صرف‌تعبیرپذیری بودن نمی‌تواند مبین ارزش یک اثر باشد. زمان، زمان سرعت است و مفاهیم باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن انتقال یابند. شعر دیداری محملی است برای انتقال مفاهیم در کوتاه‌ترین زمان ممکن.

و درباره شباهت شعرهای شما و احمد رضا احمدی؟

درباره نزدیکی شاعرانگی این شعرها با کارهای احمد رضا احمدی عزیز هم که خواب‌هایش را می‌سراید با نهایت احترام به او باید بگویم تمام شاعران کم‌وبیش این کار را می‌کنند. یکی مانند او، خود به این موضوع واقف است و آن را بیان می‌کند و بسیاری شاید اصلاً خودشان هم ندانند که دارند چنین کاری می‌کنند. احمد رضا احمدی شاعر بزرگی است که هم از نظر شخصی و هم از نظر اعتبار هنری بی‌اندازه مورد علاقه من است. من علاقه‌ام را به او نزدیک بیست سال پیش با مجموعه عکسی تحت عنوان «احمد رضا‌های احمدی» که طی دو سال از او در موقعیت‌های مختلف گرفته بودم، ابراز کردم. اگر چه انتخابی از آن مجموعه به صورت نمایشگاهی در معرض دید عموم قرار گرفت اما بسیار دوست داشته و دارم که آن مجموعه را به صورت یک کتاب با همان عنوان منتشر کنم که هنوز این کار عملی نشده است، اما عنوان کتاب حاضر را هم براساس همان مجموعه انتخاب کرده‌ام. هنوز نمی‌دانم دوستانم ساختار کار مرا که بر ویژگی‌های بصری استوار است چگونه با کارهای احمد رضای عزیز مقایسه می‌کنند.

چه آینده‌ای برای شعر دیداری متصورید؟

شعر دیداری، هنوز مورد قبول و تأیید بعضی از دوستانم که بیشتر متعلق به نسل همسن و سال خود من هستند و از قضا بسیار هم بر نوآوری و خلاقیت تأکید می‌کنند؛ نیست. فکر می‌کنم دلیل آن این باشد که انجام این کار تا حد زیادی نیازمند استفاده از امکاناتی مانند رایانه و نرم‌افزارهای تصویرسازی و بیشتر از همه شناخت، داشتن تخصص و تسلط به هنرهای گرافیکی است. می‌خواهم بگویم شاید علت استقبال نشدن و شاید هم تکذیب بعضی از این بزرگواران این است که با تکنولوژی نمی‌توانند کنار بیایند. در عکاسی هم، چنین افرادی را سراغ داریم. البته کاری به گروهی از نسل جوان تر که با شعر دیداری کنار نمی‌آیند ندارم. چون آنها اصولاً مسئله‌شان شعر دیداری نیست، بلکه به طور کلی جز خودشان چیزی و کسی را قبول ندارند.

یکی از نگرانی‌هایی هم که برای تداوم تجربه‌های موجود در شعر دیداری وجود دارد این است که کارهای صورت گرفته عمدتاً براساس دریافت‌ها و چه بسا سلیقه‌های آنی انجام می‌شود و نه آگاهی و درک. به همین دلیل اگر چه ظاهراً ممکن است با اصالت و زیبایی همراه باشد، ولی تضمینی برای رشد و تعالی آن وجود ندارد. تداوم و رشد چنین دریافت‌ها و اجراهایی که اخیراً رواج پیدا کرده نیازمند دست و ذهن تربیت شده برای اینکار است. اگر چنین تربیتی که لزوماً نیازمند آموزش مبانی هنرهای بصری و مشخصاً گرافیک است صورت نپذیرد؛ دیری نمی‌پاید که به ورطه تکرار خواهد افتاد.



از وجوه افتراق این کار با ایلوستراسیون محسوب می‌شود. اوج خلاقیت و سادگی را در مصورسازی یا ایلوستراسیون، در تولید کتاب‌های کودکان و بعضاً متون مذهبی می‌بینیم که کار تازه‌ای هم نیست. در انجام این کارها کوشش بر این بود که به کیفیت بصری دیگری بیش از تنوع در تقطیع و نوشتار برسیم. البته باید اضافه کنم که آشنایی من با سیلور استاین مدتی پس از انتشار کتاب «خاطرات من، ماه، چاه و باغچه» بود که آثاری از او به فارسی ترجمه شد. همراه کردن شعر و تصویر چیزی بود که شخصاً در تجربیاتم به آن رسیدم.

لطفاً مثالی بزنید.

گرایش به عینیت بخشیدن به شعر را از سال‌های دور در کار بعضی از شاعران آوانگارد از جمله «ژوزه تباتی» که اکثر اوقات به عنوان مجسمه‌ساز می‌شناسند در دو مجموعه شعر به نام‌های «ابلق ۵» و «اجق و جق ۶» سراغ داریم. افراد دیگری هم در سال‌های دورتر، شاید به صورت تجربه‌هایی که برای خودشان هم چندان جدی و هدفمند نبود به کارهای مشابهی دست زده بودند. مانند اسماعیل شاهرودی (آینده) که در «شعر بی‌پایان» با تغییر در شکل نوشتاری کلمه «آب» (با کشیدن حرف ب) گسترده‌تری افق صاف آب و نیز تکرار کلمه «تیک تاک» تداوم زمان را به عینیت درآورد. در اوایل ده هفتاد نیز افرادی با به کارگیری همزمان فونت‌ها و حروف مختلف سعی کردند نوعی چند صدایی را به صورت بصری القا کنند که البته این کار، کار تازه‌ای نبود و کپی برداری از بعضی کارهای اروپایی بود که چند دهه قبل شاعرانی در آنجا دست به چنین تجربه‌هایی زده بودند.

با این همه شما معتقدید که «شعر دیداری» جدای از ارتباط توأمان تصویر و کلمه، مسائل دیگری را نیز دنبال می‌کند. در این مورد توضیح می‌دهید؟ در شعر دیداری ویژگی‌های بصری کاراکترهای نویی را در آن به وجود می‌آورد که در قلمروهای شناخته‌شده شعر به معنای سنتی وجود ندارد. تصاویر ذهنی در شعر دیداری با تداخل و همنشینی با تصاویر عینی قدرت انتقال بیشتری پیدا می‌کنند. شاعر مطالبی را بیان کرده و مخاطب، آنها را در ذهن خود بازسازی می‌کند. در شعر دیداری این فاصله کوتاه می‌شود. فاصله‌ای که از آن به عنوان «تعبیرپذیری» یاد می‌کنیم.

را نوشتید و بعد این کار تداوم پیدا کرد؟ یعنی شما همیشه اول شعر را می‌نویسید و بعد طرحی می‌آید؟ یا گاه کار برعکس می‌شود؟

کار من هیچ قالب از پیش تعیین شده‌ای ندارد. گاهی اوقات هسته اصلی شعر با یک تصویر شکل می‌گیرد و گاهی اوقات با کلام. در نهایت ترکیب این دو تا است که ساختار اصلی شعر را می‌سازد. این که بگویم اول کلمه می‌آید و بعد تصویر یا برعکس، جواب خیلی دقیقی نیست. هدف من در این شعرها این است که کلام و تصویر به کمک هم بیانند و در نهایت ظرفیت‌های بیانی جدیدی به وجود بیاورند که نمی‌تواند در تصویر بدون کلام، یا کلام بدون تصویر وجود داشته باشد.

شعرهای شما، از جمله شعرهای مجموعه «افشین‌های شاهرودی»، بسیار ساده سروده شده‌اند. این سادگی از کجا نشأت می‌گیرد؟

سادگی متن و روایت تصویری مجموعه «خاطرات من، ماه، چاه و باغچه» مخاطبان تازه‌ای را به شعر، آن هم در این جایگاه معرفی کرد و آن کودکانی در رده‌های سنی زیر دوازده سال بود که آن کتاب را به دلیل پررنگی تعمدی و آگاهانه از پیچیده‌گویی، با جدیت و تا انتها با دقت و علاقه می‌خواندند و با آن رابطه‌ای خلاقانه برقرار می‌کردند. بارها، درباره شخصیت‌های آن کتاب سوال‌هایی از سوی مخاطبان از من پرسیده شد. هنوز هم پس از گذشت بیش از یک دهه از انتشار آن، گاه با چنین مخاطبانی روبه‌رو می‌شوم. من اینها را به حساب توفیق آن کتاب در ایجاد رابطه با مخاطب، به ویژه مخاطبی که نباید مانند عرف رایج مرعوب پیچیده‌گویی شده و فقط با احساس خود به ملاقات شعر می‌رود، گذاشته‌ام. «از زمان جنون» نیز همین روال را دنبال می‌کرد، با این تفاوت که در تصویرسازی‌های آن از عکس نیز استفاده شده و راوی آن نیز دیگر کودک کتاب قبلی نبود اما به گمانی، سادگی همه کار من نبود.

شاید این سادگی در کنار تصویرهایی که دارد (و البته همان‌گونه که در مقدمه کتاب اخیرتان نوشته‌اید، کار شما را به گفته عده‌ای شبیه شل سیلور استاین می‌کند)، در این قضیه دخالت داشته باشد. این طور نیست؟

کار سیلور استاین، تصویرسازی یا ایلوستراسیون Illustration است. به کارگیری تصویر در شعرهای من به رغم شباهت‌هایی که با تصویرسازی استاین دارد، در بسیاری جاها خود را از آن جدا کرده است. در ایلوستراسیون معمولاً سعی می‌شود که عین صحنه‌های روایت بازسازی شود. اما آنچه در این کار مورد نظر است اینکه تصویر نیز به عنوان یک متن (متنی که به جای خواندن دیده می‌شود) بخشی جدانشدنی از بدنه کار را تشکیل داده و دوشادوش با متن کلامی و همسنگ با آن روایت را پیش ببرد و در جاهایی هم که کلام قادر نیست معنا و مفهومی را برساند، به کمک آن آمده و کاستی‌های آن را جبران کند. یعنی کلام و تصویر دو ستون کار را تشکیل داده و شعر بر اساس هر دو آنها ساخته شده و استحکام پیدا کند. در بسیاری موارد این تصاویر می‌تواند با تغییر در شکل‌های رایج نوشتاری به وجود آید و چنان که خواهیم دید، قبلاً هم در شعر کم و بیش سابقه داشته است و این یکی

شما به عنوان یک عکاس شناخته شده‌اید. شعرهای شما هم در جامعه فرهنگی مطرح است. کدام نیمه شما، به افشین شاهرودی نزدیک‌تر است؟

گفته می‌شود که شعر یک اتفاق زبانی است. ولی دیگر باید در این گفته تردید کرد. امروزه تکنولوژی، بسیاری از مفاهیم را دگرگون کرده و شناخت سنتی ما را از هنر زیر سوال برده است. در دنیای تکنولوژیکی امروز بسیاری از مرزبندی‌ها و فاصله‌گذاری‌ها میان شکل‌های پذیرفته شده هنر از میان رفته و ابعاد جدیدی در آن مطرح شده است. دیگر شعر را هم نمی‌توان و نباید در قفس کلمه زندانی کرد. تداخل هنرهای مختلف با هم ظرفیت‌های بیانی تازه و قابلیت‌های جدیدی برای بیان هنری به وجود آورده است. از این رو هنرمند امروز اعم از شاعر، نویسنده، عکاس و نقاش برای استفاده از امکانات موجود نباید و نمی‌تواند تک‌بعدی باشند.

بیشتر مردم فکر می‌کنند اگر دوربین خوبی داشته باشند عکس‌های خوبی هم می‌توانند بگیرند. هنوز حرف‌های آن شاعر پرآوازه در مراسم خاکسپاری مرحوم دکتر غلامحسین یوسفی را فراموش نکرده‌ام که می‌گفت: «نمی‌دانم مریم زندگی عکس‌هایش را با چه دوربینی می‌گیرد که اینقدر خوب در می‌آید!» به نظر شما اگر خودکار خوبی داشته باشیم می‌توانیم شعرهای خوبی هم بگوییم؟ نزدیکی و به عبارتی همنشینی کلمه و تصویر در کار من نتیجه یک تجربه شخصی و محصول زندگی و الفت من با این هر دو است. در طول سال‌ها من هر از چند گاه با یکی از این دو بیشتر یا کمتر دوست بوده‌ام. این شعرها هم در حقیقت محصول یک دوره جدایی‌ام از عکاسی و گرافیک و نزدیکی‌ام با شعر بود که نطفه آنها در اواسط دهه هفتاد در خلال یک برهه عصبی بسته شد.

چرا شعر دیداری؟ چون شما با تصویر سر و کار داشتید؟

نه. دقیقاً نه. شعر نوشتن من از یک کابوس شروع شد، کابوسی که باید آن را می‌نوشتم. شبی خواب دیدم گربه‌ای، پرنده‌ای را می‌خورد. دم گربه آنقدر بزرگ بود که چند بار دور حیاط پیچیده و ادامه‌اش از خانه بیرون رفته بود. بیدار که شدم، در حالی که قلبم به شدت می‌زد، شکل اولیه شعر شماره ۳۹ همین دفتر (افشین‌های شاهرودی) را نوشتم و بی‌اختیار طرحی ساده و گرافیکی از یک گربه و یک پرنده را کنار شعر کشیدم و زیر آن نوشتم: «همان گربه». ناگهان جرقه‌ای در ذهن روشن شد. ظرف چند روز تمام نوشته‌های قبلی را بازخوانی کرده و در کنار بعضی از آنها تصاویری اضافه کردم و در ادامه در جاهایی هم که برای بیان بعضی مفاهیم، کلمه نتوانسته بود حق مطلب را ادا کند از تصاویری در کنار نوشته‌ها و بعضی جاها در داخل خود متن استفاده کردم. این موضوع مربوط می‌شود به اوایل سال ۱۳۷۶ که در آذرماه همان سال اولین تجربه‌هایم در این زمینه در کتاب «خاطرات من، ماه، چاه و باغچه» و در ادامه در سال ۱۳۸۰ در کتاب «از زمان جنون ۴» منتشر شد. در حقیقت برداشتن مرز میان حیطه‌های دیدن و شنیدن که طرح پارادوکسی به نام «شعر دیداری» بود؛ شعری که برای دریافت آن می‌بایست به تماشایش نشست.

در آن شعر اولیه تولد شعر دیداری، شما ابتدا شعر

قصه گوی شب؛ قصه ای درباره گوشیدن

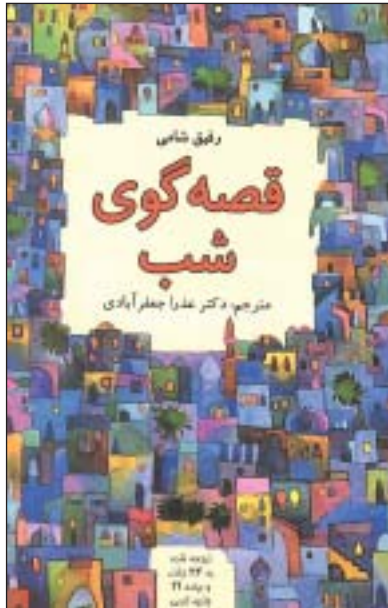
درهم لولیدن مردم را با تخصصی ستودنی به تراحم بویها و شمایم مختلف ادویه جات ربط می دهد.

او پا را فراتر نیز می گذارد و می نویسد: «صدای بم بوی آویشن و زمزمه شیرین دارچین و سکوت زعفران. تمامی حواس برای سلیم لال به صدا مبدل می شوند و لباسی از نجوا و زمزمه می پوشند. سلیم در بازار با خود می اندیشد: «دروغ و ادویه خواهر و برادرند. دروغ یک اتفاق معمولی رابه غذای خوشمزه تبدیل می کند. حقیقت را فقط قاضی ها می خواهند. اما دروغ درست مثل ادویه است که خوشمزگی به همراه می آورد. نه کم و نه زیاد باعث لذت است.» عجیب است که سلیم به دروغ نگاهی مثبت دارد؟ مگر برای او که کارش قصه گفتن است، جز دروغ می تواند اهمیت داشته باشد؟ راوی در فصل نخست، سلیم را با افتخار بهترین دروغ گوی دمشق می شناساند. می نویسد: «سلیم عاشق دروغ بود؛ ولی هیچ گاه اغراق نمی کرد.» دروغ آنقدر در این فضای داستان پرداز و شایعه پراکن رواج دارد که بعضی از شونندگان داستان های نقلی ها، برای آن که قهرمان به زندان بیفتد یا نیفتد و به محبوبش برسد یا نرسد، نیمه شب سراغ نقالی می روند و به او رشوه ای می دهند تا فردا شب، نیمه دوم داستان را آن طور که آنها می خواهند روایت کند.

نکنه اینجاست که نقل ها معمولاً زیر بار این معامله می روند؛ که هیچ، این یکی از منابع درآمد مهم آنهاست. حتی یکی از قصه هایی که برای سلیم نقل می شود تا پری جوان قصه گو به سراغ زبانش بیاید، قصه شاهی است که زمانی در دمشق حکمرانی می کرد و همه مملکت را به باد داد تا بتواند هر چه ممکن است دروغ بشتود. او دروغ گویای همه دنیا را پیش خود خواند و به آنها پول داد تا به او دروغ بگویند؛ تا زمانی که مدعی شد دیگر هیچ کس نمی تواند به من دروغ بگوید و البته، اشتباه می کرد. ولی این دروغ گویی ذاتی قصه گویان و قصه شنوان، که در سراسر دمشق فضایی افسانه گون ایجاد کرده است، مدتی است که با تأسیس حکومتی سراسر دروغ، معارض افتاده. حکومتی دیکتاتور که یک روز ناصر، رهبر مصر را دوست و روز دیگر دشمن می داند، در مرزهای شرقی اش با حسن رهبر عراق درگیر است و در رادیوها و اوضاع آرام توصیف می کند، به مذاق دمشق های عاشق دروغ، هیچ سازگار نیست. دروغ همه جا هست؛ موسی آرایشگر می گوید: دروغ و ملخ همزادند. به تعداد ملخ های دنیا دروغ هست؛ و هر وقت یک آدم به دنیا می آید، همزمان، هفت دروغ و هفت ملخ به دروغ ها و ملخ های دنیا اضافه می شود.

دروغ گویی در این شهر به معنای قصه گو بودن است؛ و چه افتخاری بیشتر از این؟ ولی دروغ حکومت، پسندیده نیست. مادر علی آهنگر در کودکی به او می گفته: «هر وقت دروغی بگویی که توجه کسی را به چیزی جلب کنی، سقفی که زیر آن هستی بزرگ تر می شود تا بالاخره زیر آن خفه شوی.» پدر علی اما سختگیرتر است؛ او اصولاً فرزندش را از حرف زدن بازمی دازد: «بچه ساکت باش. حرف زدن تو را عریان خواهد کرد.» هر چه حکمت متعارف درباره صدا، کلمه، دروغ، اهمیت خوب حرف زدن و خوب گوش کردن بخوایم، در این ۲۰۰۰ و اندی صفحه گنجانده شده.

«قصه گوی شب» اثر رفیق شامی (سهیل فاضل) با برگردان عدرا جعفر آبادی از سوی نشر نشانه در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه منتشر شده و با قیمت ۳۳۰۰ تومان به فروش می رسد.



سده ها و هزاره های گذشته را همچنان در خود حفظ کرده و تاثیر آنها را بر زندگی دمشق امروزی، تشدید می کند. در این فصل با یک برجسته سازی مکانی آشکار مواجهیم؛ دمشق ناگهان از میان همه شهرهای زمین سربلند می کند و موجودیت خود را به عنوان پایتخت قصه های شهزاد قصه گو در هزارویک شب به رخ می کشد. اما امروز (زمان داستان قصه گوی شب)، دیگر زمانی افسانه ای نیست. شهزادها مرده اند. در واقع اگرچه خوی قصه پردازی دمشق، شایعه پراکنی دمشق و دروغ گویی دمشق همچنان پابرجاست، ولی مسائل سیاسی روز که تحت حاکمیت حکومتی جبار و دیکتاتور ایجاد شده، با پلیس مخفی نیرومندش که از سویی به شایعات دامن می زند و از سوی دیگر شایعه پراکنان را بی هیچ گذشتی روانه ناکجا آباد می کند، این خوی دروغ گویی، شایعه پراکنی و افسانه پردازی را رنگی از واقعیات سخت و صلب روزمره می زند؛ واقعیاتی آنچنان موثر که مشتریان قهوه خانه یونس را که زمانی پر حرف تر و سرزنده تر بودند. خاموش و منزوی و سرخورده کرده. مشتریانی که به جای حرف زدن با هم و گفتن از مسائلی که سال ها مشغولشان کرده بود، حالا تنها گوش به رادیو ترانزیستوری قهوه خانه دارند؛ با سرهایی پایین و چشم هایی محزون. ولی ما هنوز به معنای واقعی کلمه، در «امروز» نیستیم؛ قصه در چند دهه قبل می گذرد؛ زمانی که هنوز نقالی ها وقت غروب به قهوه خانه ها می رفتند و قصه می گفتند؛ قصه هایی که در اوج ماجرا و طبق قراری که قهوه خانه چی با نقالی گذاشته بود، بریده می شد تا مشتری را برای فردا شب باز به همان قهوه خانه بکشند. سلیم نقالی نیست؛ ولی بهترین قصه گوی دمشق است.

دروغ؛ خوب حرف زدن و خوب گوش کردن
جابه جا، از زبان هر که نوبت حرف زدنش باشد، به هر بهانه و با هر وسیله ممکن، نویسنده از اهمیت خوب سخن گفتن و خوب گوش کردن می نویسد. او حتی به ادویه جات نیز خصوصیات شنیداری و زبانی می دهد. مثلاً آنجا که برای صدای عقیقه، شایعه پراکن بزرگ محله، که او را به کنایه رادیو ترانزیستوری دوپا می خوانند، از ترکیب «صدای پردرد و ادویه» استفاده می کند؛ یا وقتی سلیم لال روانه بازار ادویه شده، تا در مسجد آنجا رویای زن از دست رفته اش سعیده را ببیند، شلوغی بازار و

بین درشکه چی ها به درشکه خود جلب می کند؛ مسافرانی که می خواهند از دمشق به بیروت بروند. او همیشه قصه گو نبوده؛ بلکه یک بار پیرزن مسافری او را متوجه توانایی اش در قصه گفتن کرده و دعایش می کند: «ای مرد! خدا به زبانت سلامتی ببخشد. زمان سفر با تو خیلی کوتاه بود.» سلیم به این شکل سال ها قصه تعریف می کند و مسافر می برد. آوازه قصه گویی اش در دمشق که برای افسانه و قصه اهمیت بسیار قائل است و نقالان کسبی پررونقی دارند، همه جا می پیچد. یکباره سلیم توانایی قصه گویی اش را از دست می دهد؛ چون لال می شود. او به هفت دوستش که هر شب در خانه او جمع می شوند، می گوید پری قصه هایش به خوابش آمده و گفته پیر شده و باید برود؛ و در نتیجه او به زودی لال می شود. تنها در صورتی دوباره خواهد توانست حرف بزند که هفت هدیه بی نظیر دریافت کند. در این صورت پری جوانی، جای این پری پیر را خواهد گرفت و سلیم دوباره می تواند حرف بزند و قصه بگوید. هفت دوست او هدایای زیادی مثل هفت غذای خوب، هفت عطر و سفر به هفت کوه و هفت دره و هفت شهر را بی نتیجه امتحان می کنند تا این که تصمیم می گیرند برای او هفت قصه بگویند. هر شب یکی از دوستان به قرعه انتخاب می شود و برای سلیم در گردهمایی های شبانه شان قصه می گوید. بعد از قصه هفتم، سلیم زبان باز می کند.

راوی ماجرا کیست؟

راوی «قصه گوی شب» مردی است که در کودکی از همسایگان سلیم بوده و قصه هایش را از زبان خودش شنیده. او تنها بچه ای بوده که اجازه داشته در آن گردهمایی های شبانه هشت پیرمرد حضور داشته باشد و در عین حال، خرده فرمایش های آنها را هم انجام دهد. هر وقت پیرمردا چیزی را در خانه جا گذاشته اند، پسرک را می فرستند تا آن را برایشان بیاورد. گاهی که می خواهند درباره چیزهایی حرف بزنند که برای سن پسرک مناسب نیست هم او را دنبال نخودسیاه می فرستند. مثلاً یکی از پیرمردا در یک شب سه بار کیسه تو توش را در خانه جامی گذارد؛ در حالی که تمام مدت پیش سلیم نشسته است.

مردها کی اند؟

هفت دوست سلیم درشکه چی: علی آهنگر، فارس، وزیر سابق اقتصاد، موسی آرایشگر، عصام قاتلی که یک سال مانده به پایان محکومیت بیست و چهار ساله اش قاتل اصلی را دستگیر کردند و آزاد شد و ۱۲ سال را در انفرادی مانده بود، مهدی، معلم جغرافی، یونس قهوه چی که این هشت دوست همدیگر را در قهوه خانه او پیدا کرده اند، و تومای مهاجر که ده سال است بازن آمریکایی اش به سوریه بازگشته. هریک از این دوستان ماجرا و سرگذشتی دارند که نویسنده ماجراهای آنها را در آغاز فصلی که هریک باید قصه اش را تعریف کند و اندکی راهم در لابه لای بخش های دیگر رمان، گنجانده است. بعضی از این دوستان قصه زندگی خودشان را تعریف می کنند، مثل یونس قهوه چی، و بعضی هم از داستان هایی که به یاد دارند می گوید: مثل فارس وزیر.

پرداخت قصه و اهمیتش در «قصه گوی شب»
سلیم، دمشقی است. توصیفی که در ابتدای داستان، (فصل اول که نثری به غایت شاعرانه را به خدمت گرفته) از این شهر می آید، حال و هوای مورد نظر نویسنده را به بهترین شکل مشخص می کند: شهری چند هزار ساله که بویها و آرزوها و قصه های آدم های

«قصه گوی شب» نوشته رفیق شامی با برگردان عدرا جعفر آبادی، از همان آغاز با کادر پایین جلدش چشمان مخاطب را تنگ می کند: ترجمه شده به ۲۴ زبان و برنده ۲۱ جایزه ادبی. عادت کرده ایم کتاب هایی را که با چنین شیوه تبلیغ روی جلد منتشر شده اند نخوانیم، یا اگر ناچاریم بخوانیم، با چشم تنگ بخوانیم و با ظن و تردید بسیار. ایراد بگیریم و قهقهه بزنییم. ولی هر چه در این کتاب پیش می رویم، می گوئیم: عجب!

رفیق شامی که نام دیگرش سهیل فاضل است، نویسنده سوری است که در سوریه بزرگ شده اما در آلمان زندگی می کند. همین کتاب او پیش تر با نام «راوی شب» هم در ایران منتشر شده است.

«قصه گوی شب» قصه ای است درباره گوش کردن؛ اهمیت شنیدن و هر چه به سخن گفتن و سخن شنیدن مربوط شود. اگر بخوایم بر اساس حواس پنجگانه که نویسنده از آنها در نوشتن رمان خود استفاده می کند، این رمان را در یک طبقه بندی قرار دهیم، هیچ طبقه ای سزاوارتر از «رمان گوشایی» نیست؛ یا «رمان شنوایی»؛ یا شاید، اگر از آن طرف به ماجرا نگاه کنیم، بتوانیم نام آن را بگذاریم «رمان زبانی». البته حواسمان هم هست که با شعر زبانی و مسائلی از این دست خلط نکنیم.

فصل هایی همه سوال

نام همه بخش های این کتاب ۱۴ فصلی، یک سوال است؛ غیر از فصل نخست. مثلاً فصل دوم: چطور قدم های شمرده هفت مرد، ناآرامی به همراه داشت؟ و فصل سوم: چطور درشکه چی پیر، صدایش را از دست داد و دوستانش را سر زبان ها انداخت؟ فصل هشتم: چطور حقیقت باور کردنی نیست ولی دروغ بسیار بزرگ پذیرفته می شود؟ فصل نهم: چطور کسی که تمام دروغ ها را می داند و واقعیت را جلو چشم خود نمی بیند؟ فصل دهم: چطور وقتی یکی از چشمان خود را گاز گرفت، قدرت تشخیص را از دست داد؟ فصل یازدهم: چطور کسی بعد از مرگ آنچه را که در زندگی نشنیده بود، شنید؟ فصل دوازدهم: چرا درشکه چی پیر افسوس قصه ای را خورد که فراموش کرده بود؟ فصل سیزدهم: کلید هفتم برای زبان یا چرا خروس های جنگی به اشتباه چهچه زدنند؟ و فصل چهاردهم: چرا من به خاطر سلیم به زمین افتادم و یک چلچله دوباره به پرواز درآمد؟

چرا نویسنده این شکل از عنوان بندی را برای نام فصل ها انتخاب کرده؟ آیا برای مستعد کردن و ترغیب بیشتر خواننده به خواندن کتاب بوده؟ این که فصل های یک کتاب (مثلاً رمان) عنوانی داشته باشند که نکته و محور مرکزی مطالب آن فصل را در خود خلاصه کند، تا امروز بارها آموخته شده و روال معمولی است. در این کتاب نیز همین مساله صدق می کند. ولی چرا سوال؟ شاید بتوان برای پاسخ گفتن به این پرسش، به سن مخاطبان آن متوجه کرد. این کتاب چون دیگر کتاب های رفیق شامی، اصولاً برای گروه سنی نوجوان نوشته شده. بنابراین استفاده از این راهکارهای فانتزی در ترغیب بیشتر مخاطب نوجوان به خواندن کتاب بی تاثیر نیست. ولی همان طور که خواهیم دید، «قصه گوی شب» آنقدر بین مایه و حواشی دارد که خواندن آن را برای مخاطب بزرگسال نیز به اندازه کافی جذاب کند.

کوتاه درباره ماجرای «قصه گوی شب»

سلیم یک درشکه چی پیر است. او در دمشق زندگی می کند. سلیم معروف است به قصه گویی و این که با قصه گفتن مسافران را در رقابت تنگاتنگ



مقوله پژوهش و به ویژه پژوهش های دانشگاهی مسأله ای است که درباره اهمیت آن بسیار سخن گفته شده است، اما آنچه در عمل با آن مواجهیم، پژوهش هایی است که یا آن گونه متقن نیستند که به کتاب تبدیل شوند، یا برای چاپ از سوی ناشران مورد استقبال قرار نمی گیرند یا به کتاب تبدیل می شوند، اما مخاطب خود را نمی یابند. به مناسبت ۲۵ آذرماه که در تقویم روز پژوهش نام گرفته است، با دکتر عباسعلی وفایی، رئیس دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی و دبیر شورای گسترش زبان فارسی، گفت وگویی انجام داده ایم. وفایی که خود دانش آموخته رشته زبان و ادبیات فارسی است و پایان نامه دوره دکتری او با عنوان «تصحیح انتقادی دیوان سلمان ساوجی» توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر شده، معتقد است که درصد بسیار کمی از کتاب هایی که امروزه با آنها مواجه هستیم پژوهش محور هستند. او می گوید: «اگر تحقیقات ما مبتنی بر این باشد که طرح و اندیشه جدیدی را مطرح کند، نظری متفاوت از نظریات ساری و جاری مطرح کند و نگاه های متفاوتی به مسائل داشته باشد، واقعا قابلیت این را دارد که به کتاب تبدیل و در جامعه عرضه شود.»

گفت وگو با دکتر عباسعلی وفایی، به مناسبت روز پژوهش

درصد کمی از کتاب ها پژوهش محورند

البته برخی دانشجویان نابغه ای هستند که طرح نوبی در می افکنند و استادان خوبی که هدایتگر خوبی هستند و حاصل همکاری آنها تبدیل به کتاب می شود. اما اغلب این اتفاق در دوره دکتری می افتد. چون هم کمیت واحدی وجود دارد و هم دانشجو مدت زیادی را به انجام پژوهش اختصاص می دهد. پژوهش های دوره دکتری نیز انواع مختلفی دارند. بعضی از این کارها از سر ذوق و علاقه و ماندگاری توسط دانشجو انجام می شوند و از ابتدا بنای کار این گونه گذاشته می شود که کار جدیدی عرضه شود و اثر ماندگار از دوران تحصیل به جا بماند.

البته در موارد دیگر دانشجو فقط می خواهد این دوران را طی کند و تکلیف ارائه کند، مدرک بگیرد و به دنبال کار خود برود. حتی در بین استادان هم هستند کسانی که در این زمینه ها کمتر وارد می شوند. اما استادانی که نگاهی جدی تر به مقوله پژوهش دارند، در کار خود خیلی جدی هستند و دانشجویان هم می دانند که استاد به زوایای پایان نامه آنها توجه دارد و دقت بیشتری دارد و کار تازه ای می خواهد. بنابراین آنها هم کار خوبی انجام می دهند که نهایتا هم می تواند منجر به انتشار کتاب شود. البته این امر در روزگار ما به دلایل مختلف کمتر اتفاق می افتد که دلیل آن شتابزدگی ای است که در زمان انجام و جمع آوری پژوهش ها صورت می گیرد یا کمابیش کم لطفی هایی که از طرف استادان راهنما صورت می گیرد که دقت کافی ندارند یا وقت کافی برای دانشجو نمی گذارند. پژوهشی که این گونه باشد قطعاً قابلیت چاپ و عرضه را ندارد و خود دانشجو می فهمد چه کرده است! وقتی استاد در طول پایان نامه با دانشجو همراه نبوده و دانشجو هم در شهر محل اقامت خود مانده و هر از گاهی با استاد خود دیدار کرده، قطعاً این پایان نامه سزاوار کتاب شدن نیست. اگر چه بعضی از این ها با هزینه نویسنده اش چاپ هم می شود!

دانشگاه ها چگونه می توانند برای انتشار پژوهش ها و پایان نامه های مناسب به صورت کتاب، با ناشران تعامل داشته باشند؟

ناشران معمولاً به انتشار آثار دانشجویانی که اثر منتشر شده ای ندارند و مطرح نیستند، رغبت نشان نمی دهند. آنها حق دارند دنبال بازار و فروش بیشتر کتاب های خود باشند بنابراین معمولاً انتشار آثار افرادی که کارنامه پژوهشی یا کتاب دارند، بیشتر در بورس قرار دارد تا کسانی که اثر منتشر شده ای ندارند و معلوم نیست کتاب آنها فروشی داشته باشد. در این زمینه بهترین راه این است که وزارت علوم یا دانشگاه ها که کار چاپ و نشر را هم انجام می دهند، خودشان برای انتشار این کار پیشقدم شوند؛ نه ناشران خصوصی. یعنی وقتی تشخیص می دهند یک کار پژوهشی یا پایان نامه، ارزش کتاب شدن را دارد، روی آن سرمایه گذاری کنند.

به طور کلی، چه کارهایی می توان انجام داد؟

بهترین کار این است که اهل فن بنشینند و وضع امروز پژوهش را در دانشگاه ها رصد کنند تا ضعف های موجود مرتفع شود و سپس راهکارهای مناسبی را ارائه کنند که با سازوکارهای حمایتی همراه شود و بتواند بر اوضاع پژوهش اثر گذار باشد.



متاسفانه وضعیت پژوهش در دانشگاه ها چندان رضایت بخش نیست. البته اخیراً تمهیداتی در وزارت علوم اندیشه شده است و ظاهراً قرار است رشته هایی را با محوریت پژوهش دایر کنند و دانشجویان دوره های کارشناسی ارشد و دکتری فقط دانشجوی پژوهشی باشند. اگر قرار باشد در دانشگاه تفوق با آموزش باشد، هیچ تفاوتی با آموزش و پرورش نخواهد داشت. یعنی در آموزش و پرورش معلم درسی می دهد و دانش آموز هم آن را می خواند. اگر نظام آموزشی دانشگاهی مبتنی بر پژوهش نباشد و استاد این ذوق را در خود ایجاد نکند و این انگیزه را نداشته باشد، اندیشه و ذوق هم عقیم و ابتر می ماند و استاد نمی تواند راهنمای خوبی باشد.

بنابراین امیدواریم که ان شاء الله این امر تحقق پیدا کند. چون دلیل رسیدن همه ملت های پیشرفته به مدارج بالای علمی، همین پژوهش هاست. اگر ما خودمان پژوهش نکنیم و در دانشگاه های ما فقط جنبه های آموزشی تفوق مداخله باشد، ناگزیریم که حرف و سخن دیگران را تکرار کنیم و تکرار سخن دیگران، القا و به عبارتی دیگر تقلید است و تقلید هم خیلی خوب نیست. مخصوصاً در علوم انسانی چون پایه های فکری، اعتقادی، ارزشی و تمدن و فرهنگ ما با ملت های دیگر متفاوت است، اگر به اقتضای زمان، نیازها و فرهنگ و تمدن خود پژوهش انجام ندهیم، کارمان به تقلید می گراید و این تقلید، آثار سوننی خواهد داشت.

پایان نامه هایی که توسط دانشجویان نوشته می شود و صبغه پژوهشی هم دارد چقدر مجال این را پیدا می کند که به کتاب تبدیل شود؟

این اتفاق خیلی زیاد نمی افتد. البته پایان نامه های دوره کارشناسی ارشد با دکتری متفاوت است. چون پایان نامه در کارشناسی ارشد چهار واحد و در دکتری ۱۸ تا ۲۰ واحد را به خود اختصاص می دهد. در پایه کارشناسی ارشد به دلیل این که دانشجویان هنوز تجربه چندان زیادی ندارند و به آن جایگاه علمی نرسیده اند که نظر اجتهادی دقیقی در پژوهش مطرح کنند، نمی شود از آنها انتظار داشت که پایان نامه ای ارائه کنند که قابلیت تبدیل به کتاب را داشته باشد.

نقد ادبی، سبک شناسی و... وجود دارد که می توان با نگاه جدیدی در صورت و معنی به آنها پرداخت. در این زمینه فضا برای کار زیاد است، اما توان، وقت و اراده لازم است تا این اتفاق بیفتد.

فکر می کنید اول باید پژوهش انجام شود و بعد به کتاب شدن آن فکر کرد یا می توان از ابتدا پژوهش را با این نیت انجام داد که حاصل آن به کتاب تبدیل شود؟

زمانی که کسی دنبال تحقیق و پژوهش باشد و مطالبی را به دست بیاورد که از نظر کمی و کیفی قابل عرضه باشد، می تواند از ابتدا به تبدیل آن به کتاب فکر کند. ولی همان طور که گفتم، متاسفانه در روزگار ما این گونه نیست و کتاب های کمی بر بنیان تحقیق و پژوهش استوار است.

مقالات بیشتر از این ویژگی برخوردارند، اما کتاب ها خیلی از این صبغه برخوردار نیستند. گفتن سخن نو و تازه با حجم بالای کتاب، کار ساده ای نیست و چندسال طول می کشد که یک نفر حرف های تازه ای را عرضه کند. بنابراین بیشتر استادان به نوشتن مقالات علمی رغبت بیشتری نشان می دهند که در ارتقای سطح اداری آنها هم موثر است، اما کتاب ها در ارتقا و تبدیل وضعیت استادان اهمیتی ندارند و شاید عدم رشد کتاب های پژوهشی در کشور بر همین پایه استوار باشد.

دانشگاه های ما چقدر پژوهش محور هستند و دانشجویان را به این سمت سوق می دهند که پژوهش کنند تا کار آنها بعداً به کتاب تبدیل شود؟ آنچه مسلم است این است که وضعیت موجود باید تغییر کند. ما در دانشگاه ها بحث پژوهشی و آموزشی را توأماً قرار داده ایم و در احکام استادان کارشناسی ارشد و دکتری قید آموزشی - پژوهشی ذکر شده است. ولی در دانشگاه ها بحث آموزش خیلی قوی تر از پژوهش است. حتی در کارنامه بسیاری از استادان هم پژوهش را آن گونه که زینده باشد، نمی بینیم در حالی که اگر پژوهش نباشد، کلاس هم نمی تواند لطفی داشته باشد. نتیجه آن پژوهش هاست که استاد را برای عرضه مطالب تازه و نو مسلط می کند.

با توجه به این که شما سابقه پژوهش دارید و برای تالیف فرهنگ لغات مخفف ۱۵ سال تحقیق کرده اید، فکر می کنید پژوهش ها چقدر امکان تبدیل شدن به کتاب را پیدا می کنند؟

همه پژوهش ها کتاب نیست و چه بسا پژوهش های خیلی اساسی و بنیادی، در غیر کتاب خود را نشان می دهد و به صورت مقالات علمی - پژوهشی در مجلات تخصصی منتشر می شود. اما به هر حال اگر یک پژوهش بر پرداختن به یک امر مجهول و آشکار کردن آن مبتنی باشد، قطعاً قابلیت این را پیدا می کند که به صورت کتاب هم عرضه شود و فکر جدیدی را منتشر کند. البته این امر متاسفانه خیلی کم اتفاق می افتد.

درصد بسیار کمی از کتاب هایی که امروزه با آنها مواجهیم، پژوهش محور هستند. بیشتر کتاب ها جنبه تالیفی دارند و گردآوری از آثار متعددی هستند که مولف به آنها تناسب می دهد و آنها را در کنار هم می چیند. این کار خیلی نمی تواند مشکلات را حل و نیات ما را در حوزه پژوهشی و مسائل علمی مرتفع کند. در حالی که کتاب های پژوهشی اصیل، باید جنبه تحقیقی داشته باشند و بر اساس یک فرضیه، تئوری یا نظریه، برای رسیدن به هدف علمی و پژوهشی تمهید مقدمات کنند.

باید اذعان کنم که در علوم انسانی، متاسفانه کمتر از این نوع کارها دیده می شود. در علوم پایه، صبغه پژوهشی و تحقیقی رنگ بیشتری دارد. چون در علوم پایه نمی توان نظرات دیگران را گرفت و روح دوباره در آن دمید. منابع موجود قبلاً آن حرف ها را زده اند. «روز پژوهش» می تواند این روحیه را به وجود بیاورد تا کسانی که دنبال کار علمی هستند، سخن نو و تازه ای را در این زمینه بیان کنند؛ نه سخن تکراری که دیگران گفته اند و دگرباره با شکل دیگر و لباس دیگر بیان شود. هزاران حرف هم می شود در زمینه علوم انسانی و رشته هایی مانند ادبیات، علوم اجتماعی، تاریخ و بسیاری رشته های دیگر گفت که جای آن خیلی خالی است.

چه پژوهشی قابلیت این را دارد که به کتاب تبدیل شود؟

اگر تحقیقات ما مبتنی بر این باشد که طرح و اندیشه جدیدی را مطرح کند، نظری متفاوت از نظریات ساری و جاری مطرح کند و نگاه های متفاوتی به مسائل داشته باشد، واقعا قابلیت این را دارد که به کتاب تبدیل شود و در جامعه عرضه شود. کتاب ها در جریان عرضه نسبت به مجله ها افراد بیشتری را شامل می شوند. چون مجلات به صورتی نیستند که به دست همه برسند، اما کتاب این قابلیت را دارد که به دست افراد بیشتری برسد. اگر یک یافته یا کار پژوهشی مبتنی بر یک نگاه یا روش جدید باشد، قطعاً این قابلیت را پیدا می کند. درباره ادبیات به طور خاص، اگر پژوهشی در حوزه نویسندگان یا شعرا باشد، باید از منظر تازه ای به آثار نگاه کند. این که پژوهشی مسائلی را مطرح کند که دیگران هم بارها تکرار کرده اند، قطعاً سودی ندارد. در این زمینه پژوهش های مبتنی بر ادبیات تطبیقی که در خارج از کشور هم صورت می گیرد، مفید به نظر می رسد. ضمن این که امروزه رویکرد های متفاوتی در حوزه



سایر محمدی

«بیست و هفت آذر» به نام روز وحدت حوزه و دانشگاه در تقویم جمهوری اسلامی ایران ثبت شده است و هر سال در این ایام تلاش هایی در راستای جامه عمل پوشاندن به این آرمان صورت می گیرد. دکتر جلیل تجلیل فارغ التحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز و استاد دانشگاه تهران که صاحب ده ها تالیف و ترجمه در زمینه های مختلف علوم انسانی به ویژه ادبیات فارسی و ادبیات عرب است یکی از چهره های است که قبل از تحصیلات آکادمیک، به تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه پرداخته و آثاری مانند «اسرار البلاغه»، «الغدیر»، «فقه»، «شعر از دیدگاه پیامبر اسلام (ص)»، «کتابداری نوین در اسلام» و «نقشبند سخن» را تالیف یا ترجمه و به جامعه فرهنگی عرضه کرده است. وی که متولد ۱۳۱۲ تبریز است و در تالیف کتاب های درسی و دانشگاهی مشارکت فعالی داشته، چندی پیش کتاب «شرح درد اشتیاق» را با رویکرد زیبایی شناسی و بلاغی از سوی انتشارات سروش منتشر کرد. وی اکنون در تدارک چاپ و انتشار کتابی است که از مجموعه مقالات منتشر شده اش در مجلات معتبر داخل و خارج از کشور فراهم شده است.

گفت و گو با دکتر جلیل تجلیل

مدرک دکتری در ادبیات، اجتهاد نمی آورد

حالا این اشعار را باید در کلاس های علوم انسانی دانشگاه ها تفسیر و معنی کرد. آثاری مانند ادبیات عرب، ادبیات فارسی و معارف اسلامی، قرآن و حدیث و تاریخ تمدن اسلامی باید در کلاس ها خوانده شود. ترجمه این آثار در حال حاضر، در دسترس همه هست. برای ترجمه «اسرار البلاغه» که حدود چهار سال وقت صرف آن کرده ام، مجبور شدم خیلی از منابع و دیوان اشعار شاعران عرب و نویسندگان را گذر و نظر کنم. بعدها این کتاب ترجمه و توسط استاد دانشگاه تهران چاپ شد و الان هم به چاپ چهارم رسیده است. آن وقت بود که متوجه شدم این اشعار نیاز به تحلیل و تفسیر دارد. بعدها کتابی تالیف کردم به نام «تحلیل اشعار اسرار البلاغه» که نظریات خودم را همراه با اشعار با مقارنه ادبیات عرب در آنجا آوردم. در حاشیه این اثر مصلحت را در آن دیدم که ضمن ترجمه و تحلیل اشعار عرب، در هر عصری که قانون بلاغت پیشنهاد می شد، توضیح دادم و در کنار آن اشعار شعرای فارسی را هم آوردم، چون احساس کردم با این کار، این کتاب دو منظوره می شود. هم ادبیات فارسی می بالد و هم ادبیات عرب از ما نمی نالد که چرا آنها را شرح نکردیم.

در حال حاضر هم می خواهم دو این شعر پارسی را با صبغه نقد ادبی امروز که پاسخگوی نظریات غرب بوده باشد تحلیل کنم و نشان دهم که ریشه ها و اندیشه هایش متأثر از دانشمندان ایرانی بوده است. می خواهم در یک نقد و بررسی تطبیقی نشان بدهم که تئوری های ادبی و نقد ادبی که امروز در غرب مطرح می شود و در اینجا هم ترجمه و منتشر می شود، برگرفته از نظریات نقد ادب فارسی است. همان گونه که نفت خام ما را می برند و مشتقات آن را به تمام جهان صادر می کنند و متعلق به خود می دانند. همین کار را در زمینه ادبیات کلاسیک فارسی هم کرده اند. من امیدوارم با این بررسی ها و نشان دادن بلاغت و مولفه های زیبایی شناسی، ادبیات فارسی هم صادرات خودش را به غرب آغاز کند. مادامی که این علوم به زبان های اروپایی ترجمه شوند و به سایت های اینترنتی نرود، جهانیان خیال می کنند که مسلمانان دست روی گذاشته اند و مصرف کننده فکر و اندیشه آنها هستند و خود چیزی برای عرضه به جهان ندارند. در حالی که این همه فعالیت های مسلمانان بود که آنها توانستند علم را به سرزمین های خود ببرند. اگر به کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» استاد مطهری مراجعه کنید، متوجه می شوید که مسلمانان چه خدمات عظیمی به جهانیان کرده اند. امروز هم شما منابع و مآخذ مقالات ارزنده و علمی و ادبی را اگر مشاهده کنید، می بینید که بسیاری از آنها به فرهنگ ایران و اسلام برمی گردد. ایرانیان که زبان اصلی آنها فارسی و مزین به فرهنگ قرآنی است، صرف و نحو را نخستین بار نوشتند. فرهنگ لغات، علم تفسیر و علم عروض را هم ایرانیان نوشته اند. سبویه کتابی دارد به نام «الکتاب» که در این اثر این مسائل را می بینید، خواجه نصیر طوسی کتاب «معیار الاشعار...» را تالیف کرده که برای نخستین



مثلا کتاب «یتیمه الدهر» را ثعالبی نیشابوری در چهار جلد نوشته که به زبان عربی است و اکنون در دست ماست. چه کسانی می توانند از چنین آثاری استفاده کنند؟ کسانی که مقاطع و مقدمات زبان عربی مانند صرف، نحو و معانی و بیان، حکمت، منطق، فلسفه و ... را خوانده باشند و خوب هم خوانده باشند، تا بتوانند گوهر های نقد ادبی امروز را که ما می دانیم از «اسرار البلاغه» گرفته اند، به دانشجویان خود آموزش بدهند. من در بعضی از مقالاتی که چاپ کرده ام ثابت کرده ام: «ماییم و نوای بینوایی / بسم الله اگر حریف مایی» البته منظوم از ما، خودم نیستم. استادان و بزرگان و دانشمندان سلف این را به زبان علمی آن روز که زبان عربی بود نوشته اند. البته این زبان علمی، بعدها زبان قرآن و زبان نهج البلاغه و مفاهیم و برکات اسلام شد. این آثار و نظریه های ادبی که به زبان عربی مکتوب شده اند را کی و کجا و توسط چه قلم ها و تبصره هایی باید منتشر کرد؟ قطعا توسط استادان ادبیات فارسی و استادانی که در حوزه های علمیه با زبان عربی و نظریه های ادبی آشنا شده اند. چند روز پیش عید غدیر خم بود یکی از اعیاد بزرگ اسلامی. چه کسانی این احادیث را درباره غدیر که به زبان عربی و بعدها به زبان فارسی هم منتشر شد مکتوب کرده اند و به میان مردم برده اند؟ یکی مرحوم آیت الله امینی بوده که کتاب «الغدیر» را نوشته است. این مجموعه در یازده جلد تالیف شده بود و نام تمام شعرا و ادیبان و مورخان که راجع به موضوع الغدیر و تفاسیر قرآن در این باره قلم فرسائی کرده اند و مطلب نوشته اند آمده است. از این مجموعه حدود ده جلد در سال های پیش از انقلاب ترجمه شده بود و جلد یازدهم ترجمه نشده بود که آن هم مربوط می شود به شاعرانی که به زبان عربی در مدح حقایق اسلامی و ائمه اطهار، مخصوصا ولایت علی بن ابیطالب (ع) طبع آزمایی کرده اند. این جلد را هم بنده به یاری خداوند ترجمه کرده ام و در دو جلد چاپ کرده ام. این دو جلد جزو منابع معتبر تشیع در زمینه ادبیات است.

بشود. البته هر استادی در دوره ای نیازمند بازنشستگی هم هست تا اگر عمری باقی بود، بتواند در یک فرصت ده - دوازده ساله برگرفته هایش از متون را جمع بندی و شکوفا کند. دست به تالیف و تدوین آثاری بزند تا دیگران از آن بهره مند شوند و در اختیار استادان امروز و نسل جوان قرار بدهد چون این استادان توفیق این را نداشته اند که در حوزه های علمیه تحصیل کنند. ولی توفیق این را داشتند که احساس وظیفه کنند و برگرفته ها و نوشیده ها و جوشیده های خود را به وسیله مقالات و کتاب ها در اختیار دیگران قرار دهند. این ضرورت اول است. هم در زمینه علوم اسلامی تفسیر قرآن و حدیث و نهج البلاغه که در حوزه های علمیه تدریس می شود، هم در زمینه ادبیات فارسی و معارف اسلامی و فلسفه و حکمت متأله که در دانشگاه ها تدریس می شود، استادان خبره و مجرب این علوم باید داشته های خودشان را که در طول سال ها تدریس کسب می کنند، به شکل مطلوب در اختیار نسل های آینده قرار دهند. من با چنین انگیزه هایی پس از تحصیل علوم دینی وارد دانشگاه شدم.

شما با آثار عبدالقاهر جرجانی چه کرده اید؟ و چه چیزی در آثار ایشان توجه شما را جلب کرده است؟

اولین کاری که موفق شده ام به توصیه استادان دانشگاهی، مخصوصا استاد فروزانفر، دکتر مینوچهر، استاد شهیدی، دکتر زرین کوب و دیگران انجام دهم، این بود که کتاب «اسرار البلاغه» و «دلایل الاعجاز» عبدالقاهر جرجانی را که در متون اسلامی در ردیف کتب مأخذ نام برده شده است تصحیح کنم یکی از کتاب های مهم حوزه که در معانی بیان و بلاغت خوانده می شود «مطول» تفتازانی است و دیگری «آراء» سکاکی و زمخشری است. دانشمندان ایرانی که در سه قرن اول اسلامی به زبان عربی این علوم را نگاه داشتند و الان نسل جدیدی که در دانشگاه ها و دانشکده ها داریم، به این کتاب ها نیاز فراوان دارند.

آقای تجلیل ۲۷ آذر، روز وحدت حوزه و دانشگاه نامگذاری شده است. شما از جمله شخصیت های فرهنگی هستید که پس از تحصیل در زمینه علوم دینی در حوزه علمیه، وارد دانشگاه شدید و مدرک دکتری گرفتید. با چه انگیزه ای تحصیلات آکادمیک در دانشگاه را انتخاب کردید؟

انگیزه اصلی ام علاقه مندی به ادبیات کلاسیک فارسی و ادبیات عرب و تحقیق و پژوهش در این عرصه از یک سو و از سوی دیگر تقویت استعداد های مملکت و شکوفایی فرهنگ ایران و خدمتگزاری به نسل جوان در راه اشاعه و گسترش فرهنگ و علوم اسلامی بود.

زمانی که تحصیلات خود را در حوزه علمیه به پایان رساندید آیا احساس می کردید در زمینه شناخت و آموزش علوم با کمبودهایی روبه رو هستید که باید در دانشگاه جبران شود؟

بحث کمبود شناخت و آموزش علوم مطرح نبود. حوزه های علمیه خمیرمایه و بنیاد علوم انسانی هستند. یعنی بدون تحصیلات حوزوی، شکوفایی ادبیات دانشگاهی و ظهور چهره هایی مانند سعیدی و مولوی و حافظ و جامی و دیگر قله های شعر و ادبیات فارسی محال است.

یعنی اشارات، عبارات، تلمیحات، استعارات، فنون ادبی، منطق و فلسفه، مثل چشمه ای جاری است، در آثار مفاخر اسلام و ایران، از جمله فردوسی. فردوسی با دیدگاه های مختلفی که در طول این پنجاه - شصت سال گذشته مطرح شده و بسیار مغتنم است، هنوز از دیدگاه علوم اسلامی - حکمت، فلسفه و آیات قرآنی و به ویژه بلاغت و نظریه پردازی های ادبی، مظلوم واقع شده است. این را از کجا متوجه می شویم؟ این مباحث رازمانی متوجه می شویم که از جایی مبانی و مآخذ عمده اسلام را بررسی کنیم و نظریه های ادبی و مولفه های زیبایی شناسی را از دل این آثار استخراج کنیم. مثلا از آثار عبدالقاهر جرجانی و کتاب «اسرار البلاغه» او که من این آثار را ترجمه کرده ام، شرح داده ام و به صورت های مختلف مقالات متعددی در این باره نوشته ام. به یاری خداوند این گونه آثار این روحیه را در میان دانشگاهیان تقویت و ترویج می کند که بتوانند به صورت کامل به تحلیل و تفسیر آثار بزرگان فرهنگ و ادبیات این سرزمین بپردازند؛ به آثار بزرگانی چون خاقانی، سنایی، عطار و ناصر خسرو. این چهره ها، درختان ریشه داری هستند که از اندیشه های ایران قدیم، هم ایران پیش از اسلام، هم ایران پس از اسلام بهره گرفته اند و آثارشان سرشار از معارف اسلامی است. با این مقدمات، باید بگویم، اگر به لحاظ تحصیلات در حوزه علمیه موفق بوده ام، خودم را در تحصیلات دانشگاهی موفق تر می دیدم و استادان ما هم که موفق بودند، مثل استاد فروزانفر، استاد همایی و استاد مدرس، همین سابقه و نگرش را داشتند. حتی آنهایی هم که از نعمت های مادی برخوردار بودند مثل دکتر خانلری و ذبیح الله صفا و دیگران، چنین بودند. البته آثارشان هم این موضوع را نشان می دهد. ولی ادبیات آن چیزی نیست که کسی با گرفتن مدرک دکتری و مرتبه استادی، مجتهد

بار علم عروض را تدوین کرده است. این اثر یک شمولی دارد که علم عروض را هم در ادبیات عربی و هم در ادبیات فارسی به غایت استقصاء رسانده است. خودش هم چون عالمی آگاه بوده تعاریفی که از مبانی عروض و نقد ادبی به دست می دهد، در نهایت دقت است.

نسل امروز هم که از حوزه های علمیه فارغ التحصیل می شوند شاعر و منتقد و محقق و اهل فلسفه در میانشان هست، ولی چرا نویسنده ای پیدا نمی شود که مشکلات و دغدغه های این قشر را در قالب ادبیات داستانی عرضه کند؟

این یک موضوع بسیار حساس و قابل تعمق است. اولاً زبان فارسی به دلیل ویژگی هایی که دارد، در نشر هم آهنگین جلوه می کند و به شعر پهلو می زند. کسی که ذوق و سواد دارد و با این زبان آشناست به شعر روی می آورد، حتی محقق و منتقدی مثل استاد زرین کوب نامی که برای کتاب خود برمی گزیند شعر است، مثل «پله پله تا ملاقات خدا» که آهنگین است و وزن هم دارد. دارای تخیل است. می داند که یکی از عناصر شعر، آهنگ کلام است. تخیل و فرهنگ است. وقتی شما به نشر مرحوم نفیسی، خانلری، استاد فروزانفر و... گوش می دهید، انگار به شعر گوش می کنید. یا «کیلله و دمنه» نصرالله منشی یا «گلستان» سعدی و... اینها همه شعرند. این شاید به دلیل ویژگی زبان فارسی باشد که از حوزه های علمیه عموماً شاعر به جامعه معرفی می شود تا نویسنده به معنای مورد نظر شما.

حتی تاریخ بیهقی با آن همه قدمت، در برخی بخش ها شعر محض است؟

بله. تاریخ بیهقی هم یک نوع شعر است، اگر چه منظوم نیست، ولی دارای نظم و آهنگ است. شعر آزاد هم مغتنم است و به این موضوع خیلی کمک می کند.

در برنامه ریزی ادبیات فارسی کسانی که شعر را خوب بفهمند، نثر را هم خوب می نویسند؛ یعنی آهنگ و بیان و وزن و تخیل را از شعر می گیرند و مقالاتی که می نویسند، آثار ادبی ماست. نثرهایی که از آن سخن گفتیم، نثرهایی فریخته و بی غلط است. البته نویسندگی ابزار و لوازمی و فرصت و فراغتی می خواهد که شاید در حوزه ها این فرصت و فراغت دست ندهد.

بسیاری بر این باورند که ما از قرن چهارم - پنجم به بعد تولید فکر و فلسفه نداشته ایم؛ به ویژه در حوزه فلسفه. شما چه نظری دارید؟

بزرگانی که ما در علوم مختلف داشته ایم مانند ابن سینا، زکریای رازی و ... اغلب از حوزه های علمیه برخاسته بودند. حوزه علمیه در آن دوران به معنای جمیع علوم روزگار بود. وقتی به آثار این دانشمندان توجه می کنیم می بینیم هریک کتاب های فراوانی تألیف کرده اند، که حتی امروز هم استادان دانشگاه ها از آنها بهره مند می شوند. این استادان

پس از سال ها تحقیق و تدریس در دانشگاه های داخل و خارج از کشور صاحب ده ها مقاله علمی می شوند که در معتبرترین نشریات ایران و جهان چاپ شده اند. می دانید که هر مقاله ای با هر کیفیت در این نشریات قابل چاپ نیست. مقاله باید حداقل دارای ارزش و اعتباری باشد و به لحاظ علمی هم باید در سطح قابل قبولی نوشته شده باشد تا به این نشریات راه پیدا کند. من خودم امروز نزدیک به ۱۷۰ مقاله چاپ شده در این نشریات دارم که اگر بخواهم آنها را به صورت کتاب منتشر کنم حداقل سه - چهار جلد خواهد شد. چنان که چهل مقاله را در کتابی به نام «شرح درد اشتیاق» چندی پیش منتشر کرده ام. این ۱۷۰ مقاله را به زبان های فارسی یا عربی یا فرانسوی نوشته بودم. این مقالات ثروت های علمی کشور محسوب می شوند.

این که از قرن چهارم - پنجم تولید فکر و فلسفه نداشتیم، تنها بخشی از واقعیت است و همه واقعیت نیست، چرا که ما در قرون بعد در حوزه ای که خودم تخصص دارم آثار معتناهایی منتشر کرده ایم که ارزش های ادبی این آثار قابل کتمان نیست. در همان قرن سوم و چهارم بوده که عبدالقاهر جرجانی مهم ترین آثارش را تألیف کرد. اما سکاکی و زمخشری را در همین دوران داریم که تأثیرگذارترین آثارشان را تألیف کرده اند که اندیشمندان امروز هم هنوز از آنها استفاده می کنند. من عبارتی برای شما می خوانم از کتاب «مطول» تفتازانی که الان مهم ترین کتاب معانی و بیان است و در داخل و خارج مورد توجه متفکران است:

تفتازانی در مقدمه «مطول» می نویسد: من برای تألیف این کتاب از کتاب «اسرار البلاغه» عبدالقاهر جرجانی بهره گرفته ام. این آثار متعلق به قرن چهارم هجری است.

این نظری که مطرح می کند از قرن سوم و چهارم تولید فکر و فلسفه نداشتیم، در مورد بلاغت و شعر و ادبیات و ... صدق نمی کند. به دلیل مقالات و مطالبی که نوشته شد و تا امروز به دست ما رسیده است.

فرض کنید استاد فروزانفر که مقالات و مطالبش راجع به مولوی زبازرد خاص و عام است، تاریخ ادبیاتی به نام «سخن و سخنوران» دارد که در آن تاریخ زندگی و شعر برخی از شاعران آن دوران را شرح داده است. از فردوسی و خاقانی و شعرای قرن های سوم و چهارم و پنجم گفته و آثارشان را نقد و بررسی کرده است. نقد های ادبی ای که از قرون سوم و چهارم به جای مانده هنوز هم نغز و تازه است. این که ما نمی توانیم امروز به نحو احسن از آن اندیشه ها استفاده کنیم به شیوه آموزش ما و پرورش ما برمی گردد که در مدارس ابتدایی و متوسطه آموزش درستی نداشتیم. در دبیرستان ها باید معلمان فاضل و دانشمندی تدریس کنند که علوم انسانی قرون گذشته را بشناسند و بتوانند به

دانش آموزان منتقل کنند. وقتی این دانش آموزان وارد دانشگاه ها می شوند و از پایه و مایه قوی برخوردار باشند، مثل بنایی که باید در چند طبقه ساخته شود، زیربنای مستحکمی می خواهد.

امروز یک بخش از علوم انسانی به ویژه در حوزه نقد و نظریه ادبی و امدار نظریه پردازان اروپایی هستیم. ترجمه این آثار چقدر محققان و استادان ما را از پرداختن به علوم و ادبیات بومی بازمی دارد؟ ما فقط ترجمه این آثار را می خوانیم که این به نوعی دلیل بازدارندگی چنین آثاری است؛ یعنی فقط فارسی معمولی اش را می خوانیم. اگر توانایی اش را داشته باشیم خودمان هم می توانیم ترجمه کنیم - اما زبان ادب فارسی و عربی را نخوانده ایم تا ببینیم این چه دارد در برابر آن؟ فرض کنید امروز در بازار دنیا فرانسوی را به نام ایران می شناسند، در حالی که همه کشورها توانایی بافتن فرش را دارند، از ژاپن و پاکستان تا انگلستان و آمریکا فرش دارند. یک طرف این معادله ایران است. در زمینه ادبیات و نقد و نظریه هم همین گونه است. ما اگر متون ادبی قرن های سوم و چهارم را به خوبی بشناسیم می توانیم از این معدن ها و معدن های بسیار دیگر بهترین گوهرها را استخراج کنیم و از آن فرآورده های متعددی به جهانیان عرضه کنیم. اینجاست که فاصله های بین حوزه های علمیه و دانشگاه ها به علوم انسانی و طبعاً به دانشجویان و طلاب ضربه می زند. برنامه هایی که امروز در دانشگاه ها و حوزه های علمیه پیاده کرده اند و هر روز هم تکمیل تری می شود. اگر این برنامه ها در عمل خوب اجرا شود و درس هایی که تألیف و تدوین شده به دقت و خیلی جدی و عمیق به دانشجویان و طلاب آموزش داده شود حتی درس عربی، صرف و نحو آن، تفسیر آن، تفسیر قرآن، همه در جای خود مورد توجه قرار گیرد، ما دیگر در زمینه علوم انسانی احساس کمبود نمی کنیم. من سال هاست که «کشف» زمخشری را در کلاس های دانشگاه تدریس می کنم. باید تمام دانشجویان دوره دکتری تفسیر زمخشری در کتاب «کشف» را بخوانند که حافظ، حافظ شدن خود را در غزل، تفسیر «کشف» معرفی می کند.

زبان فارسی به دلیل ویژگی هایی که دارد، در نثر هم آهنگین جلوه می کند و به شعر پهلو می زند. کسی که ذوق و سواد دارد و با این زبان آشناست، به شعر روی می آورد

بنابراین وقتی می بینیم شاعران و ادیبان بزرگی از فرهنگ و اندیشه اسلامی در آثارشان بهره گرفته اند، و آثارشان جزو مفاخر و قله ادبیات جهان است، نمی توانیم بگوییم پس از قرن سوم - چهارم، تولید اندیشه و تولید فکر نداشتیم. شاعری مثل فردوسی از منظر سخنوری باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در بلاغت، در صورخیال و ابتکار، علت سازی و علت سوزی باید تحلیل و تشریح شود. من در این زمینه ها مقالاتی هم نوشته ام که باید به زبان های مختلف ترجمه شود و در اختیار جهانیان قرار گیرد، تا آنها هم ببینند که ما چه در جنته داریم. ما مصرف کننده فکر و اندیشه اروپاییان و آمریکاییان نیستیم. من این آثاری را که در زمینه نقد و نظریه های ادبی به فارسی ترجمه می شوند می بینم و می خوانم، اما هیچ وقت خلایق و ابتکاری نمی بینم. حرف تازه ای ندارند. هر چه هست در پیشینه ادبیات فارسی و فرهنگ اسلامی سابقه دارد. نظریات و تئوری هایی که در این کتاب ها چاپ شده، همه از آن ماست. شهریار چه خوب می سراید: «جان من باز آ به جای خود که جانان پیش ماست/ مدعی آرایش تن می کند جان پیش ماست».

مرحوم شهریار، اخوان ثالث و ملک الشعرای بهار و شاعران بزرگی که در این سده می زیستند خودشان از نعمت حوزه های علمیه و بلاغت قرآنی برخوردار بودند. حالا من موفق نشدم همه این موارد را بنویسم. کتابی به نام «بلاغت نهج البلاغه» توفیق تألیف آن را پیدا کردم که کتاب موجزی هم هست. من در آنجا ویژگی و علل بلاغت نهج البلاغه را توضیح داده ام که از آیات قرآنی ریشه می گیرد. همه مولفه های زیبایی شناسی و بلاغت در نهج البلاغه می درخشد.

جامعه ما امروز نیازمند است که حوزه های علمیه و دانشگاه ها برای برون رفت از مشکلات راهکار ارائه کنند و نظریه پردازی کنند. در حالی که این دو نهاد آموزشی خود متاثر از رویدادها جامعه اند؟ چرا؟

این نظر درست است که برای حل مشکلات جامعه حوزه های علمیه و دانشگاه ها باید راه حل ارائه کنند. این که چرا چنین است و چنان نیست، احتیاج به بررسی و پژوهش دارد که من در این زمینه هیچ گونه تحقیق و بررسی ای نداشته ام. اگر یک پزشک که در خارج از کشور تحصیل کرده به میهنش برگردد، احتمالاً هیچ کمبودی در حوزه کاری خود ندارد. دانش و تخصص او به روز است. اما یک فارغ التحصیل علوم انسانی که وارد کشور می شود حتماً کمبودهایی دارد. هیچ گاه بی نیاز از مطالعه و تحقیق نخواهد بود. باید آنقدر بخواند و بنویسد. آنقدر مذاقه و تحقیق کند تا به مرحله نظریه پردازی برسد. کسانی که این مراحل را تجربه کرده اند سال ها تحقیق و تدوین کرده اند، می توانند برای جامعه مفید باشند و برای حل مشکلات راه حل ارائه دهند.

ریسک، دلایل استفاده و اطلاعات و معیارهای انتخاب ارزیابی عددی ریسک، کاربردها، الزامات و انتخاب تکنیک، به کارگیری نتایج و نکات تکمیلی و در نهایت نتیجه گیری، اختصارات و واژه نامه پرداخته است. افزون بر این، در فصل های این کتاب مراحل مختلف مورد نیاز برای ارزیابی عددی ریسک برای فرآیندها به صورت شماتیک و به زبان انگلیسی نمایش داده شده است. این کتاب همچنین اطلاعات پایه ای و معدود، اما کاربردی و مناسب را در مورد ارزیابی عددی ریسک در فرآیندهای شیمیایی در اختیار ما قرار می دهد که مهندسان و افرادی که تازه وارد صنایع شیمیایی می شوند می توانند با خواندن آن با مفاهیم و اصول ارزیابی عددی ریسک آشنا شده و از آن در طراحی و کاربری فرآیندهای شیمیایی استفاده کنند. نویسنده در ترجمه کتاب، بخش هایی را که با استانداردها یا وضعیت صنایع کشور ما همخوانی ندارند حذف کرده و از تجربیات موجود در صنعت کشور و به ویژه صنایع فرآیندی بهره گرفته است. این کتاب می تواند پایه ای برای شناخت این مسائل باشد و مخاطبان را تنها با اصول ارزیابی ریسک به صورت عددی آشنا می کند. کتاب «ارزیابی ایمنی فرآیندی در صنایع شیمیایی» توسط مهندس علیرضا ارزنده ترجمه و تألیف و به همت انتشارات فن آوران منتشر شده است.

هنر تصمیم گیری هوشمندانه، خود به دومولفه مهم به نام های اطلاعات لازم و قضاوت مناسب وابسته است. تجربه نشان داده است که تصمیمات مرتبط با ایمنی، معمولاً پس از اتفاق یک حادثه بزرگ و در پس یک تجربه سنگین اتخاذ شده است. کتاب «ارزیابی ایمنی فرآیندی در صنایع شیمیایی» که ترجمه بخشی از کتاب مرجع انجمن شیمی آمریکا و مرکز ایمنی فرآیندهای شیمیایی آمریکا است، یکی از آثاری به حساب می آید که می تواند در این مورد بسیار کارآمد باشد. در این کتاب، مبحث ارزیابی عددی ریسک، به صورت اصولی و پایه ای ارائه شده است. این کتاب را می توان همچنین راهنمایی برای آموختن اصول ارزیابی ریسک در صنایع شیمیایی دانست. سازمان ها و شرکت ها می توانند از «ارزیابی ریسک ها» استفاده های زیادی کنند، اما در این کتاب تنها بر نحوه استفاده از ارزیابی ریسک در بهبود ایمنی سازمان تمرکز شده است.

همچنین باید توجه داشته باشیم که ارزیابی عددی ریسک می تواند در مطالعات اقتصادی، بهداشتی و محیط زیستی نیز به کار گرفته شود، با این همه، این کتاب با تمرکز بر خطرهایی است که می تواند باعث آسیب دیدگی کارمندان شود یا تهدید جامعه را در پی داشته باشد. کتاب «ارزیابی ایمنی فرآیندی در صنایع شیمیایی» در پنج فصل نوشته شده است که به ترتیب به یادآوری ها و تعاریف ارزیابی عددی

معرفی کتاب

نگاهی به کتاب «ارزیابی ایمنی فرآیندی در صنایع شیمیایی»

مدیریت بحران



محمد ایرانی: ارزیابی مسائل فنی، یکی از ابزارهای منحصر به فرد مهندسی و مدیریت ایمنی به شمار می آید. تکنیک های شناخته شده فراوانی برای دستیابی به رسیدن به این مساله، یعنی مدیرین بحران وجود دارد. این راه حل ها را با توجه به ارزیابی، هدف ارزیابی و فرآیند مورد ارزیابی تیم مدیریت بحران انتخاب می کنند. یکی از روش هایی که برای اجرای فرآیند مدیریتی مورد استفاده قرار می گیرد، توجه به سیکل حیات واحد است که متاسفانه توجه چندانی به آن نمی شود. اکنون کسانی که مسائل بحرانی را مدیریت می کنند یا فرآیند آن را به اجرا می گذارند، اغلب به یک نکته مهم توجه ندارند و به همین دلیل، شاید چندان در کار خود موفق نباشند، چرا که تصمیم گیری هوشمندانه یکی از شناسه های مدیریت موفق در سازمان به شمار می آید.



از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

هفت فرمول کیمیاگری و محبت

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند. در نشست هایی که طی هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های ادبیات دفاع مقدس و صنعت چاپ در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

کیمیاگری

در حوزه ضایعات چاپی

همایش «چگونه از ضایعات چاپی جلوگیری کنیم؟» با سخنرانی بهرام عفراوی، مدرس و فعال حوزه چاپ از سوی انجمن حمایت از توسعه صنعت چاپ در سرای اهل قلم موسسه خانه کتاب برگزار شد. در این همایش، راه های پیشگیری از تولید ضایعات چاپی در بخش های مختلف پیش از چاپ، چاپ و پس از چاپ مورد بررسی کارشناسان و میهمانان قرار گرفت.

بهرام عفراوی، مدرس و فعال حوزه چاپ: به راستی نگاه تخصصی به چاپ خوب است؟ ضایعات چاپی یعنی چه؟ و عوامل موثر بر چاپ خوب یا فرمول طلایی، برای جلوگیری از ضایعات چاپ کدامند؟

اکثر اوقات هنگامی که از چاپ خوب یا روش های جلوگیری از ضایعات چاپی سخن به میان می آید، من و شما سراغ استفاده از آخرین تکنولوژی های روز دنیایم رویم، غافل از اینکه هنوز استفاده از همان مواردی را که در اختیار داریم به درستی نمی دانیم.

آیا از امکانات و تجهیزات چاپی خود به خوبی استفاده می کنیم؟ بخشی از توانایی ها و خواست های خود را می توان در ماشین آلات جدید یافت و به کار گرفت؛ اما مشکل اصلی در ارائه یک چاپ خوب و کنترل ضایعات چاپی در داخل کشور است.

بهرام عفراوی در ادامه سخنانش افزود: چاپ خوب در هر محصول شاخصه هایی دارد که از این عوامل یا شاخصه ها برای تشخیص کیفیت چاپ آن محصول استفاده می شود. در برخی موارد، چشم های غیرمتخصص قادر به تشخیص خوب یا بد بودن کیفیت در چاپ یک محصول نیستند اما اگر امکان مقایسه همان محصول در دو حالت وجود داشته باشد، چشم های غیرمتخصص هم قادر به تشخیص خوب از بد خواهند شد. برخی از محصولات چاپی که در بازار دیده می شوند از نگاه متخصص، می توانند ضایعات چاپی باشند. تمام محصولات چاپی که از دید کارشناسی دارای مشکلات متعدد در فرآیند چاپند شامل دو دسته ایراد می شوند؛ نخست ضایعات آشکار و سپس ضایعات پنهان.

ضایعات چاپی پنهان آن دسته از محصولات چاپی اند که اشکال و ایراد چاپی آنها آنقدر واضح و زیاد است که امکان ورود به بازار را ندارند و روزانه خسارت های بسیار زیادی را در این بخش متحمل می شویم که متأسفانه آمار و اطلاعاتی از آنها در دسترس نیست. کنترل این دسته از چاپ ها بسیار با اهمیت است و می تواند بازگشت مالی خوبی برای کشور ایجاد کند.

ضایعات پنهان که به بازار وارد می شوند و قابل تشخیص و آمارگیری اند، ضررهایی برای صاحب محصول به همراه خواهند داشت.

استفاده از فرمول های طلایی و رعایت کردن آنها موجب جلوگیری از ایجاد خسارت و ضایعات چاپی خواهد شد. نخست اهمیت دادن به چاپ خوب، دوم حس مسؤولیت، سوم اشراف و آگاهی در مورد فرآیند چاپ، چهارم تخصص در کار، پنجم اهمیت دادن به آموزش خود و کارکنان، ششم آگاهی کارفرما و هفتم کنترل فرآیند سفارش تا تحویل می تواند موجب جلوگیری از ایجاد خسارت و ضایعات چاپی شود.

ترکش های شتابزدگی

بر پیکر ادبیات دفاع مقدس

دومین نشست آسیب شناسی ادبیات دفاع مقدس با حضور مصطفی خرامان، مسعود امیرخانی، منوچهر اکبرلو و علی الله سلیمی در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.

در این نشست ضمن انتقاد از وجود آثار سفارشی و همچنین شتابزدگی و عجله برای تولید کتاب های این حوزه، بر ضرورت تحقیق و پژوهش و همچنین دقت نظر در تالیف آثار ادبیات دفاع مقدس تاکید شد.

مصطفی خرامان، داستان نویس: سفارش سوژه به نویسنده و تعیین زمان برای پایان اثر، شتابزدگی را به همراه دارد که بعضاً سبب نگارش و انتشار آثار کم کیفیت شده است. ادبیات پایداری جزئی از کل ماجرای دفاع هشت ساله است که با هر ظرفیت، قابل بررسی و آسیب شناسی است. زیرا رفته رفته از اصل حادثه جنگ دور می شویم و این موضوع به

ضرر آینده ادبیات پایداری خواهد بود.

پس از پایان جنگ، همه یادبودها و قدردانی ها به روز آزادسازی خرمشهر و هفته دفاع مقدس خلاصه شد. تا جایی که برخی از جوانان ۲۰ ساله امروز تعریف و دیدگاهی از بخشی از تاریخ کشور (جنگ تحمیلی) ندارند.

چنین برخوردی با حماسه ملی پایداری، ادبیاتش را در همین سطح باقی می گذارد. حاصل این نوع ادبیات، انتشار کتاب هایی با سوژه های تکراری و سفارشی است. بنابراین یکی از آسیب های ادبیات پایداری، از بین رفتن سوژه های فراوان از رزمندگان است که یا فراموش شده یا دیگر حضور ندارند. این در حالی است که در جبهه، هر رزمنده یک سوژه بود و حرف هایش قابلیت تبدیل به رمان و داستان را داشت.

شتابزدگی یکی دیگر از آفت های ادبیات پایداری است. این امر باعث کاهش کیفیت آثار و ایجاد دلزدگی در نویسنده و مخاطب می شود.

مسعود امیرخانی، مدیر سابق انتشارات بنیاد

برنامه های سرای اهل قلم در این هفته

برنامه هفتگی سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد.

امروز شنبه، بیست و یکم آذر نشست دیگری از سلسله نشست های حوزه ادبیات با موضوع سعدی پژوهی با حضور دکتر منصور ثروت و دکتر نیما تجبر برگزار می شود.

نشست یکشنبه به نقد و بررسی رمان «پس از تاریکی» نوشته هاروکی موراکامی با حضور مهدی غبرایی (مترجم اثر)، احسان عباسلو و فرشته احمدی اختصاص دارد. دوشنبه نیز دو نشست در این سرا برگزار می شود: کارگاه داستان نویسی با حضور فیروز زوزی جلالی و نشست دیگر در حوزه فلسفه با موضوع «مقدمه ای بر علوم انسانی» با حضور منوچهر صانعی دره بیدی و دکتر سعید حنایی کاشانی.

برنامه های سه شنبه نیز به دو نشست شعرخوانی با حضور جواد محقق و عموم علاقه مندان حوزه شعر و نشست دیگر در حوزه ادبیات به نقد و بررسی کتاب «گمگشته در مسیر» اختصاص یافته است.

نشست های چهارشنبه نیز در دو حوزه تاریخ و علوم اجتماعی به ترتیب با عنوان نقد و بررسی کتاب هخامنشیان با حضور دکتر روزبه زرین کوب، دکتر حسن رضایی باغبیدی و عسگر بهرامی و نشست حوزه علوم اجتماعی نیز با موضوع «جنسیت و اعتیاد» با حضور سعید مدنی، محمد جعفر سخاوت و پروانه زاهدی فر برگزار می شود. زمان برگزاری کارگاه داستان نویسی دوشنبه از ساعت ۱۴ تا ۱۶، زمان برگزاری نشست نقد و بررسی کتاب «گمگشته در مسیر» ۱۷ تا ۱۹ اعلام شده و سایر نشست های این هفته از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۷:۳۰ برگزار می شود. سرای دائمی اهل قلم در خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۱۰ واقع شده و شرکت در این برنامه ها برای عموم آزاد است.

زبان عشق در سرای اهل قلم

جلسه نقد و بررسی مجموعه «پنج زبان عشق» سه شنبه هفته گذشته با حضور سید محمود میرسلیمی، دبیر جلسه و مدرس دانشگاه، سیمین موحد، مترجم مجموعه «پنج زبان عشق»، رضا نیک نام، مدیر مسوول انتشارات ویدا و لیورا سعید، استاد دانشگاه در سرای دائمی اهل قلم خانه کتاب برگزار شد. سخنرانان جلسه، این اثر را بیانگر پنج شیوه ابراز عشق معرفی و دلیل استقبال از چنین آثاری را وجود جنبه های مشترک عاطفی و فرهنگی جوامع ذکر کردند.

محمود میرسلیمی، دبیر جلسه و کارشناس روانشناسی: در سال های اخیر افراد به جنبه های عاطفی و غیرمادی مسائل با واژه هایی نظیر «عشق» و «محبت» گرایش قابل توجهی پیدا کرده اند. به همین دلیل استقبال افراد از کتاب هایی با این موضوع نیز افزایش یافته و جلسات نقد و بررسی آنها نیز رونقی تازه پیدا کرده است. اهمیت واژه عشق برای افرادی که به دنبال تعریف و تحلیل

آند، با اشاره به مصرع «از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر» تداعی می شود. جهت گیری اخیر تمامی کسانی که مباحث روانشناسی و مشاوره را با مسائل اخلاقی و مذهبی پیوند می دهند نیز با جمله «از محبت خارها گل می شود» توجیه پذیر است. در حقیقت زبان عشق و محبت به عنوان کم هزینه ترین و رایج ترین زبان ارتباطی به شمار می آید.

سیمین موحد، مترجم اثر: یکی از مهم ترین ویژگی های این کتاب، متن ساده و همه فهم آن است. همچنین وجود ابعاد مشترک بین فرهنگ ها این اثر را برای جوامع کشورمان قابل استفاده کرده است. درباره تشابه عقاید این نویسنده به آرای فلاسفه و عرفایی نظیر عطار نیشابوری نیز باید گفت چاپمن در آثار خود به «هفت خصیصه عشق» اشاره می کند. به نظر می رسد میان تمامی فرهنگ ها نقاط مشترکی وجود دارد که می توان متناسب با عرف هر جامعه از آنها استفاده مثبت کرد.

لیورا سعید، استاد دانشگاه: به نظر می رسد

حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس: ادبیات پایداری باید به کمک دولت رشد پیدا کند. این امر نه به معنای سفارش دولت، بلکه به معنای حمایت نهاد های تصمیم گیرنده و اعتماد به نویسندگان است.

رفع دغدغه های معیشتی نویسنده نیز عاملی نگارش آثار کیفی و براساس باور هاست. همچنین وجود منابع لازم، خلأ عدم تجربه جنگی نویسنده جوان را پر خواهد کرد و سرانجام به جای نهاد سفارش دهنده، نویسنده خود را مالک اثر دانسته و با نهایت توان دست به قلم می برد. شورا های بررسی آثار نیز با بهره گیری از گروهی نخبه منصف، تعادل را در این حوزه رعایت خواهند کرد. طبق برنامه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، آثار منتشر شده در حوزه ادبیات پایداری برای کتابخانه های مهم سراسر کشور ارسال می شوند. همچنین با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، کتابخانه های پایداری در دانشگاه های مهم کشور تاسیس و آثار ادبیات پایداری ارائه شده اند.

منوچهر اکبرلو: ادبیات عامه پسند نسبت به مضامین مذهبی و ارزشی کمتر دچار آسیب شده و خود را به مخاطب رسانده اند. زیرا در این عرصه باید ها و نبایدهای کمتری به چشم می خورد. افزایش جمعیت، افزایش قشر باسواد و حضور فعال تر زنان در جامعه، امکان بالقوه ای را ایجاد می کند تا مخاطب به کالای مورد نیاز (کتاب) دست پیدا کند. بر همین اساس به موضوع تولید بیش از عرضه و مصرف توجه شده است. این امر سبب تولید انبوه کتاب هایی شده که پاسخگوی نیاز مخاطب نبوده است. شاید درباره میزان دخالت نهاد های دولتی در امور مختلف، از جمله مسائل فرهنگی تصور شود دخالت این نهادها در امور متفاوت، از جمله خوراک و پوشاک و حتی ادبیات نیز نیست و نویسندگان را باید به حال خود گذاشت تا آنچه در ذهن دارند بنویسند، اما این موضوع به ظاهر زیباست. با وجود بحث توسعه فرهنگی با شاخصه های خاص خود، مثل توجه به کتاب به عنوان کالایی فرهنگی، حضور نهاد های دولتی ضروری است.

نویسنده مباحثش را در قالب فلسفه ای که به سیستم برنامه ریزی عصبی - زبانی (nlp) تعبیر می شود بیان کرده است، زیرا طبق این فلسفه، افراد با به کار بردن یکی از شیوه های «دیداری»، «شنیداری» یا «لمسی» با دیگران ارتباط برقرار می کنند و درک متقابل زبان عشق در یک خانواده یا مجموعه ای بزرگ تر نیز با استفاده از یکی از این روش ها صورت می گیرد.

زبان عشق پنج جنبه مختلف دارد که تأیید کلامی، نخستین زبان است. به طور کلی انسان ها مایلند از دیگران تعریف و تمجید بشنوند، برخی افراد نیز این روش را شیوه ارتباطی خودشان با دیگران قرار می دهند و از دیگران نیز انتظار دارند که با استفاده از همین روش با آنها برخورد کنند.

مجموعه پنج جلدی «پنج زبان عشق» نوشته گری چاپمن با عناوین «زبان عشق کودکان»، «زبان عشق نوجوانان»، «زبان عشق مجردها»، «چگونه به او بگویم دوست دارم» و «راه حل های عاشقانه» است. این اثر توسط سیمین موحد ترجمه و از سوی انتشارات ویدا روانه بازار نشر شده است.

روز گراز

محمد ایوبی / نشر افق

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۴۳۲ صفحه / ۷۰۰۰ تومان



قهرمان اصلی این رمان مردی فاقد اراده عقلانی است. این اثر هم مثل دیگر آثار این نویسنده در جنوب ایران رخ می‌دهد و در پس زمینه داستان، به فرهنگ و سنت‌های بومی این خطه پرداخته شده است. ایوبی در

این رمان، ماجرای زندگی شخصیتی به نام حبیب را از کودکی تا پیری روایت می‌کند.

شخصیت اصلی داستان بدون در نظر داشتن قوه عقل و منطق با زندگی و آدم‌ها روبه‌رو می‌شود و به گونه‌ای سعی می‌کند اطرافیان را بیازارد. در این مدت قدرت بدنی این مرد از جهاتی به گاو یا گراز تشبیه شده است.

شخصیت محوری این کتاب از اقشار طبقه متوسط جامعه است و داستان در فضایی بی‌توجه به تاریخ و زمان رخ می‌دهد؛ چرا که نویسنده آن را متعلق به همه دوران‌ها می‌داند.

محمد ایوبی متولد سال ۱۳۲۰ در شهر اهواز است. رمان‌های «راه شیری»، «سفر تا سرطان مغول» و سه‌گانه «آواز طولانی جنوب» و نیز مجموعه داستان «میراثی بی‌پایان» از کتاب‌های منتشر شده او است. ایوبی در بخشی از این رمان می‌نویسد: «...خانه، سرد و ساکت است. انگار آب مرده شورخانه پاشیده باشند به همه جای آن، با این که سه مستاجر زندگی می‌کنند که با خود صاحبخانه می‌شوند، چهار خانواده، همه هم بچه دار و شلوغ اما از همان دم در، ناله‌های مادر را می‌شنوم فقط؛ مخصوصاً سوختم‌های او پشت چشم‌های سوزاننده. انگار یک مشت لفل فل فل سرخ را با دماغم کشیده باشم بالا.»

شعر و آینه

تئوری شعر و مکاتب شعری

احسان عباس / ترجمه: سید حسن حسینی

انتشارات سروش / چاپ اول ۱۳۸۸

۱۷۲ صفحه / ۳۵۰۰ تومان



سید حسن حسینی، شاعر، نویسنده، محقق و مترجم بود. کتاب‌های «بیدل - سپهری» و «مشت در نمای درشت» دو نمونه از پژوهشگری مغشوش است براده‌ها، «مثالی برای

نویسنده‌گی متفکرانه»، «نوشداروی طرح ژنریک و گنجشک و جبرئیل» دو شیوه از شعرهای او است. سروده‌های حسینی نشان می‌دهد که او شاعری تجربه‌گرا و همواره مبتکر بود. علاوه بر این ترجمه‌های این هنرمند که سال ۱۳۸۳ بدرد گرفت هم به رغم کمیت کمشان، باریک بینی‌ها و نکته‌سنجی‌های فراوانی داشت. ترجمه ادبیات در زمینه نشر نیاز به مترجمی اهل ادبیات دارد و در شعر به شاعر؛ مترجمی که خود شاعر باشد با نیروی پنهانی‌ای که دارد، رگه‌های شعری زیبایی زبان مبدأ را در زبان مقصد باز آفرینی می‌کند و سید حسن از این دست مترجمان بود. هرچاکه می‌دید متن پیش رو ظرفیت پذیرش دارد، ذوق ادبی خود را هم به آن وام می‌داد.

اما این کتاب، ترجمه این کتاب نخستین بار در ۱۳۶۸ به صورت پاورقی در مجله سروش منتشر شد، اما کتاب اصل در ۱۹۵۵ در بیروت منتشر شده بود. مولف در مقدمه کوتاه چاپ دوم کتاب که چهار سال پس از چاپ اول به بازار آمد و مبنای این ترجمه بوده است می‌نویسد: «من هنوز معتقدم که کتابی مختصر درباره موضوعی گسترده پدید آورده‌ام، اما با دو

گروه خواننده روبه‌رو شده‌ام؛ گروهی با تحسین به آن نگاه کرده‌اند و گروهی از کثرت نام‌ها و دشواری فهم برخی موارد شکایت سر داده‌اند و هر دو خواستار تجدید نظر شده‌اند. از این رو در این چاپ، در پاره‌ای موارد حذف و اضافه و در جاهایی جابه‌جایی صورت داده‌ام و با چاپ اول کمی متفاوت شده است.

احسان عباس پس از نسل طلایه دارانی چون عباس العقاد و طه حسین، در رأس نسل دوم منتقدان معاصر عرب نشست. او در ۱۹۲۰ در روستای عین غزال فلسطین به دنیا آمد و پس از هشتاد و سه سال زندگی پربار و به جای گذاشتن نود کتاب، در ژوئن ۲۰۰۳ درگذشت. این ادیب نامور کارنامه‌ای درخشان بر جای گذاشته است.

نقد ادبی کلاسیک و معاصر، زندگی‌نامه نویسی، تاریخ نویسی، تصحیح و تحشیه، ترجمه از زبان انگلیسی، یک مجموعه شعر و یک رمان که براساس زندگی خود نوشته و ... از جمله کارهای او است. کتاب شعر و آینه در دو بخش مفصل با عناوین تحول در تئوری شعر و اساس اختلاف بین مکتب‌های شعری منتشر شده است.

نفرین‌های یک کلاغ از پیش مرده

علی ناصری / موسسه انتشارات امیر کبیر

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۶۴ صفحه / ۱۰۰۰ تومان



«نفرین‌های یک کلاغ از پیش مرده» کتابی است که به نوعی برای نوجوانان با مایه‌هایی از طنز نوشته شده است. علاوه بر این موضوع اثر به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران هم مربوط است. نویسنده در ابتدای کتاب

نوشته است: «در سال ۱۳۶۵ مدرسه‌ای در میانه بمباران شد. در میان اجساد قربانیان لاشه کلاغی پیر هم به چشم می‌خورد که همراه زباله‌ها مدفون شد. عده‌ای می‌گویند کلاغ پیر قصد سرنگونی بمب افکن عراقی را داشت. هنوز هم خیلی‌ها به این فکر می‌کنند.»

در بخشی از کتاب آمده است: «... برای پیر کردن کلاغ جوان، هیچ کس از او اجازه‌ای نگرفت. فقط کافی بود او حادثه‌ای را ببیند. حادثه‌ای که هیچ یک از کلاغ‌ها تا آن روز تجربه نکرده بودند. آن حادثه عظیم در یکی از روزهای زمستانی توی یک شهر کوچک اتفاق افتاد؛ اتفاقی که هنوز هم شبیه به خواب و خیال است...»

نگرش سیستمی به دین

عبدالحید واسطی

موسسه مطالعات راهبردی علو و معارف اسلام

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۴۷۹ صفحه / ۴۶۰۰ تومان



نگرش اسلام درباره پایان تاریخ برقراری تمدن یکپارچه جهانی براساس آموزه‌های الهی است. هویت تمدن، زندگی جمعی در سیستم‌های به هم پیوسته است. از این رومی توان گفت برای تمدن‌سازی نیاز به سیستم‌سازی است.

هرگونه اندیشه تمدن‌ساز برای تحقیق تمدن مورد نظرش چاره‌ای جز طراحی و اجرای نظام‌ها و سیستم‌هایی که ابعاد مختلف زندگی را به جریان می‌اندازد، ندارد.

سیستم‌های آموزشی، رسانه‌ای، فرهنگ عمومی، امنیتی، بهداشتی، دادگستری، اقتصادی، مدیریتی، خانوادگی، تولیدی، خدماتی، معماری، شهری و ... که براساس گزاره‌های دینی فعال شده باشند و فرآیندها و معادلات ارتباطی آنها از طرف این تعریف شده باشد، می‌توانند با به هم پیوستگی خود تجلیل دهنده تمدن اسلام شوند.

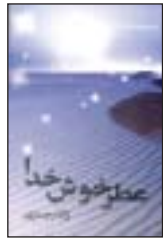
این کتاب، نگرشی از بیرون به دین، به هدف دستیابی به شبکه کلان دین و شفاف‌سازی نقش آن

در عرصه تصمیم‌سازی و تدوین استراتژی در جوانب مختلف زندگی است.

عطر خوش خدا

ژاله / چستری / نشر آروبیچ / چاپ اول ۱۳۸۷

۱۴۷ صفحه / ۲۰۰۰ تومان



«عطر خوش خدا» دربرگیرنده داستان‌های ژاله چستری است رویای پرنسس مصری و هدیه ونوس سه بخش این کتاب هستند. دربخشی از این کتاب چستری نوشته است: «آن

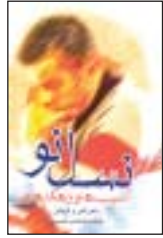
شب تا حدودی آرامش داشتم. شهاب سنگی مانند صاعقه‌ای درخشان آمان را روشن کرد. کم کم در حالتی بین خواب و بیداری قرار گرفتم گویی دخترها قرن‌ها به خواب رفته بودند. خلسه عجیبی مرا گرفت در همین موقع صدایی مانند امواج رادیویی باهازمونی خاص در فضا پیچید و به دنبال آن نوری تابان و زیبا از لابه‌لای دخترتان شروع به تابیدن نمود. خواهرم از خواب بیدار شد. گفت: چه خبر است، چه صدایی است؟ آن نور چیست؟»

آسیب‌های آموزشی و تربیتی نسل نو

فاطمه السادات حسینی

انتشارات مهر امیرالمومنین (ع) / چاپ اول ۱۳۸۷

۲۰۰ صفحه / ۲۵۰۰ تومان



تعلیم و تربیت همواره برای زندگی بهتر مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران مکاتب فکری مختلف بوده است و اسلام بهترین وسیله تکامل و رشد علمی و معنوی را در تفکر و تدبیر علم‌اندوزی

می‌داند و برای اینکه فرایند تربیت به طور عاقلانه و منطقی شکل بگیرد و به مرحله بروز و ظهور برسد و نسل جوان از حمله‌های فرهنگی در امان بماند بایستی دردهای موجود را شناخت و سپس به درمان پرداخت.

آسیب‌شناسی نام شاخه‌ای از دانش بشری است که به مطالعه بی‌نظمی‌ها، نابسامانی‌های اجتماعی، و مشکلات و اختلافات جامعه می‌پردازد. وجود چنین اندیشه‌ای صاحب‌نظران را به تلاش و تکاپو واداشته است که در سایه بررسی‌های علمی، ریشه‌ها و انگیزه‌های این گونه دردها را کشف کرده، راه‌یابی برای پیشگیری و درمان ارائه کنند.

این کتاب موضوع آسیب‌شناسی، دردها و نابسامانی‌ها و مشکلات آموزشی و تربیتی و اجتماعی کودکان و نوجوانان و جوانان و علل و عوامل پیدایش و راه‌های پیشنهادی برای پیشگیری و درمان این چالش‌ها را مطرح می‌کند.

در بخشی از کتاب آمده است: «تنها راه شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والای انسانی و برخورد صحیح با توطئه‌های دشمنان و نجات از بی‌هویتی و کم‌توجهی نسل جوان به آموزه‌های علمی و دینی را می‌توان در دو مقوله ترسیم کرد. ۱. ریشه‌یابی عوامل عدم موفقیت در تعلیم و تربیت نسل نو. ۲. بیان راهکارهای علمی و قابل اجرا.»

خودآموز اصول و فنون سخنوری

علی فروزفر / انتشارات سروش

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۳۹۲ صفحه / ۷۰۰۰ تومان



گفتار، کم‌نظیرترین و رایج‌ترین عملکرد انسان در عرصه ارتباط با محیط و دیگران است. با این حال، از آنجا که بهره‌گیری از این مهارت، بسیار معمولی، طبیعی، و ظاهراً آسان است، فقط تعداد بسیار معدودی از

ما قدرت و ظرفیت فوق‌العاده آن را درمی‌یابیم. گفتار، گران‌ترین ابزار ارتباطی و یکی از ارزشمندترین

موهبت‌هایی است که خداوند متعال به انسان ارزانی داشته است. ارتباط گفتاری، چیزی فراتر از تأثیرات ظاهری و جسمانی صدا و بدن است و مستلزم حضور و فعال بودن تمامی وجود فرد از نظر جسمی، عاطفی، و اجتماعی است. این مهارت ارتباطی، با بسیاری از فرآیندهای حیات ما، مثل پیشرفت، رهبری، تصمیم‌گیری، مسأله‌گشایی، اداره و ویدادها، مدیریت برخورد‌ها و تعارض‌ها، و رسیدن به تفاهم با دیگران، رابطه تنگاتنگی دارد.

طیف وسیعی از شرایط و عوامل گوناگون در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا ارتباط گفتاری به شکلی شفاف و اثربخش برقرار شود. برای رسیدن به این شفافیت و اثربخشی، سوالات و نگرانی‌های متعددی ذهن ما را به خود مشغول می‌دارند.

نویسنده در مقدمه کتاب نوشته است: «آیا وقتی با هم حرف می‌زنیم، شما همانی را به من نشان نمی‌دهید که واقعاً هستید؟ آیا من نیز به نوبه خود، حقیقت وجود و شخصیت و اعماق روح خود را از لابه‌لای مطالبی که بر زبان می‌رانم، به شما عرضه می‌دارم؟ آیا شما همیشه با مردم به همان گونه که با من حرف می‌زنید، رفتار می‌کنید؟ آیا من به شما و دیگران، یکسان پاسخ می‌دهم؟ برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها باید گفت که هریک از ما چهره‌های متعدد و متفاوتی داریم. ظهور هر یک از این چهره‌ها در ارتباطات شفاهی بستگی به هدف ارتباط، ویژگی‌های مخاطب، شرایط محیطی، و بازخوردها دارد. برای اینکه ارتباط مؤثری برقرار کنیم و به درک و تفاهم متقابل برسیم، باید خیلی چیزها درباره یکدیگر بدانیم و در جریان طراحی و ارسال پیام‌های شفاهی، عوامل و نکات متعددی را در نظر بگیریم.»

اخلاق و سرشت ایرانیان

فرحناز ابونیا عمران بشر و رسه

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۸۱ صفحه / ۴۵۰۰ تومان



آیا خوبی همواره خوب بوده و بدی مفهومی بد داشته است؟ مرز میان خوبی و بدی چیست؟

هنگامی که جامعه به سوی تمدن پیش می‌رود، وجود قوانین و ضوابطی برای انسان‌ها ضرورت یافت؛ در واقع وجود قواعد اخلاقی یکی از عوامل تشکیل و انسجام جامعه‌ی انسانی است.

معمولاً پایبندی و احترام به دستورهای اخلاقی در جوامع متمدن بیش از جوامع عقب‌افتاده (با فرهنگ پایین) است. در این گونه جوامع وجدان انسانی به جای فشار و خفقان، افراد را به پیروی و احترام به دستورهای اخلاقی سوق می‌دهد؛ بنابراین با ارتقای سطح فرهنگ، اخلاق نیز از جایگاه والا و ویژه‌ای در جامعه برخوردار می‌شود.

در حقیقت مفهوم خوبی و بدی کاملاً متفاوت است. خوبی و خوب بودن با احساس خوشایندی مانند آرامش، لذت و شور و نشاط عمیق همراه است و بدی و بدبودن احساس ناخوشایندی مانند بی‌زاری و اندوه عمیق را در آدمی به وجود می‌آورد.

ابونیا عمران در مقدمه کتاب آورده است: «پرواضح است که عادت به اعمال ناپسند معمولاً فاقد احساس ناخوشایندی است، هنگامی که وجدان پاک انسانی بر اعمال و رفتار آدمی نظارت یابد، پس از انجام اعمال ناپسند احساس ناخوشایندی ایجاد می‌شود؛ به عبارت دیگر اندوه عمیق پس از ارتکاب اعمال ناپسند، مبین نظارت وجدان و جنبه مثبت شخصیت والای انسانی است که خداوند متعال در آدمی به ودیعه نهاده است؛ از این رو پس از فراموشی و نادیده گرفتن وجدان انسانی، گرایش به ردایل اخلاقی و انجام اعمال ناپسند راحت‌تر از گذشته می‌شود. بدیهی است که تکرار ردایل اخلاقی موجب عادت به اعمال ناپسند می‌شود و به تدریج وجدان رو به فراموشی می‌رود تا جایی که نادیده انگاشته می‌شود.»



یادداشت

مهدی صادقی

مدیر نشر بامداد کتاب

ایرانی ها کتاب را دوست دارند

«تلاش های مستمر و زحمات معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای برگزاری هر چه بهتر نمایشگاه جای تقدیر و تشکر دارد.» همکاران تلاشگر معاونت فرهنگی براساس امکاناتی که در اختیار دارند برای نمایشگاه کتاب تهران برنامه ریزی می کنند اما طبیعی است که هر سال برگزاری نمایشگاه، دارای نقاط قوت و ضعفی است که می توان مشکلات را برطرف کرد. امسال شاهد استقبال بی سابقه مردم از نمایشگاه کتاب بودیم و این نتیجه زحمات شبانه روزی در برگزاری نمایشگاه بود. نمایشگاه امسال نسبت به دوره های قبل، نظم بهتری داشت. استقبال گسترده مردم، بیانگر موفقیت دست اندرکاران و مسؤولان در برگزاری نمایشگاه بود.

رضایت مندی مخاطبان ملاک موفقیت این همایش و نمایش بزرگ فرهنگی است و به نظر می رسد مسؤولان پرتلاش برگزاری نمایشگاه کتاب، به اهداف اصلی خود در جلب رضایت ناشران و بازدید کنندگان دست یافته اند. زیرا هر کسی به نمایشگاه آمد و از آن خارج شد، در نهایت راضی بود.

در حال حاضر و با شرایط موجود، با توجه به برگزاری موفق سه دوره نمایشگاه کتاب در مصلاهی امام خمینی (ره) تهران، تا زمانی که محل مناسبی برای برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نباشد با توجه به موقعیت مکانی، وجود دو ایستگاه مترو در اطراف نمایشگاه و ایستگاه های متعدد تاکسی و اتوبوس، مهم ترین و بهترین محل برای نمایشگاه بیست و سوم، مصلا است.

برگزاری چنین نمایشگاهی با این وسعت، باید موقعیت جغرافیایی کامل و مناسبی که به نیاز مخاطبان آن پاسخی شایسته دهد، داشته باشد. در این نمایشگاه ناشران مختلف گرد هم می آیند تا در فضایی فرهنگی علاقه مندان به مطالعه را اقناع سازند. نمایش و فروش کتاب در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران جزو مهم ترین کارکردها و ویژگی های این نمایشگاه است و این امکان را به مردم و مخاطبان می دهد که ضمن آشنایی با آخرین عناوین منتشر شده کتاب در کشور، همزمان نیازهای فرهنگی خود را نیز تأمین کنند. نمایشگاه بین المللی کتاب تلاشی برای ارتقای سطح مطالعه و کتابخوانی در کشور است. با برپایی چنین نمایشگاهی می توان تلاش کرد تا علاقه به مطالعه بین مردم افزایش یابد.

همچنین صنعت نشر داخلی را نیز تقویت کرد تا به محلی برای تبادل تجاری بین ناشران داخلی و بین المللی تبدیل شود. نمایشگاه باید شامل بخش های مختلف باشد که هر بخش جوابگوی نیازهای قشر خاصی از جامعه است. اهمیت این نمایشگاه بر ناشران و مردم ایران پوشیده نیست، امیدواریم که نمایشگاه کتاب سال آینده نیز چون سال های گذشته از رونق خوبی برخوردار باشد و بتواند با مشکلات موجود به ویژه در بخش کتاب و صنعت نشر مبارزه کند. از دلایل افزایش ارتقای سطح کیفی بیست و دومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران می توان به برنامه ریزی سریع شورای سیاستگذاری آن بلافاصله پس از پایان یافتن نمایشگاه دوره قبل اشاره کرد. در حال حاضر شاهد شروع فعالیت برای برگزاری هر چه بهتر بیست و سومین نمایشگاه بین المللی هستیم.

نمایشگاه کتاب به لحاظ حجم، تعداد گسترده غرغه ها، درسی امین سالگره دانه انقلاب اسلامی بیانگر این است که مردم به فرهنگ کتاب و کتابخوانی گرایش بسیاری پیدا کرده اند. این استقبال نشان می دهد که ایرانی ها به کتاب علاقه مندند.

گزارشی

علی علی پور



گزارشی از برنامه ها و فعالیت های بخش بین الملل نمایشگاه کتاب تهران

اینجا نمایشگاه بین المللی است



تهران در اردیبهشت ماه هر سال، شاهد بزرگ ترین رویداد فرهنگی کشور و یکی از بزرگترین رخداد های فرهنگی خاورمیانه است. این رخداد بزرگ فرهنگی و به تعبیر مقام معظم رهبری باشگاه بزرگ فرهنگی، چیزی نیست جز نمایشگاه بین المللی کتاب تهران که اگر آن را یک پدیده بزرگ فرهنگی بنامیم، تا یک فعالیت فرهنگی، به بیراهه نرفته ایم. زیرا معیارها و ویژگی هایی که در این نمایشگاه به چشم می خورند در مواردی بی نظیر و در مواردی کم نظیرند. ویژگی هایی چون انبوه جمعیتی که از سنین مختلف و از نقاط مختلف کشور خودشان را به نمایشگاه می رسانند تا پاسخگوی نیاز مندی های فکری روحی خود باشند، حجم وسیعی از جدیدترین آثار علمی و دانشگاهی که در سراسر دنیا منتشر می شود، حفظ و رعایت شئونات فرهنگی کشور، انجام همزمان طیف گسترده ای از برنامه ها و فعالیت های فرهنگی و ...

بین بخش های متنوع و گسترده نمایشگاه، بخش بین المللی از جایگاه ویژه و بااهمیتی خاص برخوردار است، زیرا بین المللی بودن نمایشگاه مرون برپایی این بخش است؛ جایی که در آن کتاب خارجی، ناشر خارجی، نویسنده خارجی، چهره های فرهنگی خارجی و مسؤولان فرهنگی دولت ها حضور دارند. همین تنوع موضوع و شرکت کننده موجب می شود برنامه های مختلفی در این بخش وجود داشته باشد که از آن جمله می توان به نمایش و فروش کتاب های خارجی به صورت یارانه ای، فروش کتاب های خارجی بدون یارانه، برگزاری نشست های عمومی از سوی برخی شرکت کنندگان در سرای اهل قلم، برگزاری نشست های تخصصی در بازار جهانی کتاب، انجام ملاقات ها و مذاکرات تخصصی در غرفه های خارجی، آشناسدن بازدید کنندگان با فرهنگ و زبان دیگر کشورها در غرفه های دولتی و مانند آن اشاره کرد. به عنوان نمونه و از فعالیت های قابل توجه در بازار جهانی دوره گذشته، برپایی نمایشگاهی از آثار تصویرگران کتاب کودک به ویژه تصویرگران جوان در بازار جهانی بود که فرصتی برای معرفی آثار خود به بازارهای جهانی در اختیار آنان قرار می داد. همچنین در این دوره برخی ناشران از جمله نشر شاهد، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) و انتشارات علمی - فرهنگی موفق به انجام مذاکرات اولیه با طرف های خارجی و حتی فروش حق انتشار آثار خودشان شدند.

البته نباید از قسمت «E-BOOK» (منظور از E-BOOK فروشیگاهی برای عرضه لوح فشرده و نرم افزار نیست، بلکه فروش متن کتاب به صورت فایل یا پرینت توسط ناشر اصلی یا نماینده رسمی آن مد نظر است.) هم در بخش بین المللی به سادگی گذشت، قسمتی که هر چند کاملاً نوپا و در ابتدای راه خود است، ولی با در نظر گرفتن نقش فزاینده و جایگاه روبه رشدی که خدمات الکترونیکی و online در سراسر دنیا به خود اختصاص داده و صنعت نشر نیز خواهی نخواهی در این مسیر قرار گرفته یا خواهد گرفت، باید مورد توجه دولت از یک سو و دست اندرکاران صنعت نشر از سوی دیگر، قرار گیرد. چرا که این قسمت در نمایشگاه بیست و دوم اعلام موجودیت کرده و قرار است برای نمایشگاه آتی گسترده تر برگزار شود.

جزوه اطلاعات و مقررات بخش بین الملل معمولاً با پشت سر گذاشتن یک دوره از نمایشگاه کتاب تهران، شورای سیاستگذاری نمایشگاه جلسات را برای نمایشگاه بعد شروع می کند و طی چندین جلسه، با در نظر گرفتن مقتضیات جدید و استفاده از

نظرات دریافت شده در دوره قبل، مقررات جدید نمایشگاه را تعیین می کند که تصویب مقررات بخش بین الملل به دلیل ضرورت تسریع در چاپ بروشور و توزیع آن در بین علاقه مندان خارجی در اولویت قرار دارد.

برای دوره بیست و سوم، جزوه اطلاعات و مقررات بخش بین الملل به زبان انگلیسی پیش از زمان برگزاری نمایشگاه بین المللی فرانکفورت به چاپ رسید که مطابق سنت سال های اخیر، توزیع جزوات نیز در همین نمایشگاه آغاز شد. نکته مهم این که چاپ جزوات، در هشت ماه پیش از برگزاری نمایشگاه، امری برجسته و مهم به شمار می رود، زیرا برای شرکت کنندگان، فرصت کافی وجود دارد تا ضمن مطالعه دقیق مقررات در زمان مقتضی، ثبت نام کنند، فهرست کتاب ها را ارسال و نسبت به ارسال بارها اقدام کنند و در نهایت در صورت حضور مستقیم در نمایشگاه ویزای خود را به موقع بگیرند. نکته دیگر این که امسال پس از چند دوره مقررات سالن ریالی نمایشگاه همراه فرم های مربوطه به زبان عربی نیز تهیه شده است.

مقررات عمومی

بخش بین الملل نمایشگاه کتاب تهران دارای چند سالن است که در هر یک به فراخور موضوع و محتوا، فعالیت جداگانه ای به انجام می رسد. نخستین سالن، سالن یارانه ای یا سالن A است و منظور از آن عرضه کتاب های جدید علمی با استفاده از ارز یارانه ای است. دانشجویان و استادان دانشگاه ها، طلاب حوزه های علمیه و استادان آنها، کتابخانه های نهادها، مراکز و موسسات دولتی و برخی سازمان های دیگر، مشمول استفاده از سهمیه یارانه ای اختصاص یافته برای کتاب هیند. البته قرار گرفتن یک کتاب خارجی در این سالن مستلزم برخوردار بودن از شرایط متعددی است که جدید و چاپ اول بودن و نیز دارا بودن محتوای علمی از آن جمله است.

سالن دوم، سالن فروش مستقیم یا سالن B است که از آن به سالن ریالی نیز یاد می شود. این سالن به آن منظور طراحی و راه اندازی شده که کتاب های خارجی که امکان عرضه در سالن A را به دلیل محدودیت های موجود در این قسمت ندارند، به صورت مستقیم و با ارز آزاد به علاقه مندان عرضه شود که از نظر سال نشر کتاب ها و هم از نظر محتوای آنها، محدودیت کمتری دارد و در نتیجه تعداد عناوین عرضه شده در این قسمت، خیلی بیشتر از سالن A است. رعایت ضوابط عمومی ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران در ارائه کتاب ها در این دو سالن و سالن هایی که در ادامه

تشریح می شود، ضروری است.

سالن سوم سالن C است که به صورت متمرکز و با استفاده از تخفیف ویژه در اختیار سفارخانه ها، نمایشگاه های بین المللی کتاب اتحادیه ناشران خارجی و غرفه های ملی قرار می گیرد.

بازار جهانی کتاب ایران با سالن D چهارمین قسمت از اجزای بخش بین المللی نمایشگاه کتاب تهران است، در این سالن به صورت تخصصی به چگونگی حضور کتاب های ایرانی و در بازار های جهانی و رفع مشکلات و موانع مربوطه پرداخته می شود، لذا مجموعه ای از کتاب های ناشران ایرانی برای عرضه در بازار های بین المللی مناسبند، توسط آنان به نمایش درمی آید. انجام نشست های تخصصی و کارگاه های آموزشی نیز از دیگر فعالیت های این سالن است.

آخرین قسمت بخش E-BOOK یا نشر الکترونیک است که در آن، ناشران، موزعان و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی که آثار خود را به صورت الکترونیک یا به صورت آنلاین عرضه می کنند می توانند به طور مستقیم با ارائه برگ نمایندگی رسمی از ناشر اصلی غرفه بگیرند.

شرکت کنندگان در بخش خارجی نمایشگاه کتاب می بایست تغییراتی را که در مقررات امور بین الملل، با توجه به مقتضیات جدید، اعمال شده است، مد نظر داشته باشند از جمله این تغییرات ضوابط مربوط به تاریخ هاست که در مورد کتاب های عرضه شده در سالن یارانه ای، ویراست اول بودن، متعلق بودن به سال ۲۰۰۸ و بعد از آن و در مورد سالن ریالی با شرط ویراست جدید بودن ۲۰۰۶ و بعد از آن شرط حضور است. همچنین بنا بر مصوبات جدید شورای سیاستگذاری نمایشگاه، شرکت کنندگان می توانند در بخش بین الملل، تنها کتاب هایی را عرضه کنند که کشور مبدأ به چاپ رسیده باشند. به عبارت دیگر، نمایش و فروش کتاب هایی که در یک کشور منتشر شده و در کشور دیگر (به غیر از ایران) به چاپ رسیده است، مجاز نیست. البته نمایشگاه در چاپ کتاب های خارجی در جمهوری اسلامی ایران استقبال می کند. از دیگر مصوبات جدید، ضرورت تجهیز و تکمیل غرفه های بخش خارجی تا پایان روز سیزدهم اردیبهشت (دوروز پیش از افتتاح) و حضور تمام مدت غرفه داران در غرفه های خود در روز چهاردهم است. ثبت نام بخش بین الملل در محل اداره کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی آغاز شده است و براساس تاریخ های مشخص شده در جزوه اطلاعات و مقررات ادامه خواهد داشت.



ترجمه و انتشار کتاب «هنر جهانی پانتومیم» بهانه‌ای شد تا پای صحبت‌های کمال‌الدین شفیعی، مترجم، بازیگر، کارگردان و مدرس تئاتر بنشینیم. این کتاب، گفت‌وگوی مفصل هربرت ایه‌رینگ با مارسل مارسو است که نشر پژواک کیوان آن را منتشر کرده است. شفیعی تا مقطع دکتری در آلمان تئاتر خوانده و سال‌هاست که در ایران به عنوان مدرس، پژوهشگر، منتقد و خبرنگار تئاتر فعالیت می‌کند. شفیعی در زمینه تئاتر کودک و نوجوان و تئاتر معلولان چند سال فعالیت تخصصی داشته است. او اکنون در تالار شماره یک تماشاخانه ایرانشهر در نمایش اتلوی ویلیام شکسپیر به کارگردانی حمید مظفر بازی می‌کند.

گفت‌وگو با کمال‌الدین شفیعی، مترجم

اسطوره‌های ایرانی را به پانتومیم ترجمه کنیم

به اجرا نزدیک کنند. خوشبختانه پانتومیم برخلاف تئاتر نیاز به هیچ وسیله و امکاناتی ندارد، پس در هر جایی می‌توان از آن استفاده کرد. این کتاب نیز می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

آیا مادر ایران هنرمندانی داریم که پیر و مارسل مارسو باشند؟

ما چنین افرادی را نداریم. برجسته‌ترین میم کارهای جهان در فرانسه و در کلاس‌های مارسل مارسو یا شاگردانش پرورش یافته‌اند.

با توجه به تخصص و سابقه‌تان که در زمینه تئاتر کودک و معلولان داشته‌اید، پانتومیم برای کودکان، معلولان و ناشنوایان چقدر اهمیت دارد؟

سال‌هاست که در مهد کودک به کودکان درس می‌دهم. بزرگ‌ترین پانتومیم کارهای دنیا کودکان هستند. به چهره نازنین آنها نگاه کنید، آنها هر چیزی را با حرکات بدن و چهره بیان می‌کنند و شما حیرت می‌کنید.

در میان معلولان هم برخی مشکل گفتاری دارند و از طریق حرکت منظور خود را می‌رسانند. به همین دلیل آموزش پانتومیم برایشان بسیار مفید است. در بهزیستی، من به اتفاق سرکار خانم فاطمه فخری در حال نوشتن جزواتی هستیم تا مربیانی را برای تعلیم تئاتر در تمام مراکز بهزیستی سراسر کشور آماده کنیم. قرار است یک کتاب همراه یک سی‌دی آموزشی را برای این منظور آماده کنیم. تاکنون آقای هانف یک کتاب و سی‌دی آموزشی موسیقی را برای مربیان بهزیستی آماده کرده است. ما هم درصدد هستیم تا برای آموزش تئاتر بکوشیم. پانتومیم به تمام معلولان آموزش می‌دهد تا با اعتماد به نفس با دیگران ارتباط برقرار کنند.

بازتاب کتاب هنر جهانی پانتومیم تاکنون چگونه بوده است؟

دانشجویان استقبال خوبی از آن کرده‌اند. ناشر هم از آن راضی است. الان کتاب را برای چاپ دوم آماده می‌کنیم و به آن یک سی‌دی از پانتومیم‌های مارسل مارسو هم افزوده می‌شود. اسماعیل جعفری مدیر نشر پژواک کیوان خود از فارغ‌التحصیلان تئاتر دانشکده هنرهای دراماتیک است. او آدم بسیار فرهیخته‌ای است و دلش نمی‌خواهد که کتاب کیلویی دربیارد. بلکه با دقت و ظرافت دوست دارد تا کتاب‌های مطلوبی را در اختیار علاقه‌مندان به هنر قرار دهد. این ناشر قرار است منابع آلمانی دیگری را تهیه کند تا من آنها را برای علاقه‌مندان به تئاتر کودک ترجمه کنم.

این روزها در حال ترجمه چه کتاب‌هایی هستید؟
ترجمه «اودیوس شهریار» سوفوکل را به پایان رسانده‌ایم. من آن را به کمک یکی از دوستان ترجمه کرده‌ایم و ما آن را از آلمانی ترجمه کرده و با ترجمه انگلیسی پیکارد تطبیق داده‌ایم. پیکارد از بهترین مترجمان انگلیسی متون یونان باستان است. بنابراین سعی کرده‌ایم به اصل متن نزدیک‌تر شویم تا این که بخواهیم چیزی به آن اضافه کنیم. امیدوارم که این کتاب به نمایشگاه کتاب سال آینده برسد.

چه ناشرانی در زمینه کتاب‌های تئاتری موفق‌تر عمل کرده‌اند؟

نشر قطره یکی از موفق‌ترین‌هاست. من قبلاً هم درباره فعالیت‌های نشر قطره در حوزه تئاتر مقاله‌ای نوشته‌ام که در مجله کلک چاپ شد. ترجمه و تالیفات مطلوبی توسط این نشر در اختیار تئاتری‌ها قرار گرفته است.



هم به همین دلیل موافق با انتشار آن همراه با کتاب هستم.

درباره جایگاه پانتومیم در ایران بگویید و این کتاب تا چه اندازه می‌تواند به شناخت بهتر آن کمک کند؟
خودتان بهتر در جریان اوضاع تئاتر هستید، پانتومیم هم یکی از اشکال هنرهای نمایشی است. متأسفانه برای تعلیم و تربیت میم کسی را نداریم. کسی را نداریم که صرفاً تئاتر گفتاری را کنار بگذارد و فقط سراغ میم و میم‌ودرام برود. بعد به عنوان یک حرفه با آن کار کند. دوستانی هم که کمابیش در این عرصه فعالیت کرده‌اند، در جایگاه درست و حسابی قرار نگرفته‌اند تا آن‌را تعلیم دهند. خوشبختانه مازمینه‌های آن را در شعر، افسانه و داستان‌هایمان داریم. مثلاً در دوازده رخ شاهنامه فردوسی سناریویی هست که برای بیان آن احتیاجی به کلام نیست. ما هنوز به این جایگاه نرسیده‌ایم که بخواهیم فقط با تصویر هنر خود را بیان کنیم. نمی‌توانیم در این باره به خودمان دروغ بگوییم یا بخواهیم قضیه را ماست مالی بکنیم. چون هنرمندان ما در زمینه پانتومیم به طور جدی و پیوسته کار نکرده‌اند. هر که آمده به طور مقطعی بوده است. بنابراین وضعیت چندانی برای میم و پانتومیم در ایران نداریم.

فایده فراگیری پانتومیم برای جامعه چیست؟

پانتومیم هنری است که در ارتباط برقرار کردن با همگان بسیار موفق است. ما حتی در دور افتاده‌ترین روستاها هم می‌توانیم از پانتومیم بهره‌مند شویم. ما در ایران هنرهایی مانند نقالی، پرده خوانی... داشته‌ایم که تصاویری را به مخاطبان خود القا می‌کرده‌اند. برای آن که بتوانیم پانتومیم را در ایران عمومی کنیم، ابتدا باید در دانشکده‌های تئاتری آن را به دانشجویان آموزش بدهیم. بعد از آن می‌توانیم مربیانی داشته باشیم که در سراسر ایران به تعلیم هنر پانتومیم بپردازند.

فکر می‌کنم پانتومیم هم مثل علم پزشکی، علاوه بر مباحث نظری، کاملاً وابسته به کارگاه عملی باشد و باید با آموزش‌های عملی آن را مطرح کرد. این کتاب تا چه اندازه در این عرصه کاربرد دارد؟

بله، همین‌طور است. رکن‌الدین خسروی هم زمانی که در دانشکده هنرهای زیبا کارگردانی تدریس می‌کرد، اصلاً جزوه نمی‌گفت. بلکه دانشجویان را در یک کارگاه با کارگردانی یک متن آشنا می‌کرد و بعد دست‌تک آنها را می‌گرفت تا آنها هم بتوانند هر متنی را

بنیان‌گذاران تئاتر مدرن قرن بیستم مانند استانیسلاوسکی است. دکرو، هم استاد پانتومیم و معتقد بود که صورت نباید کاری بکند بلکه بدن خود تمام حرف و سخن‌ها را باید منتقل کند. او در این کلاس با ژان لویی بارو هم‌کلاس شد. در بیست و چهار سالگی «موسیو بیپ» را نوشتند که دارای یک پیراهن راه‌راه و کلاهی با یک شاخه گل سرخ بر سر و صورتی مثل گچ سفید است. این شخصیت نزدیک به شش دهه همراه با مارسل مارسو بود. مارسل توسط این تیپ مراحل تولد، رشد، بلوغ و مرگ را ظرف چند ثانیه بازی کرد.

برشت اجرای مارسل در برلین را می‌ستاید. او در سال ۱۹۷۸ مدرسه‌ای را پایه‌گذاری می‌کند و در آنجا بسیاری از پانتومیم‌کاران دنیا را تربیت و پرورش می‌دهد. مارسل مارسو پس از هشتاد و چهار سال زندگی در ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۷ از دنیا رفت.

خودتان هم از نزدیک آشنایی قبلی با مارسل داشته‌اید؟
بله، زمانی که من در آلمان تحصیل می‌کردم، افتخار شاگردی ایشان را پیدا کردم. من پس از پایان کلاس به او تقاضای یک گفت‌وگوی مفصل دادم. او به من گفت که گفت‌وگو برای چه؟ و به من پیشنهاد همین کتاب را داد که ایه‌رینگ با او گفت‌وگوی مفصل و جامعی کرده بود. زمانی که ترجمه کتاب را دو سال پیش تمام کردم، به او زنگ زدم تا اجازه انتشارش را بگیرم. او از من پرسید که به لحاظ کپی‌رایت سهم من برای نشر آن چقدر می‌شود. من هم گفتم فقط یک یورو. او خندید و گفت: من همان را به تو می‌بخشم. در سال‌های پیش مارسل مارسو به ایران آمده بود.

در جریان آن هستید؟
بله، دو بار آمده بود. حتی در دانشکده هنرهای دراماتیک هم سر کلاس دانشجویان رفته و با آنها صحبت کرده بود. یکی از ویژگی‌های درخشان مارسل مارسو این است که بدون آن که زبانی را بداند، ارتباط حسی و عاطفی برقرار می‌کرد و با تصویر همه چیز را برای مخاطبش گویا می‌کرد. یک فیلم سی‌دی از هنر پانتومیم مارسل مارسو از طریق یکی از دوستان پیدا کرده‌ام که فکر می‌کنم برای همه دیدن دارد.

فکر نمی‌کنید آن را می‌توانید همراه کتاب فعلی منتشر کنید؟
در این فیلم که ۱۶ میلی‌متری است و ما آن را تبدیل به سی‌دی کرده‌ایم، ۱۵ دقیقه پانتومیم است که شامل ۱۰ تا ۲۰ اثر کوتاه می‌شود. مجموعه‌ای زیباست. من

هربرت ایه‌رینگ از چه اعتباری برخوردار است که با مارسل مارسو جهانی به گفت‌وگوی گسترده نشسته است؟

او یکی از بهترین منتقدان تئاتر در آلمان است که از دهه ۲۰ میلادی تا دم مرگش به کار تئاتر مشغول بود. او برشت را به دنیا معرفی و از او حمایت کرد. ایه‌رینگ دانایی شگفت‌آوری دارد. او پس از پایان جنگ جهانی دوم، با مارسل مارسو فرانسوی گفت‌وگو کرد. در این گفت‌وگو به جایگاه هنر پانتومیم در میان هنرها، ارتباط میان پانتومیم و میم، تکنیک‌های پانتومیم و چگونه بدون کلام پیام انسانی را القا کنیم و غیره پرداخته است. مارسل مارسو در آن سال‌ها با برشت و همسرش و تئاتر آنسامبل آشنا شده بود و خیلی دلش می‌خواست که برشت برایش یک میم‌ودرام بنویسد. همچنین درباره ایه‌رینگ باید بگوییم که او از سال ۱۹۱۴ به عنوان دراماتورژ و کارگردان در وین کار می‌کرد. بعد از پایان جنگ جهانی اول دوباره در برلین در نشریه برلیندر بورزن کوریر به نوشتن نقد و بررسی‌های تئاتری پرداخت. در نود و چهار سالگی و در ژانویه ۱۹۷۳ در برلین زندگی پرپارش به پایان رسید.

چرا کتاب «هنر جهانی پانتومیم» را برای ترجمه و نشر انتخاب کردید؟

متأسفانه در ایران در دانشکده‌های تئاتر آنچه راجع به پانتومیم و میم گفته می‌شود، اصلاً به لحاظ علمی درست نیست. آنها نمی‌دانند که پانتومیم و میم به هفت یا هشت سال تجربه مدام در کنار استادان این رشته نیاز دارد. از سوی دیگر کسانی که کتاب‌های تئاتری را ترجمه کرده‌اند، اکثراً با تئاتر آشنایی نداشته‌اند و برای همین زبان تئاتر را نمی‌شناسند. من سعی‌ام این است که اصطلاحات خاص تئاتر را با زبان ساده از آلمانی به فارسی برگردانم بنابراین خیلی از اصل کتاب دور نشده‌ام.

چه کسانی مخاطب حقیقی این کتاب خواهند بود؟
من کتاب را بیشتر برای دانشجویان تئاتر در نظر گرفته‌ام. الان با زحمات مهندس فیاض، ترجمه‌های کاربردی زیادی در نشر قطره ترجمه می‌شود تا در اختیار دانشجویان قرار بگیرد. من هم بر آن هستم تا کتاب دوجلدی میرهولد و تئاتر بیومکانیک او را بعد از ترجمه در اختیار دانشجویان قرار دهم چون در زمینه بیومکانیک هم منابع غلطی ترجمه شده است. بنابراین هدف عمده‌ام برقراری ارتباط درست و علمی با دانشجویان است.

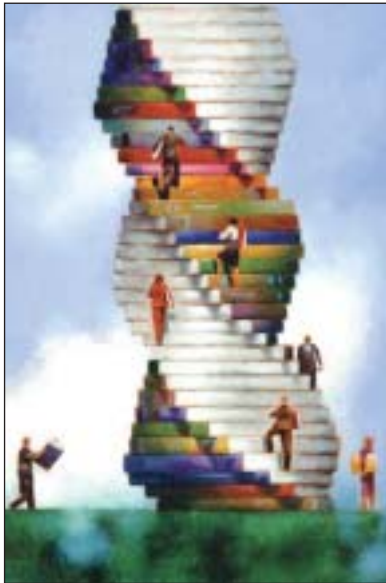
اگر بخواهیم مارسل مارسو را به خوانندگانی که برای اولین بار درباره‌اش مطلبی می‌خوانند، معرفی کنیم، شما درباره‌اش چه خواهید گفت؟

او در سال ۱۹۲۳ در شهر استراسبورگ فرانسه به دنیا آمد. از همان نوجوانی دوست داشت که کمتر از گفتار کلامی استفاده کند و منظورش را با بیان میمیک و ژست برساند. او تحت تأثیر چارلی چاپلین و باستر کیتون بود. در زمان جنگ جهانی دوم، گشتاپو پدرش را دستگیر کرد و به قتل رساند. مارسلو به نهضت مقاومت فرانسه پیوست و نام خانوادگی‌اش را از مانژل به مارسلو تغییر داد. در این دوره تحت تعقیب گشتاپو قرار گرفت و همین موضوع او را بسیار با هنر سکوت کردن آشنا می‌سازد.

او در ۱۹۴۶ پایان جنگ به آموختن هنرهای نمایشی پرداخت. مارسلو به تئاتر سارا برنارد رفت و تحت آموزش شارل دولن و اتین دکرو قرار گرفت. دولن یکی از بزرگ‌ترین کارگردان‌های فرانسوی و از

تأملی در «کوگیتو و تاریخ جنون»

دست در تاریخ و جست و جوی جنون تبعدی



انتشارات سمت منتشر شده است. دریدا نخست می پرسد آیا تفسیری که فوکو از قصد و منظور دکارت ارائه می کند موجه است؟ سپس می پرسد آیا این تفسیر، آن معنای تاریخی را که می خواهیم به آن نسبت دهیم داراست یا خیر؟ و ادامه می دهد که «آیا در پرتو قرائت دوباره کوگیتو دکارت... نمی توان بعضی از پیش فرض های فلسفی و روش شناختی این تاریخ جنون را موضوع چون و چرا قرار داد؟» دریدا معتقد است می اندیشم (کوگیتو) دکارت، «تجربه ای است که وقتی نوک آن به تیزترین حد خود می رسد، چه بسا کمتر از تجربه جنون پرماجرا، مخاطره آمیز، معماوار، ظلمانی و بیمارگونه نباشد» و احتمالا، در حق جنون، بسی کمتر از آنچه فوکو ظاهرا می پندارد، مخالف و متهم کننده، و منفعل کننده است. مقاله ۷۰ صفحه ای دریدا، عمدتا شرح و توضیح این سرخ های اولیه است. به گفته او، فوکو با نوشتن «تاریخ جنون»، می خواسته تاریخ خود جنون را بنویسد؛ بدین معنا که به جنون این فرصت را بدهد که خود، از خود سخن بگوید. پس یکی از مشهورترین ایرادهای دریدا به این روند آن است که فوکو که می خواهد جنون را به سخن گفتن وادارد، خود در نوشتن تاریخ جنون، از زبان عقل استفاده می کند؛ و مگر می شود جنون به زبان دکارت سخن بگوید؟ دریدا می گوید فوکو جنون را به سخن گفتن نیانگیزد؛ بلکه با زبان همان علم روان شناسی از زبان جنون سخن می گوید که به گفته خودش، جنون را متلاشی ساخته و مجبوس کرده است. فوکو به زبان همان روان شناسی از جنون سخن می گوید که یکی از مهم ترین نتایج عقل دکارتی است. درحالی که فوکو در «تاریخ جنون» ش می نویسد که جنون، «تجربه ای است در زمینه زبان؛ تجربه ای که در آن انسان با حقیقت اخلاقی خود، با قواعد مناسب با سرشت و حقیقت خود روبه رو می شود.»

فوکو و پاسخ به دریدا

نخستین اشکالی که فوکو به نقد دریدا می گیرد این است که کل متن ششصد و پنجاه صفحه ای او را به آن سه صفحه نقد کوتاهی که بر تاملات دکارت نوشته، محدود کرده است. فوکو سه اصل موضوعه را در تفکر دریدا تشخیص می دهد و با نقد آن سه اصل، کار موضع گیری دریدا را زیر سوال می برد. این، خط اصلی پاسخ فوکو در متن مقدماتی «پاسخ به دریدا» است. پاسخ مشروح او، در «تن من، این کاغذ، این آتش»، پیچیده تر است. فوکو بخشی از تاریخ جنون را که به نظر او نوک پیکان نقد دریدا را به آن بوده، نقل می کند. سپس بخشی از نقد دریدا را که حاصل خوانش او از فلسفه دکارت است بر پیشانی مطلبش می نشاند و بلافاصله، به نقد خوانش دریدا از فلسفه دکارت می نشیند. نقطه شروع او در این بخش، به پرسش کشیدن این فرض دریدا است که چیزی پیش و خارج از گفتار فلسفی وجود ندارد. فوکو می پرسد: آیا ممکن نیست طرد، نفی، خطری پرهیز شده، و چه بسا ترس، زمینه و بنیاد این گفتار (گفتار فلسفی) باشد؟ به باور فوکو، دریدا با شدت و حدت تمام حکم می کند که چنین فرضی ممکن نیست؛ حال آن که فوکو، با اصطلاحات خاص فلسفه نیچه که بسیار از او متأثر بود، تاکید دارد که این طرد و نفی، «خاستگاه شرمبار» فلسفه و دست کم فلسفه دکارت است.

«کوگیتو و تاریخ جنون» در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و ۱۱۱ صفحه، با برگردان فاطمه ولیانی از سوی نشر هرمس منتشر و به قیمت ۲۰۰۰ تومان عرضه شده است.

«می اندیشم پس هستم» (به لاتین: کوگیتو ارگو سام) باشد، پاره ای از کیفیات جهان انسانی را طرد کرد؛ و یکی از این کیفیات، دیوانگی بود. فوکو که دکارت را از سر آمدان عصر کلاسیک اندیشه غرب می شمارد، در آغاز «حبس بزرگ» می نویسد: «عصر رنسانس هر چند بدون خشونت جنون را مهار کرد، به آن مجال داد آزادانه ابراز وجود کند. عصر کلاسیک اما با اعمال زوری غریب، صدای آن را خاموش کرد.» وقتی او از عصر رنسانس می گوید، نگاه به همان ارجمندی دیوانگی در نظر نویسندگانی چون اراسموس و برانت، و هنرمندانی چون هیرونیموس بوش دارد؛ اگر چه نمودهای عینی این ارجمندی، امروز به نظر ما چندان دلپذیر نیاید؛ چون در عصر رنسانس، رسمی بود که دیوانه ها را بر کشتی یا قایقی سوار می کردند و در مسیر رودخانه های اروپا رها می کردند تا به جست و جوی عقل و خرد بروند؛ همان رسمی که الهام بخش سبستین برانت در «کشتی دیوانه ها» شد. به این پاره از «حبس بزرگ» توجه کنید: «... دکارت این یقین را حاصل کرده و در آن استوار است: ممکن نیست جنون به او مربوط باشد. فرض نامعقول بودن، نامعقولی است. جنون به منزله تجربه و تمرین تفکر ابرای رسیدن به شک خود، مستلزم خود خواهد بود؛ و بنابراین خود، خود را از برنامه [شک] به کنار می نهد.» همین عقل است که بی درنگ خود را به صورت نظریه حساب دیفرانسیل نیوتن، قانون جاذبه، پژوهش های نوری هویگنس و «اخلاق» اسپینوزا نشان می دهد. عنوان «توقیف بزرگ»ی که فوکو به تاسیس بیمارستان عمومی در ۱۶۵۶ اطلاق می کند، می تواند در ردگیری بنیان های عاطفی اندیشه او موثر باشد؛ چرا که او در کتاب دیگری، به مساله زندان اشاره دارد و به ویژه اختراع جرمی پیشرفته با نام «پانوپتیکون» را به نقد می نشیند. به باور فوکو، عقلی که دکارت از آن سخن می گفت، محصورکننده و درعین حال، مسحورکننده است. از سویی بخش مهمی از جامعه بشری را در زندان مجبوس می کند و از سوی دیگر، آدم عاقل را با پیشرفت های علمی و دیگر نمودهایش، شیفته عملکرد خود می سازد.

دریدا و کوگیتو

آنچه با عنوان «حبس بزرگ» در کتاب «کوگیتو و تاریخ جنون» منتشر شده، درواقع تأملی فوکویی است بر بخشی از نخستین تأمل کتاب معروف «تاملات» دکارت؛ کتابی که در ایران با برگردان احمد احمدی زیر عنوان «تاملات در فلسفه اولی» از سوی

معروف ترین این متفکران، مارتین لوتر، پیشوای نهضت اصلاح دینی (پروتستانسزم) است که در قرن پانزده (۱۵۴۶) زاده شد و تا نیمه قرن شانزده (۱۵۴۶) زندگی کرد. دیگری، سر تامس مور (۱۵۳۵ - ۱۶۳۸)، چون لوتر، میراث قرن پانزده بود - تامس مور که با سکوتش، به هنری هشتم رخصت داد استقلال کلیسای اسقفی بریتانیا را از کلیسای کاتولیک اعلام کند؛ و سرانجام به حکم اسقف اعظم کانتربوری، کرانمر معروف، کشته شد. آنچه در اندیشه همه این متفکران مشابه است، فاصله گرفتن از آموزه های کلیسایی است.

اراسموسی که در قرن شانزده در خانه سر تامس مور، «در ستایش دیوانگی» می نوشت و ملقب به «شاهزاده انسان گرایان» بود، دست کم در آغاز کار، همان راهی را می رفت که چند هزار کیلومتر آن طرف تر، مارتین لوتر، پیشوای نهضت اصلاح دینی کلیسا می رفت؛ گو هر چه هم که با هم، بعدها، اختلاف نظر پیدا کرده باشند و این اختلاف میان اصلاح دینیان و او مانع است که در ۱۵۲۵، به او ح رسیده باشد. وقتی سبستین برانت، شش سال مانده به قرن شانزده «کشتی دیوانه ها» را نوشت و چند سال بعد، شعر او الهام بخش هیرونیموس بوش شد تا تابلوی «کشتی دیوانه ها» را بیافریند، «دیوانگی» به عنوان طغیانی «خود - ویژه» علیه تفتیش عقاید کلیسایی، در اثر هر دو آنها همان نقشی را داشت که نقد جوردانو برونو بر آن نظام فاسد داشت؛ نقدی که برونو را در آغاز قرن شانزده به کام آتش فرستاد.

فوکو بر این مسائل دست می گذارد و می پرسد چه شد که این روند به جایی رسید که در ۱۶۵۶، شاه فرانسه نخستین بیمارستان عمومی را تاسیس کرد و دیوانه ها را در کنار فقرا و تهیدستان به جایی تبعید کرد که پیش از آن، پناهگاه ناچار و ناگزیر جذامیان بود؟ فوکو به این حرکت دستگیری گسترده، عنوان «توقیف بزرگ» می دهد.

دکارت چگونگی می اندیشید که به خود اجازه داد دیوانگی را از حوزه عقل طرد کند؟ حال آنکه تا پیش از انتشار آرای او، دیوانگی نه به عنوان کیفیتی معارض عقل که مرتبه ای از مراتب عقل محسوب می شد؛ این است که فوکو می گوید عقل و دیوانگی محصول فرایندهای تاریخی اند و نه مقولات عینی جهان شمول. او با تکیه بر معرفت شناسی خاصی که خود بانی و معرفش بود، اعلام می کند که رویدادهای مادی در نسبت مستقیم با اندیشه و نظری هستند که پیش زمینه آنها را تشکیل می دهد. به همین مناسبت، فوکو تشکیل بیمارستان عمومی را در سال ۱۶۵۶ یک رویداد مادی تعریف کرده و در پی اندیشه و نظری است که چنین رخدادی را موجب شده؛ اندیشه و نظری که آن را پیش از هر جا، در آرای رنه دکارت، پدر عقل نو می یابد.

دکارت و کوگیتو

به باور فوکو، فلسفه دکارت که معروف ترین و محوری ترین عبارت آن، جمله بسیار معروف

فوکو در آغاز «حبس بزرگ» می نویسد: عصر رنسانس جنون را مهار کرد، به آن مجال داد آزادانه ابراز وجود کند. عصر کلاسیک اما با اعمال زوری غریب، صدای آن را خاموش کرد

فوکو و دریدا، دو اندیشمند ساخت شکن فرانسوی که دومی خود را (گیریم به کنایه) شاگرد اولی می دانست، دو رهیافت فلسفی در اساس مشابه، ولی در نتایج به غایت متفاوت از یکدیگر داشتند. آن تقارن های دوتایی که دریدا در روش و اسازی خود از آنها سخن می گفت، در تحلیل فوکو خود را به صورت دو گانه «عقل - جنون» نمایان ساخته است. فوکو همان راهی را رفت که دریدا می خواست؛ کفه دیگر این دو گانه را که در طول تاریخ به گمان او مورد بی مهری واقع شده بود، پرنگ کرد و تلاش کرد تاریخ نوین اروپا را این بار نه از زاویه عقل دکارتی که از دریچه جنون بنگرد. با این حال، دریدا بر او تاخت. اختلاف در نتایج فلسفی این دو متفکر، شاید بیشترین جایگاه خود را در کتاب «کوگیتو و تاریخ جنون» نشان می دهد که فاطمه ولیانی آن را به فارسی برگردانده و نشر هرمس منتشرش کرده است.

درباره «کوگیتو و تاریخ جنون»

این کتاب در چهار بخش تنظیم شده است. توضیح این که پس از انتشار کتاب «تاریخ جنون» در سال ۱۹۶۱ که در واقع رساله دکترای فوکو بود. دریدا در یک جلسه سخنرانی در سال ۱۹۶۳، نقدهای خود را بر این کتاب ایراد می کند. بخش دوم «کوگیتو و تاریخ جنون»، متن همین سخنرانی است. اما پیکان حمله های دریدا به فوکو در این سخنرانی بیش از همه به سوی سه صفحه آغازین کتاب جنجالی «تاریخ جنون» نشانه رفته که البته در متن فارسی این کتاب هم که نشر هرمس سال ۱۳۷۷ منتشر کرده بود، این سه صفحه نیست. در نتیجه ولیانی آغازین بخش کتاب را به ترجمه این سه صفحه (با عنوان حبس بزرگ) اختصاص داده تا ماده خام لازم برای قضاوت نهایی را به دست خواننده داده باشد. پس از آن متن، نقد دریدا می آید که نام کتاب هم برگرفته از همان است. سپس دو پاسخ فوکو به نقد دریدا می آید: مقاله «پاسخ به دریدا» که در ۱۹۷۲ منتشر شد و متن نهایی این پاسخ که با عنوان «تن من، این کاغذ، این آتش» در همان سال (۱۳۷۲) به صورت ضمیمه ای بر چاپ دوم «تاریخ جنون» به چاپ رسید.

تاریخ و تحلیل فوکو از دیوانگی

قرن شانزده، صد سال قبل از ظهور گالیله و نیوتن و هویگنس، بنیانگذاران علم جدید، اروپا در گستره وسیعش با تغییرهایی عظیم در باورهای عمومی مواجه شد. درست در سال پایانی این قرن و سال آغازین قرن هفدهم، یعنی سال ۱۶۰۰، جوردانو برونو در رم سوزانده شد - یکی از آخرین نمودهای قدرت نمایی کلیسای کاتولیک که مرگ «نخستین شهید علم» را، آن طور که برخی می گویند، رقم زد. اما ناقوس مرگ تفتیش عقاید و باورهای صلب، دو سه سده ای بود که آرام آرام، و به تدریج محکم تر نواخته می شد. کپرنیک که در آخرین سال های نیمه نخست قرن پانزده به دنیا آمد و در آخرین سال های نیمه نخست قرن شانزده درگذشت، و تیکو براهه و کپلر (ستاره شناسان قرن ۱۶)، شرایط را برای ظهور گالیله و نیوتن و هویگنس و دکارت، آماده کرده بودند. جالب است که مهم ترین انقلابیون این زمان، ستاره شناس اند؛ انگار قرون وسطای اروپا با خدای کلیسایی اش، همه را از آسمانی که مدعی رابطه اش با آن بود به سطح زمین کشانده بود و حال، ستاره شناس ها را که سر رو به آسمان می کردند، رویه همان جایی که آنها قرن ها مدعی ارتباط خود با آن بودند، نخستین «مرتدان علمی» می خواند.

این نگاه به آسمان، باورهای ساکنان زمین را تغییر داد. قرن شانزده میلادی، اندیشمندانی داشت که برخی از آنها، میراث قرن پیش تر (قرن پانزده) بودند؛ ولی عقاید خود را عموما در قرن شانزده بروز دادند. احتمالا



مرتضی نادری دره شوری، فارغ التحصیل رشته تئاتر با گرایش ادبیات نمایشی به تازگی کتاب «درآمدی بر فلسفه و ادبیات» نوشته اوله مارتین اسکیلز را ترجمه کرده است. وی در پی پاسخ به سوال‌هایی مبنی بر خصوصیت دیرینه میان فلسفه با ادبیات یا شعر، تلاش افلاطون برای بیرون راندن شاعران و سرودخوانان از جمهوری آرمانی خود، دفاع ارسطو از شعر در برابر اتهامات استادش افلاطون و مفاهیمی چون «مایمیسیس» و «کاتارسیس»، مفهوم ادبیات متن، نظریه مولف و مرگ مولف، تفاسیر فلسفی از ادبیات و هرمنوتیک، تفاوت‌ها و تمایزات میان فلسفه ادبیات، نظریه ادبی و زیبایی‌شناسی ادبی که در دوران تحصیل نیز ذهن او را به خود مشغول کرده (بی‌آن که پاسخ آنها را بیابد) سراغ ترجمه چنین کتابی رفته و معتقد است، جای چنین کتابی در میان واحدهای درسی دانشکده‌های مرتبط با فلسفه و ادبیات خالی است؛ چراکه ویژگی‌های لازم برای تدریس در چنین کلاس‌هایی را دارد.

با مرتضی نادری دره شوری، مترجم «فلسفه و ادبیات» اثر اوله مارتین اسکیلز

دوروی یک سکه یا هر یک در حکم دیگری

گذشته از خود کتاب، مولف «فلسفه و ادبیات» یک مدرس ارشد گروه فلسفه در دانشگاه بگن است، ویژگی‌های نویسنده، اوله مارتین اسکیلز، و دیدگاه او درباره ادبیات، نظریه ادبی و فلسفه چیست؟ در واقع به غیر از همان معرفی مختصری که در کتاب هست حتی از طریق اینترنت هم، اطلاع چندان قابل عرضی درباره نویسنده پیدا نکردم. ولی راجع به این کتاب به روایت چندین مقاله و نقد می‌دانیم. بعضا به عنوان اولین و جامع‌ترین درآمد بر حوزه فلسفه و ادبیات معرفی شده است. از میان دیگر آثار این مولف می‌توان به مقالاتی چون «مضامین زمان پریشانه و ارزش ادبی» و «نقد نوشتار در فایدروس افلاطون» و کتاب «ادبیات و ارزش تفسیر: با توجه ویژه به طوفان و قلب تاریکی» اشاره کرد که به نظر می‌رسد نویسنده رویکردی پدیدارشناسانه به ادبیات و نیز فلسفه و رابطه این دو دارد.

ما به عنوان خواننده با جهان ذهنی خودمان که به هر حال نیتمند، تاریخ‌مند و مکان‌مند است، با جهان متن، خواه ادبی باشد یا فلسفی مواجه می‌شویم و برخورد و ادغام این جهان‌هاست که تفسیر و فهم ما از این متن‌ها را شکل می‌دهد. این رویکرد از سوی دیگر نظریه نهادی استین هائوگوم اولسن درباره ادبیات را نیز تأیید می‌کند؛ چراکه در نظریه نهادی نیز برقرار دادهای مشترک و افق انتظارات خواننده و مولف در ارتباط ادبی تأکید می‌شود. علاوه بر این درباره نظر نویسنده راجع به رابطه فلسفه و ادبیات نیز می‌توان نتیجه‌گیری‌هایی او مبنی بر این که «ما باید هم از این بیمناک باشیم که هرگونه تمایزی میان فلسفه و ادبیات را در هم بریزیم و هم از این بیمناک باشیم که آنها را به شدت از هم جدا بدانیم» را پاسخ سوال شما دانست.

در پایان انتظار و ارزیابی‌تان از رابطه میان فلسفه و ادبیات به عنوان مترجم کتاب چیست؟ آیا با آنچه ترجمه کرده‌اید موافقت می‌کنید؟

به عنوان مترجم کتاب تا حد زیادی با نویسنده این کتاب موافقم، اما باید بگویم انتظاری که من از فلسفه داشتم ارائه نظریه‌ای جامع و کامل بود تا بتوانم امور عمومی را با امور خصوصی در زندگی خودم بر اساس آن آشتی بدهم. یعنی بتوانم هم آن کسی باشم که خود می‌خواهم (خودآفرینی) و هم دیگران را به معنای واقعی کلمه درک کنم و با آنها باشم (همبستگی انسانی). اما مدت‌هاست متقاعد شده‌ام که در فلسفه هیچ نظریه‌ای در باب سرشت انسان، جامعه، عقلانیت یا هر چیز دیگر، وجود ندارد تا این دو وجه را با هم آشتی دهد. ریچارد رورتی در کتاب «پیشامد، بازی و همبستگی» می‌گوید به چنین هدفی نه با تحقیق که با تخیل می‌توان دست یافت. تأثیری که از فلسفه پراگماتیسم و به ویژه ریچارد رورتی پذیرفته‌ام باعث یک روی گردانی کلی از نظریه و روی آوری کلی به روایت در من شده است. به نظر ریچارد رورتی به هیچ وجه نمی‌توان پارا از دایره واژگان‌های گوناگون فراتر نهاد و به واژگان واحدی دست یافت که جامع همه واژگان‌های ممکن باشد. از این رو شاید فلسفه افلاطون یا کانت را بتوان واژگان یا ادبیات افلاطون یا کانت دانست که به هر حال یکی از واژگان‌های ممکن است. تصور من این است که نتایجی که اوله مارتین اسکیلز در این کتاب از مفروضات خود گرفته است، می‌تواند خود مفروضاتی باشند برای رسیدن به چنین نتایجی.



که معمولاً مسائل فلسفی به شمار می‌روند. اما فصل هشتم با عنوان «ادبیات/فلسفه» حکم نتیجه‌گیری را در این کتاب دارد. خصوصیت دیرین میان فلسفه و ادبیات امروزه به صورت روزافزون جای خود را به توافقی بر سر همزیستی این دو در قلمرویی واحد می‌دهد. جایگاه این کتاب در میان کتاب‌های نقد و نظریه ادبی و همچنین کتاب‌های فلسفه چگونه است؟ اتفاقاً نویسنده کتاب این امکان را هم مطرح می‌کند که ممکن است آنهایی که به ادبیات اشتغال دارند از جمله مولفان، ناشران و منتقدان بگویند آنچه در این کتاب تحت عنوان «فلسفه ادبیات» مطرح می‌شود همان نظریه ادبی است و می‌توان به راحتی آن را در حیطه مطالعات ادبی گنجانند، پس چرا فیلسوفان دست از سر آنان بر نمی‌دارند و آنها را به حال خود رها نمی‌کنند؟

در پاسخ ابتدا باید به رابطه میان نظریه ادبی و فلسفه ادبی با نقد ادبی اشاره کرد. پژوهندگان نقد ادبی عمدتاً به چگونگی در ادبیات علاقه مندند در حالی که نظریه ادبی حاصل علاقه‌ای فرآگیرتر به چرایی ادبیات است. اما هرگونه جدایی میان نظریه ادبی و فلسفه ادبیات معمولاً به جریانات تاریخی در محیط‌های آکادمیک مربوط است.

فلسفه ادبیات پیشینه‌ای دور و دراز دارد. آثار افلاطون و ارسطو راجع به شعر و تراژدی را می‌توان نقطه آغاز این سنت دانست. با ظهور زیبایی‌شناسی در خلال آثار بومگارتن در قرن هجدهم و تأکید و توجه به مسائل مربوط به ارزش‌گذاری و تاویل آثار هنری از جمله ادبیات و یا نقد سوم کانت، نقد قوه حکم، زیبایی‌شناسی به جریان غالب فلسفه پیوست. اما نظریه ادبی پدیدهای مربوط به قرن بیستم است. بحث‌ها درباره تاویل و ارزش‌گذاری آثار ادبی در قرن بیستم و به تدریج توسط پژوهشگرانی چون ریچارد دز، ویست و بردزلی، ولک و وارن وارد جهان آکادمیک شد اما با تحولات بنیادین در دانشگاه‌ها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود که جریان‌های روشنفکری در قاره اروپا مثل تحلیل روانکاوانه، مارکسیسم، فمینیسم و اندیشه‌های ساختارگرایانه و پس‌ساختارگرایانه به تدریج نظریه ادبی را تحت تأثیر قرار دادند. خلاصه آن که نویسنده کتاب بر این عقیده است که فلسفه ادبیات به دامنه نظریه ادبی وسعت بیشتری خواهد بخشید.

باشد بر این حوزه از پژوهش؛ درآمدی که به گمان من همان وظیفه راهنمایی انجام نشده در برنامه‌های آموزشی و دوره‌های درسی دانشکده‌های ما را به خوبی انجام می‌دهد. به همین دلیل من فکر می‌کنم جای چنین کتابی در میان واحدهای درسی دانشکده‌های مرتبط با فلسفه و ادبیات خالی است و این کتاب ویژگی‌های لازم برای تدریس در چنین کلاس‌هایی را دارد.

مولف کتاب در بخش نخست با عنوان «فلسفه و ادبیات چیست؟»، در معرفی ساختار و ساختمان کتاب خود، می‌گوید در این اثر با الهام از آرتور سی. دانتو، فیلسوف آمریکایی قصد دارد از امکانات بالقوه این عنوان بهره‌گیری، بر این اساس مهم‌ترین مباحثی که در فصل‌های مختلف کتاب مطرح شده چیست؟ آیا این مفاهیم تکرار مفاهیمی که پیش‌تر مطرح بوده‌اند نیست؟

در فصل دوم کتاب، افلاطون به عنوان چهره‌ای دوگانه معرفی می‌شود که تمام تلاش خود را به کار بست تا شاعران و سرودخوانان را بی‌اعتبار سازد، در حالی که محاوره‌های خود را با چنان ظرافتی نوشته است که شاید به درستی به این نتیجه برسیم که افلاطون خود از اربابان هنرهایی بوده که یکسره به باد انتقادشان گرفته است. مولف در فصل سوم به تعریف ادبیات می‌پردازد سپس با معرفی چند نظریه مانند نظریه‌های برون‌گرا، درون‌گرا، شباهت خانوادگی و نهادی در پایان، نتیجه‌گیری می‌کند که ادبیات مفهومی است اساساً مورد تردید و چالش، همانند مفاهیمی چون «دموکراسی»، «هنر» و «مذهب»، به این معنا که می‌توانیم درباره آنها بحث کنیم و به توافق‌هایی برسیم یا نرسیم، در حالی که ممکن است هر یک تعریفی دیگرگون از آن در سر داشته باشیم.

فصل چهارم این کتاب با عنوان «مولف: رحمت‌الله علیه»؛ به مساله مرجعیت و اقتدار مولف بر چگونگی فهم معنای اثر ادبی می‌پردازد. مولف با بحث درباره مرجعیت و اقتدار مولف بر معنای متن به فرضیاتی درباره ماهیت تفسیر ادبی نزدیک می‌شود این موضوع، فصل پنجم کتاب یعنی «هرمنوتیک و تفسیر» را شامل می‌شود. تا در شش فصل نخست با «فلسفه و ادبیات» سروکار داشتیم، ولی فصل ششم به «فلسفه در حکم ادبیات» می‌پردازد. به طور خلاصه هدف این حوزه از پژوهش بررسی فنون بلاغی در متون فلسفی است که برای ایجاد ارتباط موثر با خواننده و اقناع او به کار گرفته می‌شوند. در فصل هفتم کتاب به «ادبیات در حکم فلسفه» پرداخته می‌شود تا در پی آن نشان دهد که آثار ادبی می‌توانند به فهم مسائل و پرسش‌هایی کمک کنند

پژوهندگان نقد ادبی عمدتاً به چگونگی در ادبیات علاقه مندند در حالی که نظریه ادبی حاصل علاقه‌ای فراگیرتر به چرایی ادبیات است

همواره در زمینه ارتباط میان فلسفه و ادبیات سوال‌هایی از قبیل خصوصیت دیرینه میان این دو و تمایز میان آنها مطرح بوده است، این مساله در کتاب «فلسفه و ادبیات» چقدر بازتاب داشته، انگیزه شما از ترجمه کتاب «درآمدی بر فلسفه و ادبیات» چه بوده است و چرا این کتاب را برای ترجمه انتخاب کرده‌اید؟

دلایلی که توجه و علاقه مرا به ترجمه این کتاب جلب کرد ریشه در سوالاتی داشت که معمولاً در کلاس‌های رشته‌های علوم انسانی و به ویژه رشته‌های هنر، ادبیات و فلسفه در ذهن دانشجویان برانگیخته می‌شوند و مجالی برای پاسخ نمی‌یابند. هر چند همین برانگیخته شدن چنین سوالاتی در ذهن دانشجویان پدیده‌ای است که باید غنیمت شمرده شود، اما اغلب به دلایل مختلفی از جمله نامدون و نامنظم بودن برنامه‌های آموزشی و دوره‌های درسی در دانشکده‌ها، مسیری که باید برای پیگیری این پرسش‌ها پیموده شود، فراهم نمی‌شود.

شما در رشته تئاتر گرایش ادبیات نمایشی تحصیل کرده‌اید، تا چه اندازه با چنین پرسش‌هایی در دانشگاه مواجه بوده‌اید و آیا به پاسخی برای این پرسش‌ها دست یافتید؟

من نیز با برخی از این پرسش‌ها مواجه بودم، برخی از این پرسش‌ها هر چند به طور جسته و گریخته، از همان نیمسال اول مقطع کارشناسی در ذهن من، مطرح شد. اما زمانی که در توالی نامرتبط و برنامه‌ریزی نشده واحدهای درسی مختلف ناچار به گذراندن واحدها به هر نحو ممکن می‌شدیم، در عمل فرصت و مجالی برای پیگیری این پرسش‌ها باقی نمی‌ماند.

اشاره کردید که دانشگاه مجال لازم برای پاسخ به پرسش‌های ذهنی دانشجویان را فراهم نمی‌کند، به نظر شما علت این امر ریشه در مشکلات سیستم آموزشی دارد؟

در تمام واحدهای درسی مرتبط با این پرسش‌ها و مفاهیم از قبیل واحدهای درسی نقد ادبی (۱) و (۲) و (۳)، نظریه‌های ادبی (۱) و (۲) هر بار استادان و دانشجویان ناچار بودند از دوران باستان شروع کنند و به هر ترتیبی که هست تا دوران پست مدرن پیش بروند و اینچنین بود که در طول چهار ماه و نیم (یک نیمسال) انبوهی از نظریات و مفاهیم به طور جسته و گریخته و اشاره‌وار مطرح می‌شد و نیمسال بعد، روز از نوروزی از نو و تکرار مکررات، شاید این بار صرفاً از نگاه و بیان فردی دیگر.

اصل سازمان‌دهنده کتاب «درآمدی بر فلسفه و ادبیات»، ترتیب زمانی نظریه‌ها نیست، بلکه توالی منطقی مطالب در راستای تلاش برای یافتن پاسخ (یا پاسخ‌هایی) برای پرسشی که سنگ بنای این کتاب و همانا مناسبات متقابل میان فلسفه و ادبیات است. حال در این کتاب پاسخ‌ها (نظریه‌ها و مفاهیم) چگونه توانسته‌اند سوالات ذهنی شما و خواننده را بر طرف کنند؟

در این کتاب این نظریه‌ها و مفاهیم به نحوی منسجم و با بیانی روشن و قابل فهم شرح و بسط داده شده‌اند. علاوه بر این، یکی دیگر از محاسن این کتاب معرفی منابع و مجلدات بسیار معتبر در پایان هر فصل برای مطالعه بیشتر به خواننده است. این ویژگی باعث می‌شود این کتاب به معنای واقعی کلمه «درآمدی»



علی هادیلو

سید قاسم یاحسینی یکی از پرکارترین مورخان بوشهر است که از سال ۱۳۷۰ تاکنون نزدیک به هفتاد جلد کتاب در زمینه‌های بوشهر شناسی، خاطره نویسی، تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی و تاریخ روشنفکری در ایران منتشر کرده است. وی به تازگی کتابی با عنوان «گزارش به خاک هویزه؛ در زمینه تاریخ شفاهی دفاع مقدس» نوشته و در آن به نقش مردم عرب هویزه در روزهای حماسه و مقاومت پرداخته است. این کتاب به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر روانه بازار کتاب شده است. به بهانه انتشار این کتاب با این مورخ و نویسنده گفت‌وگو کرده‌ایم که ماحصل آن را می‌خوانید.

نویسنده «گزارش به خاک هویزه»:

نگاه به دفاع مقدس انسانی است

شاید این ژانر در آینده‌الگویی برای دیگر کشورها باشد، همان‌طور که کشورهای عراق، بوسنی، افغانستان و لبنان خواستار تجربه ما در زمینه خاطره‌نگاری شده‌اند.

تحول در ادبیات جنگ صرفاً به حوزه خاطره‌نگاری محدود نمانده، در حوزه داستان جنگ نیز شاهد تحولات خوبی هستیم، این تحول ناشی از چیست؟ ادبیات خاطره‌نویسی و نویسندگان ما پوست‌انداخته‌اند نویسنده‌هایی مثل اکبر صحرایی و احمد دهقان که زمانی پاسدار رسمی سپاه بودند و تجربه جنگ دارند، آثاری می‌نویسند که بسیار مدرن است و شباهتی به کارهای دهه ۶۰ و ۷۰ ندارد. این تغییر در رویکردها نشان می‌دهد، نگاه نسل جنگ نگاه متکثر و واقع‌گر شده است. از سوی دیگر ما وارد عرصه‌هایی شده‌ایم که در گذشته خط قرمز بوده در داستان هنوز هم همین‌گونه است در حالی که در خاطره خیلی راحت می‌نویسند و مراکز دولتی نیز راحت چاپ می‌کنند. نکته دیگر که موجب عقب ماندن ادبیات داستانی از حوزه خاطره‌نگاری شده، عدم تسلط واقعی نویسندگان ماست. طیفی که داستان‌نویس و روشنفکرند، تجربه جنگی ندارند و کسانی هم که تجربه جنگی دارند، تازه وارد عرصه داستان‌نویسی شده‌اند و تجربه نویسندگی ندارند؛ به همین دلیل ادبیات انقلاب و جنگ ما تحریف مانده است.

گفتید ادبیات جنگ از حوزه خاطره‌نگاری عبور می‌کند. این حوزه چه کمکی به ادبیات داستانی جنگ می‌کند؟

بله! اگر خاطره‌نویسی ما به همین شکل رشد کند، آیندگان انبان عظیمی از تجربه‌های واقعگرا دارند که می‌توانند دراماتیزه‌اش کرده و به فیلم و رمان تبدیل کنند. امروزه برخی از خاطرات، حتی به لحاظ تکنیکی به داستان تنه می‌زنند به گونه‌ای که اگر نوآوری بیشتری انجام شود، در آینده شاهد آن چیزی هستیم که تاکنون حرفش را می‌زدیم اما به آن عمل نکرده بودیم و آن تولید رمان درباره جنگ و انقلاب است. جمهوری اسلامی ایران هنوز نتوانسته رمان انقلاب و جنگ خودش را بنویسد اما نتوانسته خاطره خودش را بنویسد. این خاطره می‌تواند کاتالی برای عبور از جنبه تبلیغاتی جنگ به ادبیات جنگ به شکل جهانی‌اش باشد.

به تحولات محتوایی خاطره‌نویسی جنگ اشاره کردید. آیا به لحاظ تکنیکی هم در این حوزه تحولی به وجود آمده است؟

متأسفانه خاطره‌نویسان ما مبانی تئوریک خاطره‌نگاری را نمی‌دانند. مشکل این است که استادان دانشگاه تجربه علمی دارند، اما تجربه عملی ندارند و آنانی که تجربه عملی دارند مبانی تاریخ شفاهی را نمی‌دانند. ضعف‌هایی که در کتاب‌ها به لحاظ فرم وجود دارد، به همین دلیل است که ۹۰ درصد نویسندگان این آثار و قوف نظری به خاطره‌نویسی ندارند و مکتب‌ها را نمی‌شناسند. اما کتاب‌های خوبی می‌نویسند، چرا که خاطرات آنها گاهی چنان بهت آور است که ضعف‌های تکنیکی را می‌پوشاند. مثلاً کتاب «دا» با وجود این که موفق‌ترین کتاب در این حوزه است، اما به لحاظ تکنیکی دچار ضعف است. بنده اگر این کتاب را می‌نوشتیم، کتاب با زخمی شدن راوی به پایان می‌رسید. این کتاب را می‌شد در ۳۰۰ صفحه فشرده کرد و یک شاهکار تحویل داد.



نیز در آثارتان تلاش‌های خوبی برای نزدیک شدن به این ویژگی‌ها دارید، اصولاً تا چه حد در آثارتان به عینیت‌گرایی وفادارید؟

ما در حوزه خاطره‌نگاری جنگ سه دوره داریم. در دوره اول، جنگ فقط کارکرد تبلیغاتی دارد. بعد از این دوره، نگاه عرفانی و اسطوره‌ای به جنگ شروع شد که تا اواخر دهه ۷۰ ادامه داشت. از این تاریخ نگاه متفاوت به جنگ پیدا شد و آن نگاه انسانی به این مقوله بود. این نگاه که شاید یکی از پایه‌گذارانش من باشم، در تغییر بیش نویسندگان حوزه دفاع مقدس ریشه دارد که جنگ را یک پدیده انسانی می‌شناسند. در نتیجه صداهای متفاوتی شروع شده که با وجود تداوم ضوابط مردسالارانه، تلاش دارد، نگاه به جنگ، نگاهی انسانی باشد. تا قبل از این تاریخ، خطوط قرمزی وجود داشت که اجازه نمی‌داد به شکست نیروهای ایران اشاره شود. اما امروز به راحتی حتی درباره تلخ‌ترین شکست‌ها می‌نویسیم، البته باز هم محدودیت‌هایی وجود دارد، اما بنده سعی کرده‌ام تا جایی که عفاف اسلامی و قوانین ایران اجازه دهند، این مسائل را مطرح کنم. درباره حضور زنان در آثارم نیز باید بگویم بنده امروز با جسارت می‌گویم فمینیستی هستم با برداشت خودم نه فمینیست نوع غربی. همچنین معتقدم در چهار سال آینده ادبیات واقعی جنگ شکل خواهد گرفت. خوشبختانه یا متأسفانه ادبیات ما امروز از مسیر تاریخ شفاهی عبور می‌کند، در حالی که در تجربه‌های جهانی این اتفاق از طریق رمان افتاد. اما در ایران به هر دلیلی رمان از خاطره‌نویسی عقب افتاد. امروزه خاطره‌نویسی ما در اوج قرار دارد و به استانداردهای جهانی نزدیک شده است.

عقب‌ماندگی رمان جنگ از خاطرات شفاهی، آیا به این دلیل است که جنگ کمتر دغدغه نویسندگان حرفه‌ای بوده است؟

داستان‌نویسی به یک فضای آرام نیاز دارد. این فضا هنوز در کشور ما به طور کامل ایجاد نشده است. اما خاطره‌نویسی به خوبی از این فرصت استفاده کرده. جالب است که این آثار توسط روشنفکران کلاسیک تولید نشده بلکه محصول کار کسانی است که در جنگ حضور داشتند و تجربه بومی دارند. امروز دیگر الگوهای ما، مارسل پروست، مارکر و همین‌گویی نیستند. بلکه الگوی کاملاً بومی است.

کمتر بدان پرداخته شده است. مثلاً او از پیرزن بی‌سوادی نام می‌برد که در قلب نیروهای عراقی مواضع آنها، تعداد سربازان و تجهیزات آنها و سنگرها را شناسایی کرده و به فرماندهان سپاه گزارش می‌داد. یا در خلال ماجرای آزادسازی خرمشهر به زنی اشاره می‌کند که جای چندین سرباز عراقی را به شریفی نشان می‌دهد، در این کتاب نقش زنان در چند روز مقاومت سوسنگرد واقعا قابل تحسین است.

آیا پررنگ بودن حضور زنان در این کتاب ناشی از نگرش راوی است یا خود شما به عنوان تدوینگر کتاب؟

نگاه بنده به جنگ نگاه متوازن است. یعنی نه مردسالارانه و نه فمینیستی محض به شکل غربی است. شیوه‌ام در ثبت خاطرات رزمندگان ایرانی این است که درباره نقش زنان نیز می‌پرسم، به همین دلیل زن‌ها در آثار من یا پررنگ‌اند یا حضوری قابل قبول دارند، چرا که بر این باورم که نقش زنان در جنگ کمتر از مردان نبوده است.

پرداختن به نقش زنان در جنگ عمدتاً در عینیت‌گرایی ریشه دارد اما در یک دهه اخیر بهانه پرداختن به نقش زنان نه رویکردی عینیت‌گرایانه، بلکه به این دلیل است که احساس می‌شود نسبت به آنان ظلم شده است. پرداختن به نقش زنان در آثار شما ناشی از رویکرد اول است یا دوم؟

میلیتاریسم جنگ برای من موضوعیت ندارد. بلکه نگاه انسانی قضیه مهم است. از سال ۵۹ که جنگ شروع شد تا شکست حصر آبادان، زنان حضور مستقیمی در جنگ داشتند و در کنار مردان با دشمن می‌جنگیدند، اما نگاه مردسالارانه حاکم موجب شد، تا از این زمان به بعد، زنان را عمدتاً در بیمارستان‌ها به شکل بهیار و پرستار ببینیم. همین نگاه موجب شد، نقش آنان در سایر ابعاد نادیده گرفته شود. کتاب «دا» را ببینید، یک دختر ۱۷ ساله معمولی کارهایی انجام می‌دهد که همه را بهت زده می‌کند. او کار اغراق آمیزی نکرده بلکه تنها زندگی معمولی خودش را نقل کرده است.

تحولی که در حوزه خاطره‌نگاری اتفاق افتاده تنها شامل پرداختن به نقش زنان مربوط نمی‌شود، امروزه نگاه به جنگ تصحیح شده و رویکرد اسطوره‌ای، جای خود را به نگاهی عینیت‌گرا داده است. شما

«گزارش به خاک هویزه» ادامه کارهای شما درباره خاطرات شفاهی جنگ است، آیا این کار تفاوتی با کارهای قبلی‌تان دارد؟

مدتی است که طرحی درباره خاطرات شفاهی هشت سال جنگ تحمیلی در دشت آزادگان - سوسنگرد و هویزه - را شروع کرده‌ام که حاصل آن ۱۰ جلد کتاب خواهد شد. تاکنون چند مجلد مثل «پنهان در باران؛ خاطرات سردار علی ناصری» (برگزیده کتاب‌سال جمهوری اسلامی ایران)، «سهم خیام دختری از هویزه» و «گزارش به خاک هویزه» منتشر شده و دو مجلد «بوی خاک سوسنگرد؛ خاطرات عبدالکریم جاسم پور» و «قیامت در سوسنگرد؛ خاطرات علی بالشی» در دست انتشار و پنج جلد نیز در حال تدوین‌اند. «گزارش به خاک هویزه» که اخیراً منتشر شده، درباره نقش مردم دشت آزادگان در جنگ است که پژوهش‌چندانی درباره آن نشده و اذهان عمومی اطلاعات کافی درباره آن ندارند. وقتی کار را شروع کردم آگاهی چندانی از ابعاد قضیه نداشتم. به همین دلیل با یونس شریفی که یکی از پاسداران قدیمی منطقه بود، تا پاسی از شب گفت‌وگو می‌کردم. بنابراین مطالب کتاب در یک فضای بسیار عاطفی شکل گرفت. کتاب از ابتدای تولد وی و بررسی وضعیت معیشتی مردم این منطقه شروع می‌شود. در ادامه، از اتفاق‌هایی که قبل و بعد از انقلاب در این منطقه روی داده، صحبت شده است. یکی از نقاط قوت فعالیت‌های دفتر سوره مهر این است که در ضمن پوشش خاطرات جنگ تحمیلی، وقایع انقلاب را نیز در لابه‌لای کتاب‌ها منعکس می‌کند. ما تقریباً درباره وقایع انقلاب در هویزه چیزی نمی‌دانستیم اما با تکیه بر این کتاب می‌توانیم تأثیر بسیاری از جریان‌های انقلابی را در این شهر کوچک مرزی عرب نشین مشاهده کنیم. به ویژه این که مردم این دیار از طرفداران سرسخت امام خمینی (ره) بودند و فعالیت خودجوشی را چه قبل و چه بعد از انقلاب علیه رژیم شاه و منافقان جدایی طلب، موسوم به عربستانی‌ها که از صدام دستور می‌گرفتند، سازماندهی کردند. نکته جالب این که تمام عناصر خنثی‌کننده توطئه‌های منافقان عرب‌اند. یعنی افرادی چون یونس شریفی، علی بالشی، جاسم پور و سردار ناصری. آنها را باید عرب ایران دوست دانست که با شجاعت مثال‌زدنی در برابر جریان‌های جدایی طلب عرب ایستادند و نگذاشتند فتنه پا بگیرد. همین مقاومت‌ها بود که صدام را به تغییر استراتژی واداشت و او جنگ را طراحی کرد. نخستین شعله‌های جنگ نیز در این منطقه، از منطقه طلائییه تا دشت آزادگان، است. نیروهای عراق دوباره هویزه و سوسنگرد را به اشغال درآوردند و در هر دو هجوم مردم منطقه با شجاعت باورنکردنی مقاومت کردند و نیروهای عراق را از دیار خود بیرون‌انداختند. در این مقاومت‌ها، یونس شریفی یکی از فرماندهان است که در سنگرهای سوسنگرد و هویزه با نیروهای صدام جنگیده و در نبردی موفق شده فرمانداری سوسنگرد را از دست عراقی‌ها خارج کند یا در هجوم دوم عراق به این منطقه، خانه به خانه با دشمن بجنگد، نکته جالبی که در خاطرات یونس شریفی است روایت متوازن از تاریخ جنگ است. یعنی او برخلاف ادبیات مثلاً مردسالارانه توجه ویژه‌ای به نقش زنان در جنگ ندارد؛ نکته‌ای که متأسفانه در متون تاریخی جنگ



معصومین^(ع) در کتاب‌های کودک و نوجوان

از ایمان درونی تا انگیزه‌های بیرونی



«زندگی و چهره معصومین(ع) باید آن گونه که بوده برای کودکان طرح شوند نه این که مانند چشمه‌ای زلال که پس از عبور از مسیرهای طولانی رنگ غبار می‌گیرد، دچار تغییرات شود.» این را غلامرضا امامی نویسنده و مترجم آثار کودک و نوجوان می‌گوید. معمولاً هر ماه از میان حدود چهار هزار و پانصد عنوان کتابی که در ایران منتشر می‌شود، بخشی به موضوعات مذهبی اختصاص دارد به زندگینامه معصومین(ع) یا طرح بخش‌هایی از زندگی ایشان، مهم‌ترین بخش این حوزه است.

مسیر شکل‌گیری و نوشتن کتاب‌هایی برای معرفی معصومین(ع) به کودکان و نوجوانان از منابعی آغاز می‌شود که به نظر می‌رسد تعدادشان فراوان است. موسسات انتشاراتی که از تشکل‌هایی قوی‌تر و منابع مالی استوارتری برخوردارند، این بخش از کتاب‌های خود را زیر نظر شورایی که آثار را از نظر شکل و محتوا بررسی می‌کند منتشر می‌کنند اما اگر در این میان هزینه‌ای برای این بخش تعریف نشده باشد، باز هم کتاب منتشر خواهد شد اما این بار بدون بررسی!

کارشناسان، نقد خود بر این حوزه را ابتدا معطوف به منابع نویسندگان برای نگارش این نوع کتاب‌ها می‌کنند و در ادامه، عناصر و شکل‌های فنی اثر را مورد بررسی قرار می‌دهند. تاکنون مجموعه‌هایی با موضوع معصومین(ع) به قلم غلامرضا امامی زیر چاپ رفته که آخرین آن «جز زیبایی ندیدم» درباره زندگی حضرت زینب(س) است. او در این باره می‌گوید: «احساس می‌کنم چهره‌ای که این روزها از پیشوایان مذهبی برای کودکان و نوجوانان ترسیم می‌شود، گاهی دور از ذهن و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد، به‌ویژه نثری که در این گونه آثار به کار گرفته می‌شود اغراق‌آمیز است و در ادامه تصاویر چشم‌آزایی که بر این نثر پیوست می‌خورند، سبب می‌شوند فرزندان امروز به جای آن که با شور و شوق زندگی معصومین(ع) را بخوانند به آنها به عنوان تکلیف نگاه کنند.»

امامی در پاسخ به این سوال که نویسندگان از کدام منابع برای نگارش کتاب‌هایی درباره معصومین(ع) استفاده می‌کنند؟ می‌گوید: «پاسخ به این سوال دشوار است. منابع زیادی وجود دارند که با گذشت زمان به مستندات آنها شبهاتی وارد شده. ما باید بدانیم منبعی که یک نویسنده مورد استناد قرار می‌دهد تا چه اندازه مورد اطمینان است و روایان در سیر شکل‌گیری آنها چقدر نقش داشته‌اند. کار مهم این است که پیشوایان را همان گونه که بوده‌اند به نسل جوان معرفی کنیم.» کتاب‌هایی که در این حوزه به بازار می‌آیند، نه تنها کم نیستند بلکه به اعتقاد امامی در مجموع نسبت به دیگر حوزه‌های نشر کودک و نوجوان، زیاد هم هستند اما نیاز به نوعی گزینش کتاب خوب همواره در نشر کتاب‌های مذهبی وجود داشته است.

«شما علاوه بر مباحث فنی شعر، همیشه نیاز به یک خواست درونی دارید.» این خواست درونی یک حقیقت و یک نیاز است و در شعری که سخن از معصومین(ع) به میان می‌آید پررنگ‌تر جلوه می‌کند. ما باید بپذیریم که نمی‌توانیم صرفاً منتظر یک سفارش بنشینیم و شعر بگوییم.»

به هر انگیزه، زمانی که سرودن شعر در باب معصومین(ع) شروع می‌شود شاعر گام به گام جلو می‌رود. مشخصه‌هایی که ترین برای سرودن این نوع شعر برمی‌شمارد، با نوعی صداقت شروع و با همین صداقت هم تمام می‌شود. او می‌گوید: «شاید تعداد شعرهای من در حوزه معصومین(ع) زیاد نباشد اما این قانون را برای خودم قائم که اگر هم کاری در این حوزه می‌کنم، بدون در نظر گرفتن مسائل مادی، جایزه‌ها و جشنواره‌ها باشد. شاعران ما باید قبل از هر چیز با خودشان صادق باشند. کسی که شعر مذهبی می‌نویسد قبل از هر چیز باید به این نتیجه برسد که باید فارغ از هر گونه انگیزه بیرونی نوشت، وقتی شما به یک اعتقاد درونی برسید موضوعات بیرونی خود به خود کم‌رنگ می‌شوند و کار قوت می‌گیرد.»

اما چه کتاب‌هایی را می‌توان در این حوزه برای خواندن کودکان و نوجوانان معرفی کرد؟ شهرام رجب‌زاده و مهروش طهوری زوجی که هر دو شعر کودک و نوجوان امروز را می‌شناسند و خود از فعالان آن هستند، شعرهای نوجوان محمد کاظم مزینانی را در این حوزه می‌پسندند و معتقدند برخی کارهای مزینانی در این حوزه مهم و قابل بررسی‌اند.

این سوال را از عباس‌ترین هم می‌پرسم اما معتقد است همیشه تک شعرهایی بوده‌اند که غوغایی در شعرهای درون‌گرا به پا کرده‌اند که هیچ‌یک از کتاب‌ها نتوانسته‌اند این غوغا را ایجاد کنند.

ترین شعری از قیصر امین‌پور می‌خواند که به اعتقادش، شاید مضمون مستقیم نداشته باشد اما چون داستان، روایتی کامل از یک اعتقاد و یک احساس قوی است: پیش از اینها فکر می‌کردم خدا/خانه‌ای دارد میان ابرها/مثل قصر پادشاه قصه‌ها/خشتی از الماس و خشتی از طلا/پایه‌های برجش از عاج و بلور/بر سر تختی نشسته با غرور/ماه برق کوچکی از تاج او/تا که یک شب دست در دست پدر/راه افتادم به قصد یک سفر/در میان راه در یک روستا/خانه‌ای دیدیم خوب و آشنا/زود پرسیدم پدر اینجا کجاست/گفت اینجا خانه خوب خداست!/گفت اینجا می‌شود یک لحظه ماند/گوشه‌ای خلوت نمازی ساده خواند/با وضویی دست و رویی تازه کرد/با دل خود گفت و گویی تازه کرد/گفتمش پس آن خدای خشمگین/خانه‌اش اینجاست اینجا در زمین؟/گفت آری خانه‌اوبی ریاست/فرش هایش از گلیم و بورباست/مهربان و ساده و بی‌کینه است/مثل نوری در دل آینه است.

به تازگی روانه بازار نشر کرده، اشاره می‌کند و این کتاب را در قالب مستند دینی قرار می‌دهد. او می‌افزاید: «نویسنده می‌تواند یافته‌های مستند خود را در قالب داستان، پرداختی امروزی دهد و این چیزی است که کودک و نوجوان امروز آن را می‌پسندد. وقتی یک کتاب به چاپ چندم می‌رسد، باید نتیجه آموزشی از آن بگیریم و روی آن بیشتر کار کنیم.»

شعر کودک و نوجوان و معصومین(ع)

در شعر کودک و نوجوان چه می‌گذرد؟ نور، عروج، گل، شکفتن و... از عناصر مشخص شعرهایی‌اند که در این حوزه زیاد به گوش می‌خورند و آنچه پیداست این که کارشناسان، به نوعی سفارشی‌نویسی در این بخش همواره اذعان داشته‌اند.

عباس‌ترین، شاعر جوانی که در نشریه دوچرخه با کودکان و نوجوانان زیادی در حوزه شعر سروکار داشته، تکرار و کلیشه در حوزه شعرهای مذهبی کودک و نوجوان را می‌پذیرد. او می‌گوید: «من تمام کتاب‌های شعر را نخوانده‌ام اما می‌گویم خیلی از ترکیب‌های مشخص در دایره‌ای محدود از کلمات این حوزه به چشم می‌آیند، در حقیقت سرودن شعرهای کارساز در حوزه معصومین(ع) بسیار دشوار است اما امروز می‌بینم شاعری که کمی وزن را می‌شناسد و چند سالی در این حوزه تجربه دارد، راحت شعر مذهبی می‌گوید.»

ترین، صحبت هایش را به نوعی معنویت و عوامل درونی برای سرودن شعر نزدیک می‌کند. «من می‌گویم حتی یک شاعر اگر مذهبی هم نباشد و کار شاخصی نیز در این حوزه نداشته باشد، باید بداند شعری موفق است که از یک خواست درونی جوشیده باشد. مایکوفسکی شاعری مذهبی نیست و شاید اصلاً اعتقادات قوی نداشته باشد اما در کتابی که به تئوری‌های شعر و شعر گفتن می‌پردازد به این نکته اذعان دارد که

اما برای گزینش قطعا فیلترهایی نیاز است. آیا این فیلترها فیلترهایی‌اند که باید از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعمال شوند؟ امامی این موضوع را رد می‌کند و معتقد است تشکیل شوراهای بررسی از سوی ناشران و با حمایت دولت، راه حل این موضوع است. او می‌گوید: «زمانی که بررسی وجود داشته باشد با ارائه تذکر به ناشر و نویسنده، فضایی برای بهبود نشر در این حوزه ایجاد می‌شود و طبعاً شوراهای می‌توانند نواقص را برطرف کنند. ما ابتدا باید بپذیریم که جامعه تغییر کرده و برای به روز شدن، نیاز به ارائه راهکار داریم تا زمینه فعالیت شوراهای فراهم شود.»

فعالان ادبی حوزه کودک و نوجوان، کتاب‌هایی را که با موضوع معصومین(ع) به کتابفروشی‌ها می‌آید، به دو بخش تقسیم می‌کنند؛ کتاب‌هایی که صرفاً تاریخی‌اند که جنبه اطلاع‌رسانی دارند و دیگر، کتاب‌هایی که درونمایه ادبی دارند و با پرداخت‌های امروزی وارد چرخه نشر کودک و نوجوان می‌شوند. امامی هم این تقسیم‌بندی را می‌پذیرد و می‌گوید: «کتاب‌های تاریخی جایی برای آمال و آرزوهای ما نیستند به همین منظور نویسندگان ما باید بپذیرند که تاریخ و موضوع اطلاع‌رسانی، جایی برای اضافه و کم کردن نیست و باید چهره معصومین(ع) آن گونه که بوده رو به روی کودک و نوجوان امروز قرار گیرد. من اعتقاد این است که نویسنده نباید آمال و آرزوهای خود را در قالب چهره‌ها بریزد، اما در مقابل، ادبیات مقوله جدایی است که متکی بر خلاقیت نویسنده بوده و جامعه به جامعه و زمان به زمان متفاوت است.»

بررسی‌ها و شمارگان کتاب‌های حوزه دین از استقبال از نوعی کتاب با عنوان مستند دینی نشان دارد. به نظر می‌رسد مستندهای دینی پلی میان تاریخ و ادبیات زنده‌اند و گاه به یکی از این دو نزدیک‌تر می‌شوند. امامی به کتابی که درباره زندگی حضرت زینب(س)

شما با کتاب مقدس آشنا نباشید، ارتباطی با آنها برقرار نمی‌کنید و حتی عنوان‌هایی که بر آنها نهاده شده برگرفته از کتاب مقدس‌اند. این ارتباط میان کتاب مقدس و ادبیات غرب بسیار عمیق است پس آنها در ادبیات خود تلاشی برای طرح برخی موضوعات مذهبی اصرار نمی‌کنند. در مقابل، ما کشوری مذهبی هستیم اما به طور مستقیم معمولاً به برخی موضوعات نمی‌پردازیم. من احساس می‌کنم در حوزه کودک و نوجوان ما به نوعی مستقیم‌گویی نیاز داریم؛ مثلاً اگر قرار است مفهومی را از مرگ به یک کودک نشان دهیم یا چهره‌ای از یک پیشوای مذهبی را برای او به نمایش بگذاریم دیگر پرده‌ها و غیرمستقیم‌گویی‌ها کمکی به ما نمی‌کنند و باید بپذیریم که با سطح بالایی از شعور یک کودک روبه‌رو هستیم که تشنه یادگیری است، یعنی زمانی که شما به یک مفهوم ثابت رسیدید دیگر نباید به آن شک کنید بلکه باید درصدد انتقال آن به زیباترین شکل باشید.»

ابتدا اعتقاد درونی، بعد تألیف

شاید در حوزه اعتقادات و چهره‌های مذهبی زیاد نتوان در مقام مقایسه میان غرب و ایران برآمد. اشتراکات مذهبی ناچیز است اما این که آنها در حوزه شناساندن چهره‌ها و باورهای مذهبی به کودکان و نوجوانان چه می‌کنند، مهم و پراهمیت است. گیتا گرکانی مترجم فعال ایرانی در این باره از نوعی پیوند میان کتاب مقدس (انجیل مسیحیان) و ادبیات غرب سخن می‌گوید و می‌افزاید: «به نظر تفاوت بزرگی که میان نحوه کار در حوزه کتاب‌های مذهبی و شناساندن چهره‌های پیشوایان، میان غرب و ایران دیده می‌شود ارتباطی است که میان ادبیات و هنر غرب با کتاب مقدس وجود دارد.»

کتاب مقدس بعد از رنسانس و حتی در سال‌های پیش از آن با ادبیات غرب عجین شده، من فیلم‌ها و کتاب‌هایی می‌شناسم که اگر

گرکانی آنچه در غرب می‌گذرد در انتقال مفاهیمی ثابت به زیباترین شکل می‌داند و معتقد است زمانی که مفاهیم ثابت تعریف شدند آن وقت باید به دنبال انتقال آنها بود. این مترجم، قصه حضرت یوسف را به عنوان مثالی مطرح می‌کند و می‌گوید داستانی که از یک پیشوای مذهبی برای کودک و نوجوان ارائه می‌شود، فقط یک داستان نیست و با خود مفاهیم مهمی را به همراه می‌آورد که صبر، نمونه آن در داستان حضرت یوسف است.

گرکانی به تقسیم‌بندی‌ای که پیش از این در بخش ادبیات به آن پرداخته شد بازمی‌گردد و می‌گوید: «میان ادبیات و اطلاع‌رسانی در کشورهای دیگر هم فاصله‌ای مشخص وجود دارد.»

او می‌گوید: «اطلاع‌رسانی، حوزه‌ای مشخص است که صحبت‌های فراوانی درباره آن شده اما وقتی نویسنده دست به خلق ادبی درباره یک چهره مذهبی می‌زند، باید ابتدا به تجربه و اعتقاد درونی رسیده باشد.»



پاتریک همینگوی، فرزند نویسنده شهیر «ارنست همینگوی» اکنون هشتاد و یک ساله است. او در سخنی کوتاه درباره زندگی خود و پدرش و همین طور خاطر ایشان می گوید. او تولدی بسیار عجیب داشته است؛ پدرش ارنست همینگوی قبل ترها صحنه‌ای مشابه را در کتاب «وداع با اسلحه» پیش بینی کرده بود. حال پسر به روایت خاطرات پدر حادثه جوییش پرداخته است. آنچه در ادامه می آید، گفت و گویی است که رادیو ملی آمریکا با پاتریک همینگوی انجام داده است.

گفت و گو با پسر ارنست همینگوی

کتاب‌های پدرم هنوز خواننده دارند

سفرش به آفریقا-که ما تمام شب رادو چرخه سواری می کردیم و فقط لذت می بردیم. من او را در تمام مراحل و لحظه‌های زندگی در خاطرم مجسم می کنم. همینگوی چطور زندگی خودش را در داستان هایش منعکس می کرد؟

زندگی و داستان‌های او درست مثل دو خط موازی وجه تشابه‌های زیادی با هم داشتند. اکثر محققان هم باور دارند که «نیک آدامز» که یکی از کاراکترهای داستانی اوست، نزدیک ترین شباهت را به خود او دارد. در واقع این خصوصیات اخلاقی خود همینگوی است که در داستان هایش ظهور می یابد یا خیلی ساده تر، تجربیات اوست که کاراکترهای داستانی او را شخصیت پردازی می کند. بیشتر آثار همینگوی از تجربیات شخصی او الهام گرفته است. وقتی رمانی را خلق می کرد، آنها را از روی تجربه‌های خودش می ساخت.

در آخر دوست دارم درباره همینگوی هنوز مشهور نشده‌ای بگویم که دست نوشته هایش گم شد. چطور آن اتفاق افتاد؟

همینگوی سال ۱۹۲۲، در ماموریت پوشش دهی نظامی کنفرانس صلح «لوزان» بود. همسر اولش با وجود سختی‌های راه با قطار برای دیدن او می آمد و تمام دست نوشته‌های او و حتی چرک نویس آنها را هم در چمدانی با خود می آورد که آن چمدان دزدیده شد و دیگر هم پیدا نشد. نوشته‌های درون آن چمدان هم دیگر باز نویسی نشدند، البته نمی توانم دقیقاً بگویم که دست نوشته‌ها چه بودند، اما تصور می کنم بیشتر داستان‌های کوتاه و شعرهایی بودند که او در آن دوره روی آنها کار می کرد.



الآن که هشتاد ساله شده‌اید، چقدر به پدرتان فکر می کنید؟ به روزهایی که با هم داشتید. بیشتر به چند سالگی خودتان می اندیشید؟

بله، خیلی، در حقیقت وقتی شما هشتاد ساله می شوید، دیگر بیشتر به گذشته فکر می کنید تا حال. من خیلی به گذشته فکر می کنم. در سن‌های مختلف و نوع تعامل با پدرم. گاهی به روزهایی فکر می کنم که البته خیلی سخت به خاطر می آورم، روزهایی که او فقط کسی بود که من را می بوسید و من هم دلم نمی خواست که مرابوسد، چون ریش هایش صورتم را می خراشید. یا مدت‌ها بعد از آن که در دومین

جنون را نسبت دهند. به اعتقاد من این مساله در حسادت آنها نهفته است. دقیق تر بگویم، این که نویسنده‌ای بزرگ باشی، آن هم در حالی که هر نسلی فقط دو یا سه نویسنده بزرگ با شهرت جهانی می تواند داشته باشد، کمی رشک برانگیز است. خیلی سخت است که بخواهی باور کنی یکی از آنها نیستی.

آثار پدرتان را می خوانید؟

تقریباً بله. به خاطر علاقه به تبلیغ در خودم. مثلاً ناگهان در هوایما شروع به خواندن یکی از آثار پدرتان می کنید تا نظر مردم را به آن جلب کنید؟ نه، من باید آنها را خوانده باشم تا بتوانم در مورد آنها صحبت کنم. ما فعالیت‌های بسیار موفقی در زمینه تبلیغ آثار پدرم داشتیم. منظورم این است که الان در یک کتابفروشی آثار همینگوی را بسیار بیشتر از دیگر نویسندگان همنسلس، مثل فاکنر یا فینز جرالده، می بینید و اینها همه به خاطر مدیریت و نوعی بازاریابی برای آن است.

شما به این که هشتاد سال از عمرتان می گذرد فکر می کنید؟

البته، هرکسی خیلی ناخودآگاه به مرگ و زندگی اش فکر می کند. البته در مورد همینگوی شروع به تفکر در مورد مرگ خیلی خیلی زود بود. او همیشه می گفت که «ما فقط یک بار زندگی می کنیم، نه بیشتر.» به نظر شما آیا داستان‌های پدرتان به نوعی زندگی را به مردم هدیه نمی کرد؟ امیدوارم این طور باشد. به گمان من ادبیات برای مردم هوشمند و فرهیخته همیشه مثل دو پیکنگ عمل می کند و به آنها جان و زندگی دوباره‌ای می بخشد. آنها خودشان همه چیز را درک می کنند.

شش موضوع جالب درباره همینگوی

غزل شاملو

بود که رمان «رنگ‌ها برای که به صدا درمی آیند؟» را منتشر کرد. کارلوس بیکر پروفیسور ادبیات دانشگاه پرینستون که بیشتر تحقیقاتش درباره شناختن همینگوی بود در کتابی با عنوان «ارنست همینگوی، داستان یک زندگی» به تأثیرات حوادث اطراف بر زندگی این نویسنده آمریکایی می پردازد.

● فلسفه «هیچ» همینگوی را چگونه می توان توضیح داد؟

قهرمان همینگوی، انسانی است خستگی ناپذیر، از شب دل خوشی ندارد. با این حال روزهای خوابد و شب‌ها بیدار است! برای او سیاهی شب در واقع همان «هیچ» است؛ نهایت‌نسیان. همینگوی از تداخل خواب و تیرگی شب می پرهیزد. در نهایت شب به پوچی می رسد و از آن به هیچ یاد می کند که شاید بخش سیاه وجود خودش باشد. مثال این نوع فلسفه پوچی همینگوی در رمان‌هایی مثل «مکانی تمیز، با نور کافی» و «قاتل‌ها» به وضوح دیده می شود.

● ویژگی‌های همینگوی چیست؟

ارنست همینگوی را استاد گفت‌مان لقب داده‌اند. نوشته‌های همینگوی معجزه‌ای را در خود پنهان نکرده بلکه این خاصیت را دارد که در ذهن خواننده باقی می ماند. او در واقع دارای سبکی بسیار ساده است. واضح و با دامنه‌ای وسیع و گسترده. از لغات محکم استفاده می کند. شخصیت قهرمان داستان هایش کاملاً شکل گرفته‌اند. او در آثار اولیه‌اش

که پس از شکسپیر توانسته این تأثیر عظیم را بر ادبیات و داستان نویسی بگذارد. اما همینگوی دوم مردی است خوش لباس که گاه پدر شکار در آفریقا یا گاه پدر گاو‌بازی در اسپانیا است. این همینگوی که عموماً «پاپا همینگوی» خوانده می شود انسانی است مثل دیگران. از شهرت لذت می برد با این که تلقی هنرمند از خود دارد. اما هیچ‌گاه حاضر نمی شود برای دلایلی غیر منطقی معروف شود. کسانی که از نزدیک ارنست همینگوی را می شناختند با خصوصیات اخلاقی اش بیشتر آشنا بودند و شاید استفاده از پاپا غیر از یک واژه محبت آمیز معنی دیگری نداشته باشد.

● چگونه زندگی همینگوی در آثارش منعکس می شود؟

داستان‌های همینگوی از تجربیات شخصی اش جان می گیرند. از دواج‌های متعدد، سفرهای فراوان، علاقه‌اش به شکار و جمع‌آوری انواع اسلحه‌ها در آثارش بی تأثیر نیستند. برای مثال رمان «رنگ‌ها برای که به صدا درمی آیند» که در سال ۱۹۴۰ میلادی منتشر شد، متأثر از چند ماه اقامت همینگوی در اسپانیا است. وی از همان ابتدای نویسندگی اش به فعالیت روزنامه‌نگاری پرداخت. بعد از آن توانست به عنوان روزنامه‌نگاری خبر، اخبار جنگ‌های داخلی اسپانیا و سپس آمریکای شمالی را پوشش دهد. چند ماه از اقامتش در اسپانیا نگذشته بود که اعلام کرد می خواهد کتابی با درونمایه جنگ‌های اسپانیا بنویسد. این گونه

در طول تمام این سال‌ها، وقتی با مردمی روبه‌رو می شدید که شما را دقیقاً نمی شناختند و با شنیدن نامتان فقط سری تکان می دادند و می پرسیدند نسبتی با همینگوی بزرگ دارید، چه احساسی به شما دست می داد؟

البته این اتفاق بارها برایم افتاده بود. حس جالبی داشتم. فکر می کنم یکی از جالب‌ترین اتفاقاتی که برایم افتاد، پانزده سال پیش در لاس وگاس بود. با یکی از دوستان پدرم در رستوران هتلی نشسته بودیم که پیش خدمتی جلو آمد و گفت: «آقای همینگوی من تمام کتاب‌های شما را خوانده‌ام و کتاب «خوشه‌های خشم» شما را واقعاً دوست دارم.» من هم خنده‌ای کردم و در دلم خنداراشکر کردم که هیچ‌یک از فرزندان جان اشتاین بک آنجا نبودند که این را بشنوند. به هر حال همینگوی برای بعضی از افراد فقط یک اسم است که جایی شنیده‌اند و برای بعضی دیگر نویسنده‌ای که تأثیرش را بر ادبیات جهان نمی توان نادیده گرفت.

امیدوارم از این سوال من ترنجید. اما سایه‌ای از خط سیر خودکشی در میان خانواده شما دیده می شود، اول پدر بزرگتان، بعد پدرتان و بعد از آن هم برادرزاده‌تان ماراگوا. گمان‌های بسیاری در این مورد وجود دارد. فکر می کنید این اتفاق یک نوع ارث یا ژنتیک است یا به خاطر افسردگی و اوضاع پیرامون؟ دوست داشتم اگر ناراحتان نمی کند کمی هم در این باره صحبت کنیم.

البته من در جایگاهی نیستم که بخواهم این مساله را از نظر روانشناختی بررسی کنم یا حتی نظری در مورد آن بدهم. به نظر من، عامه مردم همیشه تمایل داشته‌اند که طوری، به تمام نوابغ، نوعی دیوانگی یا

پس از گذشت سال‌ها از مرگ نویسنده مشهور آمریکایی «ارنست همینگوی» همچنان بازار نقد آثارش بین منتقدان و اهل ادب داغ است. به جرأت می توان گفت که نویسندگان و تحلیلگران از همان ابتدای سال ۱۹۲۰ میلادی که همینگوی دست به قلم برد تا امروز درباره آثارش طومارها نوشته‌اند. بدون شک توضیح سبک ادبی این نویسنده در چند پاراگراف کوتاه به گونه‌ای که خوانندگان این آثار را قانع کند دشوار است، اما شاید بتوان به چند پرسشی که همیشه درباره ارنست همینگوی مطرح است پاسخی هر چند مختصر داده شود. متن زیر که قالبی پرسش و پاسخ گونه دارد، بخشی از مسائلی است که عموماً درباره همینگوی مطرح می شود. این سوال‌ها برگرفته از «کتاب کهنه ارنست همینگوی» که به کوشش عده‌ای از طرفداران سبک وی در سایت «همینگوی تایم لس» منتشر شده است.

● نام‌های مستعار همینگوی چیست؟

همینگوی لقب‌های بسیاری را در طول زندگی اش از آن خود کرده است. زمانی که دانش آموز دوره دبیرستان بود به او لقب «همینگستاین» را داده بودند. پس از آن به علت علاقه وافرش به بوکس لقب «قهرمان» را گرفت. در بین تمام این القاب، بسیاری همینگوی را با نام «پاپا» می شناسند.

● چرا به همینگوی لقب پاپا دادند؟

برای مدت زمان طولانی منتقدان و پژوهشگران بین جدا کردن دو همینگوی در مانده بودند. اولین همینگوی نویسنده‌ای بزرگ و مشهور است که از دید بسیاری عالمان ادبی تنها نویسنده بزرگی است

از یک روایت کننده برای بازگو کردن قصه‌اش استفاده می کرد و طبعاً آثارش دارای دیدی یک جانبه بودند. اما با گذشت زمان توانست از چند روایت کننده در آثارش بهره‌برود در این بین با افزودن مونیولوگ‌هایی که منتقدان به عنوان حدیث نفس نویسنده از آن یاد کرده‌اند جذابیت داستان هایش را چند برابر کرد. همینگوی یک داستان ساده را با سبک و سیاق روزنامه‌نگاری خود پیوند می دهد و به اثری ماندگار تبدیل می کند. آسانی و سادگی آثارش همیشه طرفدارانش را به خود جلب کرده است.

● چرا همینگوی جاودانه است؟

در کنفرانسی ادبی که در بوستون برگزار شد (سال ۱۹۹۹) موضوع جاودانگی همینگوی محوری ترین بحث بود. به راستی چگونه است که با وجود تمام نویسندگان بنام آمریکا (برای مثال جک لندن) ارنست همینگوی باید شاخص ترین باشد؟ در ساعات میانی کنفرانس، منتقدی که نامش را ذکر نکرد با جمله‌ای به بحث دیگران خاتمه داد: «ما همگی از درون همینگوی می نویسیم». آثار همینگوی از لحاظ دستور زبان، محتوی و سبک نوشتاری تاکنون که نزدیک به ۴۸ سال از مرگش می گذرد، همچنان تازگی دارند. این منتقد در ادامه تمام نویسندگان را به دو دسته تقسیم کرد: «کسانی که می خواهند مانند همینگوی بنویسند و کسانی که سعی دارند راه خود را از همینگوی جدا کنند. این نویسنده زندگی جذاب و پرمخاطره‌ای داشته و حتی باعث شده که اطرافیان مهم شوق زندگی را در خود بیابند. پس شاید جاودانه خواندن ارنست همینگوی آنچنان هم بیراه نباشد.»

گزارشی از دو کتاب درباره همینگوی

شاهزاده مغلوب در برابر گاو باز وحشی



«زندگی ترکیبی از رویدادهایی است که ما نمی‌توانیم آنها را کنترل کنیم، اما یک نوع دیگر جریان وجود دارد که از دل زندگی بیرون می‌آید - که نمی‌توانی آن را احساس کنی تا زمانی که دیگر برای انجام هر کاری در آن زمینه خیلی دیر می‌شود، تا زمانی که سرانجام درمی‌یابی که از نظر برخی، هرگز به عنوان یک مرد خوب، دوباره مورد توجه قرار نخواهی گرفت.»

اسکات دونالدسون در کتاب جدیدش با عنوان «فیتز جرالدها و همینگوی: کارها و روزها» یک بار دیگر سراغ این دو دوست، دو نویسنده و شاید هم دو رقیب آمریکایی رفته و به بازبینی اندیشه‌ها و افکاری پرداخته است که تا این حد این دو شخصیت را از هم دور کرد. هر چند اسکات چهار سال پس از نوشتن این جمله‌ها دیگر زنده‌نبود و پیش از او هم همسرش بر اثر آتش سوزی در بیمارستان روانی درگذشته بود، اما «ارنست همینگوی» تا زمان کشیدن گلنگدن آن تفنگ دو لول، هنوز ۲۰ سال دیگر وقت داشت تا هر چقدر که می‌خواست بتازد و عرصه‌های تازه‌تری را تجربه کند. همینگوی خیلی خیلی علنی درباره مردی که شاید همه چیزش را از او دارد، گفته بود: «همیشه می‌دانستم که او نمی‌تواند فکر کند - او هرگز نمی‌تواند - اما او یک استعداد شگفت‌انگیز دارد و با استفاده از همان است که می‌تواند این کارها را بکند - نه با ضجه زدن برای مردم. ارنست همینگوی این سخنان را برای مکسول پریکنز نوشت؛ ویراستاری که در شرکت «اسکرابینر» کارهای او را ویرایش می‌کرد، ویراستاری که خود فیتز جرالدها با اصرار فراوان او را وادار کرده بود تا آثار همینگوی را جدی بگیرد. سال‌ها پیش‌تر، این فیتز جرالدها بود که پریکنز را راضی کرده بود «خورشید همچنان طلوع می‌کند»، همینگوی را منتشر کند و این لطفی بود که همینگوی هیچ وقت نمی‌بایست فراموش کند.

در نخستین دیدار این دو یعنی اوایل سال ۱۹۲۵ که یکی نویسنده‌ای صاحب‌نام بود و دیگری در تلاش این که یکی از آثارش را بتواند چاپ کند، فیتز جرالدها معروف‌ترین نویسنده جوان ادبیات آمریکا بود و این را در درجه اول از موفقیت رمان اولش «سمت بهشت» داشت که در سال ۱۹۲۰ منتشر شد. او با این رمان به صدای نسل جوانی که پس از جنگ جهانی اول سرخورده بود، بدل شد. این مرد جوان از این قدرت برخوردار بود که در داستان‌هایش روی نبض فرهنگ عامه دست بگذارد و همه اعتقاداتی را که پس از جنگ سریع داشت رنگ می‌بخت، وارد آثارش کند.

در زمان نخستین دیدار، دو هفته از انتشار رمان «گنسی بزرگ» می‌گذشت، زمانی که تقریباً در همه فهرست‌های ادبی درباره کتاب‌های تأثیرگذار قرن بیستم جا دارد. هر چند در آن زمان هنوز این کتاب آن شهرت را به دست نیاورده بود، اما برای کسی مثل همینگوی روشن بود که قدر و ارزش آن چقدر است. فیتز جرالدها هم برای روزنامه‌ها می‌نوشت و بارونامه پرفروش «ساتردی ایوینینگ» کار می‌کرد. او خوش قیافه، نرم و از همه مهم‌تر پولدار بود. این همه در حالی بود که فیتز جرالدها فقط سه سال از همینگوی بزرگ‌تر بود. او همسرش در پاریس زندگی می‌کردند و از این امکان برخوردار بودند که با بریز و پیمایش زندگی کنند و مهمانی‌های مفصل بدهند. زلدا همسر فیتز جرالدها، نقاش و نویسنده بود و با وجود این که همینگوی هم با زنی روزنامه‌نگار که ۹ سال از خودش بزرگ‌تر بود، ازدواج کرده بود، اما او در خانه مشغول بچه‌داری بود و رد پایش را کم‌تر می‌توان در زندگی شلوغ و مردانه همینگوی جست‌وجو کرد.

با همه اینها شش ماه بعد، نخستین مجموعه داستان همینگوی یعنی «در زمان ما» منتشر می‌شود. این کار میسر شدنی نبود مگر با حضور فیتز جرالدها و این رابطه کاری تا آنجا ادامه یافت که بعدها این ناشر بقیه آثار همینگوی را هم چاپ کرد.

همینگوی یک بار دیگر هم به دیدن فیتز جرالدها در ژوئیه رفت و در آن زمان بود که نسخه‌ای از رمان «خورشید هنوز طلوع می‌کند» را با خود برده بود. فیتز جرالدها او را قانع کرد تا بخش خورشید را دور بریزد و از بخش بعدی شروع کند.

اما همان‌طور که شهرت همینگوی افزایش می‌یافت و فیتز جرالدها گرفتار تراژدی شخصی خودش می‌شد، این دو مرد از هم جدا شدند. در این رابطه دوستانه که هیچ‌گاه کاملاً قطع نشد، همینگوی بی‌مناسبت نمی‌دید که به انتقاد شدید دوست سابقش در داستان «برف‌های کلیمانجارو» بپردازد که در سال ۱۹۳۶ منتشر شد. فیتز جرالدها که راوی همینگوی در این داستان است، کاری ندارد بکند جز این که غصه بخورد. او فکر می‌کند ثروت یک مسابقه پرکشش است و وقتی دریافت که اینطور نیست همه چیز چنان برای او به هم ریخت که تا پیش از آن هیچ چیز دیگر نتوانسته بود او را چنان به هم بریزد. فیتز جرالدها با این توصیف مخالفت کرد. او خود را چنین شخصیتی نمی‌دید، اما همینگوی به ریشخندش گرفت. او سال‌ها فیتز جرالدها را به عنوان آدمی که به طرز مهلکی نرم بود، توصیف کرده بود. فیتز جرالدها چند سال بعد در ۴۴ سالگی درگذشت.

او واقعا قربانی قلب ضعیفش شده بود! آخرین چک او بابت حق‌التالیف آثارش، به مبلغ ۱۳۳۳ دلار نشان می‌داد که او این پول را برای خرید ۴۰ جلد کتاب صرف کرده است.

فیتز جرالدها در «قضیه عجیب و غریب پنج‌مین باتن» که نخستین بار در ماه می ۱۹۲۲ در مجله «کالیبر» منتشر شد، درباره قهرمان خودش می‌نویسد: «هیچ‌کس از آن پسر کوچولو که در چهره شاداب و خوشحالش فقط ذره‌ای غم وجود داشت، متنفر نبود. سر نوشت او وحشتناک و شگفت‌انگیز به نظر می‌رسید.»

دونالدسون که همه عمر خود را صرف بررسی رابطه این دو نویسنده کرده و در سال ۱۹۹۹ هم در یک کتاب دیگر با عنوان «آغاز و پایان یک دوستی ادبی» نوشته، کتابش را وقایع‌نگاری مصیبت و هدر دادن استعداد نامیده است.

دونالدسون نشان می‌دهد که چگونه این دو مرد باور داشتند که هدف از دست رفته است. در مطلبی درباره «زنک‌ها برای که به صدا درمی‌آیند» او تجربه همینگوی را در جنگ داخلی اسپانیا با شخصیت منفی

همان چیزی است که پدر بزرگ می‌خواست، خیلی‌ها هم با این نظر موافق نیستند. از جمله «هاچنر» از دوستان پدر بزرگ که اعتقاد دارد نویسنده همه آنچه را که می‌خواست بگوید، در دست نوشته‌های «جشن بیکران» نوشته و آن کتاب عملاً پایان یافته بود. او می‌گوید: «این کتاب جدید نه تنها غیر ضرور، بلکه خطرناک هم هست، چون می‌تواند به بحث‌هایی دامن بزند که ضرورتی ندارد!»

در کتاب جدید، تفاوت‌های جزئی هم درباره رابطه دوستانه همینگوی با فیتز جرالدها وجود دارد و دو ماجرای جدید هم اضافه شده که یکی در پاریس و دیگری در شهرستان می‌گذرد و آن زمانی است که همینگوی به کمک دوستش می‌شاید که از نظر اعتیاد به الکل در وضعیت بدی به سر می‌برد.

همینگوی در این کتاب این‌گونه نشان می‌دهد که فیتز جرالدها مشکلات نگران‌کننده‌ای دارد و او در روابط دوستانه‌شان چیزهایی را به او تذکر می‌دهد و زمانی که زلدا همسر فیتز جرالدها در حال نابود کردن اوست، این همینگوی است که به کمکش می‌رسد تا او را از آن گرفتاری‌ها بیرون بکشد.

فیتز جرالدها بیش از ۱۶۰ داستان کوتاه نوشت که چهار برابر داستان‌هایی است که همینگوی نوشته، اما هیچ‌یک از داستان‌های او با وجود واقعیت‌های جهان، بدون عنصر مهربانی و عطوفت نبودند. در نقطه مقابل، همینگوی خودخواه و خودبین بود و از دیدن برتری‌های دیگران رنج می‌برد.

همینگوی تنها یک بار و آن هم خیلی زودگذر حاضر شد از رمان «گنسی بزرگ» تعریف کند و این اتفاق در جشن بیکران افتاد. او هر چند در نامه‌هایش بارها اعتراف می‌کند که این رمان، اثری با ارزش است و در حالی که سعی می‌کند دوستانه او را تشویق به نوشتن آثار دیگری هم بکند، اما واژه‌ها و لحنی استفاده می‌کند که با توجه به روح حساس فیتز جرالدها دقیقاً بازدارنده است. او می‌نویسد: «خیلی چیزها هست که هیچ‌کس جز تو نمی‌تواند درباره‌اش، حتی نصف آن چیزی که تو می‌توانی بنویسی، اما نمی‌نویسی و همه‌اش خودت را گول می‌زنی... خیلی وقت است که متوقف شده‌ای و فقط دنبال جواب سوال‌های شخصی‌ات هستی. چیزهای دیگری هم هست... تو خوب می‌بینی اما دیگر هیچ چیز نمی‌شنوی.»

اگرچه همینگوی معتقد است «شب شکننده است» بهترین اثر فیتز جرالدها است، ولی از این کتاب هم ایراد می‌گیرد و می‌گوید: «از کتابت هم خوشم آمد و هم خوشم نیامد... نمی‌شود شخصیتی که اصلاً امکان وجود داشتش وجود ندارد، را خلق کنی...»

او در حالی این نصیحت‌ها را به اسکات می‌کند که رابطه دو دوست و نویسنده در اواخر سال‌های دهه ۳۰ به خاطر دلخوری‌هایی که سر کتاب «وداع با اسلحه» پیش آمد، کمرنگ شده است. اظهار نظر فیتز جرالدها درباره «وداع با اسلحه» همینگوی را عصبانی کرده بود. فیتز جرالدها معتقد بود این کتاب پایان خوبی ندارد و ۹ پیشنهاد برای اصلاح پایان رمان داده بود.

فیتز جرالدها در پایان نامه خود نوشت: «شاید با این پیشنهاد برای اصلاح پایان رمان، دوستی ما به پایان برسد ولی با وجود این قضیه پیشنهادهایم را با تو در میان می‌گذارم...» جواب همینگوی سه کلمه ناسزا بود!

فراموش نکنیم که در «برف‌های کلیمانجارو» زنی به شوهرش می‌گوید: «تو کامل‌ترین مردی هستی که من تا حالا شناخته‌ام.» به نظر می‌رسد این مرد که همینگوی تصویر کرده، کسی جز خود او نباشد!



تازه ترین کتاب های هفته

دین در قرن ۲۱

«گفتمان قرآن» اثری از خلود العموش با ترجمه دکتر سید حسین سیدی از سوی انتشارات سخن منتشر شده است. تاکنون درباره گفتمان قرآن کریم به معنای مدرن آن اثری نوشته نشده بود اما کتاب مذکور ضمن بررسی مبانی گفتمان و مسائل بافت، متن و پیشینه این مباحث در سنت غربی و عربی به تطبیق مبانی آن بر قرآن کریم و به عنوان نمونه به سوره بقره پرداخته است. نویسنده کوشیده است مسائل تحلیل گفتمانی را از سه زاویه آثار علوم قرآنی، مفسران و علمای اصول فقه تحلیل کند. هفته گذشته انتشارات سخن کتاب دیگری هم به نام «زن در داستان های قرآن» نوشته دکتر قمر آریان منتشر کرده است و در آن سیزده داستان قرآنی را که زن در آن نقش دارد، مورد بررسی قرار داده است و در پایان هر داستان، نکته اصلی و عبرت آموز داستان را و زنی که قهرمان آن داستان است، مظهر چه صفات پسندیده یا ناپسند است متذکر می شود. ضمن این اثر مذکور نمونه درخشانی از تصور نثر پارسی را به نمایش می گذارد از این رو، قدیمی ترین متون نثر فارسی مانند ترجمه تفسیر طبری، تاریخ طبری، تفسیر شریف ابوالفتح و مجمل التواریخ و کشف المحجوب تا روضه الصفا و متون مانند آن، مورد استفاده نویسنده قرار گرفته اند. «دین در قرن بیست و یکم» اثری از ماری پت

فیش با ترجمه مرضیه سلیمانی است که از سوی نشر علم چاپ و منتشر شده است. این کتاب درباره وضعیت دینی جهان در قرن ۲۱ و سنت ها و طریقت های مذهبی در آستانه هزاره جدید، چشم اندازی مفید، منحصر به فرد و روشنگر به دست می دهد. در این اثر نویسنده علاوه بر این که گفت و گوهای بین الادیانی را مورد بررسی قرار می دهد، در عین حال می کوشد چگونگی تحول و انتشار ادیان در زمانه فناوری های پیشرفته ارتباطات را مورد واکاوی قرار دهد. «سیاست و فرهنگ روزگار صفوی» نام کتابی دو جلدی به قلم رسول جعفریان است که از سوی نشر علم به بازار آمده است. جلد نخست این کتاب در سه بخش پیدایش دولت صفوی و ادبیات نقدنویسی مذهبی، دین و سیاست، صفویه و تصوف را مورد توجه قرار می دهد. در جلد دوم طی چهار بخش، مسیحیت و اسلام در دوره صفوی، فرهنگ عصر صفوی، آگاهی های اجتماعی و سقوط صفویه آمده اند. «نظریه های جامعه شناسی» نام کتابی به قلم عباس محمدی اصل است که از سوی انتشارات جامعه شناسان، ناشر تخصصی آثار جامعه شناسی منتشر شده است. نویسنده در این اثر طی پنج فصل، جامعه شناسان کلاسیک و جامعه شناسان متأخر را معرفی و دیدگاه های هر یک از مطرح ترین جامعه شناسان را همراه با

نظریه های تازه توضیح می دهد. «آمریکا تمام می شود» کتابی تالیف مجتبی زارعی است که از سوی موسسه خانه کتاب و مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری منتشر شده است. عنوان دوم این کتاب «هرمنوتیک تغییر چهره قدرت در آمریکا در اندیشه دکتر محمود احمدی نژاد» است. نویسنده در این اثر پس از پرداختن به کلیات و مباحث نظری، ضرورت های تغییر در آمریکا را مورد کنکاش قرار داده و در ادامه، ظهور او با ما در چشم انداز جنگ هوشمند ایرانیان مورد بررسی قرار می گیرد. نظریه های رییس جمهوری. دکتر احمدی نژاد. در شکوفایی امکان های انقلاب اسلامی در مهندسی سیاست خارجی، موضوع دیگری است که در این کتاب مورد توجه نویسنده قرار گرفته است. «بابک خرم دین: سردار سرخ جامگان» نام کتابی جدید نوشته خسرو معتضد است که از سوی نشر البرز منتشر شده است. عنوان فرعی کتاب «آذربایجان کانون ایران دوستی» است که روی جلد نقش بسته. معتضد این اثر را در سه بخش تالیف کرده است. در بخش اول، آذربایجان پیش از شکل گیری و پس از اسلام تصویر می شود. بخش دوم به بابک خرم دین و ظهور جنبش سرخ جامگان و جمع بندی قیام بابک اختصاص دارد. در بخش سوم حضور سلسله های عربی کردی و ایرانی در آذربایجان و استقرار غزان و ترکان مورد بررسی قرار می گیرد. «یادواره های یک بچه قزاق: خاطرات سرتیپ آیرملو» کتاب دیگری است که نشر البرز منتشر کرده است. این کتاب که با مقدمه و توضیحات خسرو معتضد فراهم آمده، به عنوان اتوبیوگرافی یا خود زندگینامه نویسی یک افسر بازنشسته است؛ دستاورد تلاش یک عمر افسری خوشنام و شریف که در نود سالگی تجربیات تاریخی خودش را بی مضایقه در اختیار سربازان انقلاب قرار داده است. این کتاب با ویرایش خسرو معتضد و به اهتمام وی چاپ شده است. «تاریخ علم» اثری از پیتر دی یر، با ترجمه عبدالحسین آذرنگ و نگار نادری است که از سوی

انتشارات سخن به بازار آمد. در این اثر تاریخ علم، تحول علم در سده های ۱۶ و ۱۷ میلادی، پیدایش علم جدید و تکوین آن برای دانشجویان فراهم شده و نویسنده در آن به شیوه سنوی و با مراعات ترتیب تاریخی، چگونگی به بار نشستن انقلاب علمی در جهان غرب با توجه به بهترین و موثق ترین منابع در این زمینه را تشریح کرده است. «تاریخ تمدن و فرهنگ جهان» کتاب دیگری است که انتشارات سخن هفته گذشته منتشر کرده است. نویسندگان این کتاب دروتی آبراهامز، ادوارد فارمر، دنی شیلینگر، گری دیویسن، جیمز گروی، دیوید ویکتور و مترجم آن عبدالحسین آذرنگ هستند. تاریخ تمدن و فرهنگ جهان در اثری موجز با تاکید بر مهم ترین رویدادها و به قلم گروهی از تاریخ نگاران مجرب فراهم آمده است که کاربردهای آموزشی آن به ویژه برای دانشجویان و جوانان بسیار مناسب است و همه خوانندگان عمومی هم می توانند یک دوره موجز تاریخ تمدن و فرهنگ جهان را با نظم و ترتیبی خاص با توضیحات کافی و روشنگر و نثری روان مطالعه کنند. «این روزها که می گذرد» کتابی به قلم ارمان بهداروند است که زیباشناسی و سیر تحول شعر قیصر امین پور را مورد بررسی قرار می دهد. ناشر این کتاب انتشارات نقش جهان است. «گزینه اشعار بیژن جلالی» از سوی انتشارات مروارید به بازار آمد. این کتاب با مقدمه مجید روشنگر، مروی مختصر به شعر و زندگی شاعر دارد و در ادامه دیدگاه های جلالی درباره شعر، دیدگاه شاعران و منتقدان معاصر درباره جلالی و شعرش می آید. بخش سوم، گزیده ای از زیباترین اشعار جلالی منتشر شده در یازده دفتر پیشین، گلچین شده اند. «تاکتار درخت گیلاس» مجموعه ای از جدیدترین سروده های دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور است که از سوی نثر اسطوره به بازار آمد. علاقه مندان به شعر سپید با مطالعه این مجموعه یکی از دفترهای شعر این ایام را ورق می زنند.

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات ارشد با بیست عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ همتا، نیوزی با ده عنوان پرکارترین مولف؛ و مهدی آهن قشهای با دو عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۸۹۷/۷ تا چهارشنبه ۸۸۹۷/۱۱، ۸۹۲ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب ها در موضوع آموزش و کمک درسی و سپس دین بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، علوم عملی، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تعداد*	نویسنده	چاپ اول	چاپ دوم	تیراژ	ناشران	مجموع صفحه
۱	کلیات	۱۳	۷	۶	۸	۵	۱۲	۱	۲۸۷
۲	فلسفه و روانشناسی	۴۳	۲۴	۱۹	۳۶	۱۷	۲۷	۶	۳۶۴
۳	دین	۱۳۷	۱۱۸	۱۹	۸۰	۵۷	۷۴	۳۲	۸۸۲
۴	علوم اجتماعی	۸۱	۷۲	۹	۸۰	۳۱	۷۱	۱۰	۳۲۹
۵	زبان	۳۹	۳۶	۳	۱۶	۱۳	۳	۳	۳۹۴
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۴۷	۳۷	۱۰	۳۸	۱۹	۴۹	۱	۲۱۷۷
۷	علوم عملی	۹۶	۷۱	۲۵	۳۸	۲۸	۹۴	۳	۴۴۴
۸	هنر	۳۵	۲۶	۹	۱۴	۲۱	۲۳	۲	۴۰۱
۹	ادبیات	۱۲۸	۱۰۶	۲۲	۷۹	۴۹	۱۰۸	۲۰	۳۳۸
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۴۰	۳۱	۹	۳۵	۱۵	۳۹	۱	۴۴۵
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۱۶۶	۱۶۴	۲	۳۸	۱۲۸	۱۵۹	۷	۳۲۴۵
۱۲	کودک و نوجوان	۷۷	۵۱	۲۶	۳۱	۴۶	۷۷	۰	۴۱۷۴
	جمع بندی	۸۹۲	۷۳۳	۱۵۹	۴۵۳	۴۳۹	۷۷۵	۱۱۷	۳۸۱۵

* «مجموعه» به معنای اثری است که از ترجمه یا کپی برداری از یک اثر دیگر است. ** منظور از موضوع آموزشی و کمک درسی، کتاب هایی است که به نحوی با مواد درسی و دروس مرتبط است. نام منابع تحصیلی ابتدایی، راهنمای و دسترس مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از سطح ابتدایی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار
گزارشگر کتاب	چرا و چگونه (چند کتاب) ۳۶ تا ۴۰، آندره مریتی، مجید عقیق، ناشر: فدایی، چاپ ۱، ۴۸ نسخه، ۲۴۰۰۰ ریال
بیشترین نوبت چاپ	قصه های من و بابا: بابای خوب من، آریش از، ناشر: فاطمی، ۱۰۶ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	بال و سیمون: ناشر: فدایی، کتابهای نقشه، چاپ ۳، ۱۴ صفحه، ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	اصلاح الگوی مصرف: ناشر: سروش هدایت، چاپ ۱، ۴۸ صفحه، ۱۲۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	قصه های قرآنی، محمد سعید دبیبی، کافم غابریلی، ناشر: گویا، چاپ ۲، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۶۸ ریال

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار
گزارشگر کتاب	سرخان مالد، مژگان سرفرازی، ناشر: اوپن، چاپ ۲، ۴۰ صفحه، ۱۰۰۰۰ نسخه
گزارشگر کتاب	کلیات کامل اشعار سعدی (از روی صحیح ترین نسخ برابر با نسخه محمدعلی فروغی) با غرضی و اعراب کامل، ناشر: نگاه، چاپ ۱، ۱۱۹۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	قانون تجارت با آخرین اصلاحات و الحاقات همراه با مواد ۲۱ الی ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳ قانون تجارت الکترونیک، این نامه اصلاحی ثبت تکلیفات ... ناشر: دهبار، ۳۶۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۳۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	مدیریت مصرف، محسن اسماعیلی، ناشر: همنشینی، چاپ ۱، ۴۰ صفحه
کمترین شمارگان	خدمات مرجع و اطلاع رسانی: مجموعه مقالات اولین همایش سراسری اتحادیه انجمن های علمی - دانشجویی کتابداری و ... ناشر: گایدر، چاپ ۲، ۳۶۳ صفحه، ۵۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	مثنوی الامان، عباس قلی، ناشر: دایم، چاپ ۱، ۳۰۰۰ نسخه، ۱۴۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	بهداشت بلوغ دختران، عاطفه شاهی، ناشر: هنر آبی، چاپ ۱، ۳۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰ ریال

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار
گزارشگر کتاب	«کلاس سبز» ویژه کلاس اول دبستان: براساس کتاب بهروایی و نویسی، سرویس چاپیان، ناشر: راه اندیشه، چاپ ۱، ۸۸، ۶۴ نسخه، ۵۰۰۰ نسخه
گزارشگر کتاب	حساب دفرانس و انگرال، جیم استوارت، ارتشک حمیدی، ناشر: فاطمی، چاپ ۱، ۳۷۶، ۳۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	دفتر برنامه ریزی به روش فلجی، کافم قلمچی، ناشر: گابون فرهنگی آموزشی، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۲۹۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	اصول حسابداری ۱، همراه با پرسش های چهارگزینه ای، جمشید اسکندری، ناشر: کویر، چاپ ۱، ۳۰۸، ۴۰۰۰۰ نسخه، ۴۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	سخت افزار کامپیوتر (اسال سوم) تکنیک کرداری، یونس قس خرفه ای و گاردانی، عباسعلی رضایی، ناشر: پیش دانشگایان (گروه های برار)، چاپ ۲، ۲۴۶، ۵۰۰۰ نسخه، ۵۰۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان		تعداد کتاب های دست
		مؤلف*	مترجم	
۳۶۷	۱۱۴	۷۶۴	۴۳	۱۲۵

* مؤلف نامی پدیدآورگان (باشد نویسنده، ناشر، گردآورنده، مصحح و ...) به جز مترجم



نویسندگان در مرز خطر



امبرتو اکو نویسنده و فیلسوف ایتالیایی در مقاله ای که چند ماه پیش منتشر شد جامعه ایتالیا را جامعه ای بیمار خواند و اعلام کرد که دولت پرلوسکنی نیز جز به استحکام جایگاه خود به چیز دیگری نمی اندیشد. پس از گذشت چند ماه از تیرهای با حروف درشت و جنجالی، پرلوسکنی نظریات و دفاعیات خود را در کتابی دوجلدی به قلم خبرنگار وفادار خود با عنوان «ملکه قلب ها» منتشر کرد. اما به نظر نمی رسد کینه پرلوسکنی نسبت به کسانی که از گروه های ضد مافیایی می نویسند، از بین رفته باشد. این نخست وزیر ۷۲ ساله در جریان یک گردهمایی حزبی که هفته پیش برگزار شد، اعلام کرد که می خواهد نویسندگان فیلم ها و کتاب های ضد مافیایی را خفه کند! او از اتهاماتی که وی را به عنوان هم پیمان مافیا معرفی می کنند بسیار عصبانی است.

این نخستین بار نیست که نویسندگان و روزنامه نگاران ایتالیایی از سوی دولت ایتالیا یا گروه های مافیایی تهدید می شوند.

روبرتو ساویانو یکی از شاخص ترین نویسندگان است که از سوی گروه مافیایی «کامورا» تهدید به مرگ شده. او تنها ۳۰ سال دارد. فلسفه خوانده و به عنوان روزنامه نگار و نویسنده به امرار معاش می پردازد و به عنوان روزنامه نگار با مجله «لسپرسو» و چند روزنامه و مجله دیگر همکاری داشته است. وی سه سال پیش کتابی نیمه داستانی با نام «گومارا» درباره یکی از گروه های مافیایی ایتالیا و اسرار مخفیانه آنها نوشت. این کتاب که تا ژانویه ۲۰۰۹ چیزی حدود دو میلیون جلد فروش داشته و به ۴۲ زبان زنده دنیا ترجمه شده، سبب شد نویسنده اش جایزه هایش را زیر بغل بزند و از ترس مرگ فرار کند. او تنها در یادداشتی بدون ذکر مقصد سفرش اعلام کرد: «برای نجات جانم ایتالیا را برای مدتی نامعلوم ترک می کنم و می دانم که دیگر هیچ گاه نمی توانم زندگی عادی داشته باشم.»

اینک نزدیک به دو سال است که ساویانو تحت حمایت و کنترل کامل پلیس و در جایی نامعلوم، روزگار می گذراند. وی پس از آن اعلام کرد که سرسختانه به نوشتن در راستای افشای حقایق پشت پرده افرادی که از آنها به عنوان «کسانی که از حضور کلمه بر کاغذ ترس دارند» نام برد، ادامه می دهد. در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۸، شش برنده پیشین جایزه نوبل از جمله اورهان پاموک، داریو فو، ریتالوی مونتال چینی، میخائیل گورباچف و... حمایت خود را از ساویانو اعلام کردند. امبرتو اکو نشانه شناس، فیلسوف، متخصص قرون وسطا، منتقد ادبی و رمان نویس ایتالیایی نیز ساویانو را «قهرمان ملی» خواند.

به جز روبرتو ساویانو، نویسندگان بسیاری هستند که هر ساله با مشکلات بسیاری در حیطه حرفه شان دست و پنجه نرم می کنند؛ نویسندگان که گاه برای نجات جانشان از موطن خود فراری می شوند یا خشم و کینه هم میهنانشان را برای خود می خردند. نویسندگان سرشناس که آثارشان گاه از به یادماندنی ترین آثار ادبیات است، از جمله خوزه ساراماگو و اورهان پاموک که هر سه از برندگان جایزه ادبی نوبل. این مطلب نگاهی دارد به مشکلات نویسندگان که نامشان را خواندید.

انزجار کلیساهای کاتولیک

از برنده های جایزه نوبل

خوزه ساراماگو نویسنده پرتغالی که تاکنون ۱۶ رمان و ۱۵ اثر دیگر شامل داستان کوتاه و نمایشنامه منتشر کرده با رونمایی رمان جدیدش (قابیل) جنجالی دیگر آفرید. البته این، نخستین بار نبود که ساراماگو با آثارش خشم کاتولیک ها را برمی انگیزد. این

دادگاه کشیده می شوند بلکه گاه خود را برای یکدیگر هم قربانی می کنند. در واپسین روزهای انتخاب برنده جایزه ادبی من بوکر سال ۱۹۷۷ فیلیپ لارکین که داور آن سال این جایزه بود، اعلام کرد که اگر «پال اسکات» (برنده جایزه من بوکر برای کتاب «باقی ماندن») برنده نشود، خود را از پنجره بیرون می اندازد!

میلان کوندرا نویسنده اهل چک نیز از جمله نویسندگان است که کم دچار مشکل نبوده. وی سرودن شعر را از ۱۴ سالگی آغاز کرد و در ۱۷ سالگی پس از شکست آلمان در جنگ جهانی به حزب کمونیسم پیوست. وی در سال ۱۹۴۸ وارد دانشگاه سینمایی پراگ شد اما در سال ۱۹۵۰ از حزب اخراج شد. نخستین مجموعه شعر او با نام «انسان؛ بوستان پهناور» خوشبینی موجود و ادبیات دولتی را مورد انتقاد قرار می داد. دومین و آخرین مجموعه شعر او با نام «تک گویی» در ۱۹۵۷ منتشر شد. کوندرا همراه بسیاری از هنرمندان و نویسندگان اهل چک و اسلواکی به حمایت از جنبش اصلاح طلبانه حزب کمونیسم این کشور در سال ۱۹۶۸ پرداخت اما پس از اشغال پراگ توسط ارتش شوروی در اوت ۱۹۶۸ نامش در لیست سیاه قرار گرفت و انتشار کتاب هایش و عرضه آنها در کتابخانه ها ممنوع شد. او یک سال بعد از دانشگاه سینما هم اخراج شد. در این مدت، کوندرا خرج خودش را با نوشتن طالع بینی درمی آورد! این طالع بینی ها که البته با نام میلان کوندرا چاپ نمی شدند، پس از مدتی بسیار محبوب شدند. خود کوندرا در کتاب «خنده و فراموشی» به سرنوشتی که اینچنین دچارش شده بود، اشاره و

نویسنده پرتغالی که در سال ۱۹۹۸ موفق به کسب جایزه ادبی نوبل شد پیش تر در کتابی دیگر با نام «انجیل به روایت مسیح» باعث نارضایتی هواداران کلیسا شد. مخالفت از سمت کاتولیک ها آنقدر بالا گرفت که ساراماگو را از دریافت جایزه ادبی ادبیات اروپا محروم کردند. بسیاری از منتقدان پس از انتشار این اثر، معتقد بودند که این کتاب احساسات میلیون ها کاتولیک را در سراسر دنیا جریحه دار کرده و از ساراماگو درخواست کردند که از این پس با احتیاط بیشتری از برداشت هایش درباره داستان های انجیل بنویسد. آثار وی عموماً با عقایدی منتقدانه آمیخته و همواره بی پروایی اش در بازگویی داستان های انجیل بازار نقد را داغ نگه داشته است.

بعد از چاپ «انجیل به روایت مسیح» و به دنبال جنجال های ناشی از محتوای این کتاب، ساراماگو پرتغال را به مقصد اسپانیا ترک کرد. وی اکنون حدود ۱۷ سال است که همراه همسرش در جزایر قناری ساکن است.

اورهان پاموک نویسنده ترک تبار و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۲۰۰۶ است. این نویسنده ۵۷ ساله نه تنها توانست با قلمش ترک را مقابل ترک قرار دهد بلکه مجبور شد در جایی پنهان شود تا آب هاز آسیاب بیفتد. وی علاوه بر کتاب هایش و محتوای جنجالی شان در گفت و گویی با یک مجله سوئیس به کشتار جمعی کردها و ارمنه در شرق ترکیه اشاره کرد که همین امر سبب شد از سوی دولت ترکیه و تدرروهای لاییک این کشور به جرم توهین به مردم کشورش متهم شود. دولت ترکیه مساله قتل عام یا نسل کشی ارمنه را هرگز نپذیرفته و هر گفته ای در این باره را انکار می کند.

به این ترتیب روزنامه های حامی دولت ترکیه - که در آن زمان هنوز به دست گروه هایی با تمایلات اسلامی نیفتاده و به شدت لاییک بودند - سیل حملات خود را به سمت پاموک آغاز کردند تا جایی که برخی روزنامه نگاران پیشنهاد دادند پاموک باید کشته شود! در دادگاهی که دسامبر ۲۰۰۵ برای رسیدگی به جرایم اورهان پاموک تشکیل و پرونده مختومه اعلام شد. پاموک که از نظر بسیاری، نویسنده بزرگ اما بی علاقه به میهنش است، چندی پیش مدرک دکتری افتخاری از دانشگاه فلورانس ایتالیا را برای نوشتن رمان «موزه معصومیت» از آن خود کرد، اما بی شک هیچ گاه روزی که از ترس جانش فراری بود و در جایی پنهان شده بود فراموش نخواهد کرد.

نویسندگان خارجی، نه تنها برای آثار چاپ شده و چاپ نشده شان بارها به مرگ تهدید و بارها به

شرح آن را بیان می کند.

این پایان کار کوندرا نیست. او آنقدر از کشور و هم میهنانش رنجید که دست به تبعید خودخواسته به فرانسه زد و حتی پس از فروپاشی کمونیسم هم حاضر به بازگشت نشد. او هویت چک خود را انکار می کند و از همه می خواهد او را فرانسوی بدانند. با این حال همین پارسال، فردی ادعا کرد مدارک یافته که نشان می دهد کوندرا جاسوس دولت کمونیستی چک بوده است؛ ادعایی که باعث شد پیرمردی که سال هاست با هیچ نشریه ای مصاحبه نمی کند، به یک مصاحبه مطبوعاتی تن بدهد و از خود دفاع کند. همچنین ده ها نویسنده و چند تن از برندگان نوبل ادبیات به حمایت از کوندرا پرداختند. او به نگارش رمان هایی معروف است که اوضاع تیره در حکومت سوسیالیستی رانسان می دهند. شاید هیچ چیز برای کوندرا به این اندازه که او را بعد از این همه سال پلیس مخفی و جاسوس دولت کمونیستی چک بدانند، سنگین نبوده باشد.

آنانی که کسی حاضر به چاپ کتابشان نبود

نویسندگان سال های نویسنده، هزاران بار کاغذهای سیاه شده را پاره و شاید صدها بار نوشته هایشان را مرور می کنند. اما این که ده ها بار هم از سمت ناشران «نه» بشنوند بسیار سخت است. استفان کینگ نویسنده ۶۲ ساله آمریکایی شاید از شاخص ترین نویسندگان این گونه باشد چرا که نخستین نوشته وی حدود ۴۱ بار از سمت ناشرش رد شد!

آثار او انگار طلسم «پذیرفته نشدن» را با خود داشته باشند یکی پس از دیگری رد می شدند، اما پشتکار او قابل تحسین است چرا که بیشتر رمان هایش توانسته اند جوایز بسیاری را به خود اختصاص دهند. اثر دیگری از استفان کینگ به نام «کری» توانست مهر رد ۳۰ ناشر به نام را بر پیشانی خود بزند! اما همین رمان هنگامی که چاپ شد نه تنها با فروش بالایش تعجب همگان را برانگیخت بلکه توانست پیش زمینه ساخت فیلمی شود که در ژانر وحشت بسیار بنام است. فرانک سیناترا بازیگر و خواننده مشهور آمریکایی در جایی می نویسد: «برترین انتقام، همان موفقیت بی انتهاست.»

ریچارد باخ ۷۳ ساله خلبان و نویسنده آمریکایی با نوشتن «جانانان، مرغ دریایی» ۱۸ نامه که حاوی تکذیب اثرش بود از سمت ناشران متفاوت دریافت کرد. اما در نهایت انتشارات مک میلان وظیفه چاپ این رمان را بر عهده گرفت. این اثر باخ در همان سال انتشارش (۱۹۷۲) توانست بیش از یک میلیون جلد فروش کند. اما رکورد رد شدن اثر مربوط به فرد دیگری است؛ «سوپ جوجه برای روح» از جک کانفیلد که از سمت ناشران متفاوت ۱۴۰ بار رد شد! این اثر که به «خوشبینی بیش از حد» متهم شده بود، بالاخره پس از چاپ، توانست ۸۰ میلیون جلد را در ۳۷ زبان زنده دنیا به فروش برساند.

کتاب داستانی است که با چاپ به پایان نمی رسد

(راز حروف سربی)

طراحی و اجرای کمپین های تبلیغاتی فروش کتاب

چشم رونمای کتاب "گم گشته در مسیر"

نوشته دکتر سهراب آینه جیان

سررای اهل قلم ۲۴ آذر ۱۷ - ۱۹



تکنیک هایی برای نوشتن خلاق

■ مریم حسینیان، نویسنده



کتابی که این روزها در دست تالیف دارم کاری منسجم درباره داستان نویسی برای نوجوانان با عنوان «چند پر سرخ پوستی» است که طی این سال ها با این نکته برخورد کرده ام که

کتاب های موجود نوجوانان را جذب نمی کند. بر همین اساس در این زمینه و درباره اصول داستان نویسی برای نوجوانان کتابی تهیه کردم. در این کتاب اصول و تکنیک های نوشتن برای نویسندگانی که تازه کار نوشتن را آغاز کرده اند پرداخته شده است. هنوز ناشر این کتاب مشخص نیست.

این کتاب آموزشی، جنبه ای داستانی دارد؛ مفاهیم و عناصر داستانی به شیوه ای خشک و تئوریک آموزش داده نمی شود و فکر می کنم همین امر مخاطب را جذب می کند. همچنین زمانی با عنوان «یکی از گنجشک ها لباس ندارد» در ۲۵۰ صفحه و فضایی تقریباً سورتال را توسط نشر افق در دست انتشار دارم که مراحل اداری را برای انتشار می گذراند.

داستان این کتاب زندگی خیلی یک زن است و در نگارش آن سعی کردم با توجه به کارهایی که در این زمینه نوشته شده، فضایی واقعی و با جزئیات ترسیم کنم. به بیان دیگر می توانم بگویم جزئی نگری و نگاهی زنانه به مفاهیم عامه پسند داشته ام تا خواننده کتاب دریابد. نویسنده این متن یک زن است.

از سوی دیگر خصوصیات یک رمان و خط داستانی آن را حفظ کرده ام تا تاثیر عاطفی خود را با توجه به تشریح جزئیات روابط خانوادگی و اجتماعی حفظ کند؛ چرا که همواره این امر دغدغه شخصی من بوده است و تنها در این رمان سعی کرده ام آن را پررنگ تر کنم.

این روزها مجموعه داستانی نیز آماده انتشار دارم که شامل ۱۵ داستان می شود. این مجموعه با مجموعه های پیشین من تفاوت های چشم گیری دارد و می تواند در یک دوره زمانی ویژه، تغییر تفکر در روحیه نویسنده را به صورت مستقل نشان دهد. برخی از داستان های این مجموعه در فضایی واقع گرایانه نقل می شوند و بار احساسی قدرتمندی دارند. به نظرم اگر اثری بار حسی داشته باشد، می تواند بر جریان ذهنی مخاطب اثر بگذارد.

در کنار نوشتن، به تدریس در کارگاه های داستان نویسی هم مشغولم.

باز نویسی حکایت های کهن

■ محمد حسین کیان پور، نویسنده کودک و نوجوان

از سال ها پیش همواره دو دل مشغولی بزرگ داشته ام. یکی از این دل مشغولی ها باز نویسی داستان های شاهنامه برای کودکان و نوجوانان بوده است که خوشبختانه توانسته ام این کار را انجام بدهم و (داستان های شاهنامه) را در سه جلد توسط انتشارات دفتر پژوهش های رادیو منتشر کردم. این مجموعه تقریباً شامل تمامی داستان های پراهمیت شاهنامه می شود. با توجه به اهمیت شاهنامه، در «داستان های شاهنامه» بر آن شدم تا این داستان ها را با نثری روان و ساده باز نویسی کنم تا برای نوجوانان و جوانان به سهولت قابل دسترسی باشد و رغبت زیادی برای خواندن آن پیدا کنند.

جلد نخست این مجموعه در ۶ فصل تنظیم شده است و شامل داستان های ضحاک و کاوه آهنگر، داستان سیاوش، رستم و افراسیاب، رستم و سهراب،

اسفندیار و رستم و برزو می شود. در جلد دوم این کتاب به داستان هایی درباره هفت خوان رستم، رزم رستم، اشکیوس و نبرد رستم با اکوان دیو پرداخته است.

اما جلد سوم که در واقع آخرین جلد از مجموعه «داستان های شاهنامه» به شمار می آید در ۶ فصل شامل داستان های کیکاووس از جنگ هاماوران تا رفتن به آسمان، رستم در سرزمین توران، داستان هفت خوان اسفندیار، پادشاهی کیخسرو، بهرام گور، لنبک آبکش، رستم و شغاد (مرگ رستم) می شود.

این روزها هم مهراون دوستی در شبکه رادیویی جوان در برنامه ای که بیش از یک سال در حال اجراست، این متن باز نویسی شده را قرائت و اجرا می کند.

اما دیگر دل مشغولی ام گردآوری و باز نویسی حکایت های کهن و مثل های فارسی بوده است. بر همین اساس این روزها گردآوری حکایت های کهن و مثل های طنز فارسی را در دست دارم و ویرایش نهایی آن را انجام می دهم. در حال حاضر مجموعه ای اینچنینی برای کودکان و نوجوانان در بازار نشر وجود ندارد. به ویژه آن که ممکن است به زودی این حکایت ها و مثل ها به دست فراموشی سپرده شوند.

از سوی دیگر، در جامعه کنونی ما، استفاده از نکات طنز کاربرد بیشتری دارد. این آشنایی با مثل های طنز فارسی را ضروری می کند. بیش از ۵۰۰ حکایت و مثل منابعی همچون امثال الحکم، جوامع الحکایات، رساله دلگشا، کلیات عبید زاکانی و زهر الربیع ساده نویسی و باز نویسی شده و در این کتاب گنجانده شده اند، اما هنوز عنوان و ناشری برای این کتاب برنگزیده ام.

گپ و گفت شاعرانه

■ مهدی مظفری ساوجی، شاعر و نویسنده



اخیراً کتاب های «گفت و گو با نجف دریابندری»، «پشت صحنه آبی» (گفت و گو با اکبر رادی)، «قصه انسان و پایداری اش» (شناخت نامه ایران درودی) و همچنین چاپ

دوم مجموعه شعر «رنگ و سایه ها» به قلم من توسط انتشارات مروارید منتشر و راهی بازار کتاب شده اند. «گفت و گو با نجف دریابندری» حاصل ۴۰ تا ۵۰ ساعت گفت و گوی ضبط شده ام با دریابندری درباره موضوع هایی چون زندگی، ترجمه، داستان نویسی، سینما، پسند و ناپسند زبان فارسی و طنز است. گفت و گوهای این کتاب ۳۵۲ صفحه ای سال ۱۳۸۴ انجام شده و حدود ۶ ماه طول کشیده است. البته حدود ۲۰۰ صفحه از این گفت و گوها را مطابق خواسته دریابندری منتشر نکردم.

اما «پشت صحنه آبی» کتابی ۴۳۵ صفحه ای و شامل گفت و گوهایی درباره تئاتر، طنز، داستان نویسی، سانسور، تعزیه، سینما و ترجمه است که با اکبر رادی و در آخرین سال زندگی او انجام شده است. گفت و گوهای این کتاب حدود ۳۵ تا ۴۰ ساعت به طول انجامید.

مجموعه شعر «رنگ ها و سایه ها» نیز شامل ۵۰ قطعه شعر سپید با مضامین اجتماعی و سروده شده طی سال های ۸۱ تا ۸۶ است. این کتاب سال گذشته برنده دومین دوره جایزه کتاب سال شعر جوان (قیصر امین پور) شد.

همچنین «قصه انسان و پایداری اش» در ۱۲ فصل توسط انتشارات سخن منتشر شده است. از جمله فصل های این کتاب می توانم نقدها و بررسی ها، گفت و گوهای درودی، نوشته های پراکنده و نامه ها را نام ببرم. از سوی دیگر این کتاب، بخشی با عنوان «چند شعر برای ایران درودی» را دارد و شامل سروده هایی از شاعرانی چون احمد شاملو، شفیعی کدکنی، مرتضی کاخی، مفتون امینی، منصور اوجی و بهاء الدین خرمشاهی است که آنها را به درودی تقدیم کرده اند. بخش آخر کتاب نیز شامل نقاشی ها و عکس های درودی می شود. در پایان نیز فهرست

الفبایی منابع مقاله ها و مطالب ارائه شده است. اما یک مجموعه شعر با عنوان «سایه ام را بر دیوار جا گذاشتم» شامل ۵۰ قطعه شعر سپید اجتماعی و «گفت و گوهایی درباره زندگی و آثار مهدی اخوان ثالث» را در دست انتشار دارم. در این کتاب با تعدادی از چهره های ادبیات امروز گفت و گو شده است. بخشی از این گفت و گوها تنظیم شده و این کتاب تا پایان امسال منتشر می شود.

انتشار کتاب های «گفت و گو با عباس کیارستمی» و «گفت و گو با سیمین بهبهانی» را نیز در برنامه دارم. این دو کتاب هم در آینده منتشر خواهند شد.

ترجمه و ویرایش

■ حبیب گوهری راد، مترجم

از جمله کتاب های در دست انتشار که به زودی روانه بازار نشر خواهند شد، می توانم «سلطانه ای با جوراب های پاره» و «گریه آرام» را نام ببرم. ویرایش نهایی «سلطانه ای با جوراب های پاره» با ترجمه سعید بوغیری برعهده ام است. این کتاب ۸۰۰ صفحه ای به داستان زندگی حقیقی سلطانه سلما، شاهدخت سرزمین عثمانی و آواره شدن او در زمان جنگ جهانی دوم می پردازد و توسط انتشارات رادمهر منتشر خواهد شد. سلطانه سلما زمانی که دخترش یک سال و نیمه بود فوت می کند و داستان زندگی او را دخترش کنیزه مراد، یکی از مشهورترین ژورنالیست های فرانسه می نویسد.

اما «گریه آرام» نوشته کنزا بورو اوته با ترجمه من حدود دو سال پیش توسط انتشارات رادمهر منتشر و روانه بازار نشر شد که به زودی نیز چاپ دوم این کتاب منتشر خواهد شد.

اوته، نویسنده ژاپنی این کتاب در سال ۱۹۹۴ برنده جایزه نوبل ادبیات شد. او بسیار روان می نویسد. هر چند شاید سبک فاخر این نویسنده در ترجمه به خوبی خود را نشان ندهد. «گریه آرام» بی تردید از برترین آثار ادبیات جهان است. سبک «سیال ذهن» اوته در این کتاب، خواننده را غافلگیر می کند. نثر او برای مخاطب بسیار دلپذیر است و تا انتهای داستان مخاطب را به دنبال خود می کشد. اوته این رمان را سال ۱۹۶۷ به رشته تحریر درآورده و انتشار این کتاب برای او جایزه ادبی تانیزاکی را به ارمان آورده است.

تکنولوژی و بیان خلاقانه

■ شهریار خانی زاد، مدیر نشر هنر و معماری قرن

به زودی چاپ دوم کتاب «معماری معاصر ایران» تالیف امی بانی مسعود منتشر می شود. محور اصلی بحث این کتاب نحوه مواجهه ما ایرانیان با عالم جدید و تاثیر آن در معماری ایران، از دوره قاجار تا سه دهه بعد از انقلاب اسلامی است.

بر این اساس مباحث مطرح شده در این کتاب شامل پنج شاخه کلی آشنایی ایرانیان با مباحث غربی در دوره قاجار (عمدتاً شامل شکل گیری مدرنیته ایرانی در بستر اجتماعی و فرهنگی)، معماری دوره قاجار، معماری دوره پهلوی، معماری دوره پهلوی دوم و معماری بعد از انقلاب اسلامی می شود.

همچنین دو کتاب دیگر از مجموعه «مشاهیر معماری جهان» با عنوان های «فرانک گری» و «ساربنین» ترجمه علیرضا سید احمدیان و حمید خدایپانی در دست انتشار است. صفحه بندی کتاب «فرانک گری» انجام شده و به احتمال زیاد تا پایان امسال منتشر می شود. اما کتاب «ساربنین» تا هفته آینده منتشر و روانه بازار نشر خواهد شد.

اما کتاب دیگری با عنوان «طراحی فضاهای کتابخانه ای» تالیف و گردآوری آبتین گلکار نیز در دست انتشار است. به تازگی نیز کتاب های «ترکیب جسورانه در طراحی داخلی» با ترجمه اتوسا گلکار با جلد گالینکور (که با استقبال خوبی مواجه شده) و «مارسل برویر» از مجموعه «مشاهیر معماری جهان» نوشته آرنو کابزرز با ترجمه سید مرضیه طباطبائی منتشر و در بازار کتاب توزیع شده اند.

یادداشت

مهدی محبتی

استادیارگروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه زنجان



دانشگاه های در حال توسعه

و کتابخانه های فقیر



مدتی پیش، برخی رسانه ها از نامشخص بودن وضعیت اهدای کتابخانه مرحوم فریدون مشیری همزمان با نهمین سالگرد درگذشت وی خبر داده بودند. در این میان کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، که به

عنوان یکی از کتابخانه های دانشگاهی وظیفه حفظ و نگهداری از منابع غنی علمی و فرهنگی کشور را برعهده دارد، برای دریافت کتاب های این شاعر معاصر و پیش بینی فضای مناسب برای آن اعلام آمادگی کرد.

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، بزرگ ترین و غنی ترین کتابخانه دانشگاهی کشور است و هسته اصلی شکل گیری آن در سال ۱۳۲۹ با مجموعه اهدایی استاد سید محمود مشکوه شامل ۱۳۲۰ جلد نسخه خطی تشکیل شد. علاوه بر کتاب های اهدایی استاد مشکوه، مجموعه های دیگری نیز از زمان تأسیس به این کتابخانه اهدا شده است که از آن جمله می توان به مجموعه های اهدایی سعید نفیسی، ابراهیم پور داوود، یحیی مهدوی، حسنعلی غفاری و سید محمد علی جمالزاده اشاره کرد.

کتابخانه فریدون مشیری، نیز حاوی شش هزار جلد کتاب است که در برخی از آنها به خط شاعر، مطالبی نگاشته شده است. به نظر اگر خانواده این شاعر موافق باشند بهتر است این کتابخانه به یکی از کتابخانه های دانشگاه های در حال رشد مانند دانشگاه زنجان یا دانشگاه کاشان اهدا شود. کتابخانه دانشگاه تهران دریایی از کتاب است و نیاز چندانی به این کتابخانه ندارد؛ اما کتابخانه دانشگاهی چون دانشگاهی زنجان به ویژه کتابخانه دانشکده علوم انسانی این دانشگاه با فقر شدید کتاب برای تمام مقاطع تحصیلی مواجه است. من خود تعداد زیادی کتاب به این کتابخانه اهدا کردم تا شاید بتوانم کمک اندکی به معضل کمبود کتاب این کتابخانه کرده باشم.

روزانه شاید بیش از ۵۰ نفر تنها برای تهیه کتاب هایی درباره ادبیات کهن به این کتابخانه مراجعه می کنند. کتابخانه های دانشگاه های استان تهران، مراجع بسیار خوبی برای خرید کتاب در تمام زمینه ها دارند و حداقل نیاز ابتدایی آنها به کتاب برطرف شده است. اما در دانشگاه زنجان، بارها در کلاس هایم هر موضوعی را مطرح کردم، دانشجویان برای مطالعه بیشتر نتوانسته اند کتاب مناسب را در کتابخانه دانشگاه بیابند.

متأسفانه دانشگاه های در حال رشد و توسعه تنها با دیدگاه پزشکی و مهندسی پیش می روند. شاید علت اساسی این امر در انتخاب رؤسای این دانشگاه ها باشد که از میان دانش آموزان مهندسی و پزشکی اند. در نتیجه علوم انسانی در چنین دانشگاه هایی مظلوم واقع می شود. این قضیه حتی در تجهیز کتابخانه های دانشکده های مرتبط با علوم انسانی نیز دیده می شود. من مشیری را از نزدیک دیده بودم و با کمال و لطافت روح او آشنایی داشتم و همواره احترام ویژه ای برای او قائل هستم. اگر کتابخانه این شاعر فقید به دانشگاه زنجان اهدا شود، من به عنوان یکی از استادان این دانشگاه مطمئن هستم دانشجویان این دانشگاه بیش از سایرین قدر کتابخانه مرحوم فریدون مشیری را خواهند دانست و امیدوارم چنین شود. گذشته از این موضوع، امیدوارم محرومیت از کتابخانه های دانشگاه های شهرستان ها و دانشکده های علوم انسانی زدوده شود.